رسانه
و حقوق شهروندی

میثم امیدعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

رسانه و حقوق شهروندی

نویسنده:

میثم امیدعلی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رسانه و حقوق شهروندی

مشخصات کتاب

سرشناسه: امیدعلی، میثم، ۱۳۶۱ -

عنوان و نام پدیدآور: رسانه و حقوق شهروندی/ میثم امیدعلی.

مشخصات نشر: قم: صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.

ISBN: ۹۷۸ – ۹۶۴ – ۵۱۴ – ۳۴۶ – ۴ ۶۵۰۰۰ ریال؛.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: رسانه های گروهی – ایران

موضوع: حقوق مدنی – ایران

شناسه افزوده: صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۷۷ الف ۹۴ الف / ۹۲ P

رده بندی دیویی: ۳۰۲ / ۲۳۰۹۵۵

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۵۳۶۳۷۲

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۰

ص: ۱۱

پیش گفتار

پیش گفتار

خداوند متعال را سپاس می گوییم و شکرگزاریم از برای همتی که عطا فرمود تا سزاوار بیان حق و جایگاه آن و حق انسان شهروند برآییم.

ارزش نهادن به انسان و تکریم برترین مخلوق هستی، از آیین و ادیان الهی، سرچشـمه گرفته است و دین اسلام که کامل ترین آیین هـا و آخریـن دیـن اسـت، بیش از همه بر آن تأکیـد کرده است. به دلیـل اهمیت ویژه ای که اسـلام برای انسـان قائـل است، حقـوق شهروندی جزو قوانین جداناپذیر این دین الهی است.

شهر، شـهروندی و حقوق شـهروندی هرچند موضوع هایی مدرن و اصـطلاحاتی جدید هستند و در دولت و ملت معنا پیدا می کنند، اما آنها از متون دینی سرچشـمه گرفته انـد. حقوق و آزادی های فردی و مـدنی، آزادی عقیـده و بیان، حق زنـدگی و حق مالکیت، حقوق اجتماعی، قضایی و سیاسی، بخشی از حقوقی است که در مفهوم حقوق شهروندی می گنجد.

رسانه در جایگاه ابزار انتقال معنا و در راسـتای تحقق زنـدگی آرمانی یا شـیطانی، می توانـد به حقوق حقه انسان، خـدمت یا خیانت کنـد. رسـانه هـا نقشـی بسـیار پررنگ در تأمین این حقوق دارنـد. رسانه ها همچون ابزاری برای آگاهی بخشـی، نظارت بر محیط و آموزش شهروندان عمل می کنند؛

ص: ۱۲

بدین ترتیب تصدیق کننده وظایف شهروندی همچون مشارکت، نقد و رأی دادن هستند. شهروندان آگاه می توانند بهتر و فعالانه تر در فرآیندهای تصمیم گیری جوامع شرکت کنند.

همان گونه که حضرت امام خمینی رحمه الله رسانه را به عنوان دانشگاه عمومی می داند، وسایل ارتباط جمعی با آگاه سازی و تسهیل فرآیند آموزش شهروندان جامعه به صورت دائمی، آنان را توانمند می سازند. آموزش از طریق رسانه، یکی از راه های مهم برای گسترش مهارت های ارزش مندی است که می تواند در جلب مشارکت شهروندان در مسائل مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی کشور نقش تعیین کننده ای داشته باشد. رسانه ها می توانند شهروندان را به تحصیل حقوق شهروندی و آشنایی با مباحث مرتبط با مسائل جاری تشویق کنند.

این پژوهش میان رشته ای به موضوع حقوق شهروندی و رسانه می پردازد و پس از تبیین و تعریف هریک از این دو موضوع، ارتباط میان این دو و حقوق شهروندی در قوانین جمهوری اسلامی ایران و رسانه ملی بررسی خواهد شد.

گروه مطالعات اجتماعی

اداره کل پژوهش

ص: ۱۳

بخش اول: شهروندی

اشاره

بخش اول: شهروندی

زیر فصل ها

ص: ۱۴

ص: ۱۵

فصل اول:کلیات

اشاره

فصل اول:کلیات

زیر فصل ها

۱. شهروند

۲. شهروندی

۱. شهروند

اشاره

۱. شهروند

زیر فصل ها

الف) معنای لغوی شهروند

ب) مفهوم اصطلاحی شهروند

الف) معنای لغوی شهروند

الف) معنای لغوی شهروند(۱)

رومیان قدیم به دو دسته تقسیم می شدند؛ ۱. شهروندان؛ یعنی رومیان اصیل که از حقوق و امتیازهای بیشتری برخوردار بودند و ۲. رعایا؛ یعنی اقوام و ملل دیگری که زیر سلطه حکومت رومیان بودند.(۲) یونانیان قدیم نیز به دو درجه تقسیم می شدند؛ شهروندان درجه یک، که ساکنان اصلی یونان بودند و درجه دو، که بردگان و غیر یونانیان بودند.

در فرهنگهای معین و عمید، این اصطلاح تعریف نشده است. واژه شهروند در فرهنگ دهخدا، این گونه تعریف شده است: «اهل یک شهر یا یک کشور.» همچنین آمده است که «ونـدِ» موجود در این واژه در گذشته «بند» و در واقع، این واژه «شهربند» بوده است، به معنای کسی که به شهری بند است.

۱- Citizen.

۲- آرزو رضایی پور، حقوق شهروندی، ص۱۱.

ص: ۱۶

بر اثر گـذشت زمان، این بنـد به «وند» تبدیل شده است. «ی» موجود در شـهروندی؛ یعنی هر چیز مربوط به شـهروند.(۱) در فرهنگ معاصـر گفته شـده است شـهروند کسـی است که اهل شـهر یا کشوری باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار شود.(۲) در یکی از فرهنگهای علوم سیاسی، شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است. واژه «سـیتی زن»، که ریشه رومی دارد، در فارسـی به شـهروند، تبعه، همشـهری، هم وطن، شـهرتاش و انسـان عضـو اجتماع معنی شده است».(۳)

در زبان فرانسه، کلمه شـهروند (Citoyen) از شهر (Cite) می‌آید و (سـیته) از واژه لاتینی سیویتاس (Civitas) گرفته شده است. سیویتـاس در زبان لاتینی، تقریباً معادل کلمه (Polis) در زبـان یونانی است که همان شـهر است که تنها مجتمعی از ساکنان نیست، بلکه واحدی سیاسـی و مسـتقل است. شـهروند فقط به ساکن شهر گفته نمیشود. در رم، همانند آتن، همه ساکنان خصلت شهروندی نداشـتند. کسـی شـهروند بود که برای مشارکت در اداره امور عمومی شهر شرایط لازم را داشته باشد. در زبان فرانسه، غالباً شهروند در نقطه مقابـل رعیت به کـار میرود. رفته رفته، دولت کشـور جـای دولت شـهر را گرفت و مفهـوم شـهروند به مفهـوم دولت کشور وابسته شد.(۴) در ایران تا پیش از مشروطیت، به جای این واژه از کلمه رعیت و رعایا استفاده میشد.(۵)

۱- حسن انوری، فرهنگ روز سخن، ص ۷۶۸.

۲- ۴غلام حسین صدری افشار، فرهنگ معاصر، فارسی به فارسی، ص ۲۱۱.

۳- نک: علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۶۲.

۴- روبر پللو، شهروند و دولت، ص ۱.

۵- حقوق شهروندی، ص ۹.

ص: ۱۷

ب) مفهوم اصطلاحی شهروند

ب) مفهوم اصطلاحی شهروند

در اصطلاح، شهروند عضو جامعه ای سیاسی است که دارای حقوق و وظایف مرتبط با این عضویت است. در واقع، شهروند از وجود رابطه و پیوند متقابل فرد و جامعه سیاسی حکایت می کند. البته باید توجه داشت که برخی الزامات این واژه در غیر شهر، کمتر معنا می یابد؛ زیرا بیشتر شهرها محل ظهور روابط پیچیده سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی اند، اما بدان معنا نیست که روستاییان یا افرادی که در غیر شهر زندگی می کنند، شهروند محسوب نمی شوند، بلکه از باب تغلیب، به همه افراد سرزمین یا کشوری، شهروند گفته می شود. در واقع، شهروند، فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه حضور دارد و در تصمیم سازی، تصمیم گیری و شکل دهی آن به صورت مستقیم و غیر مستقیم، اثرگذار است. در یک کلام، شهروند بر عضویت یک فرد در جامعه سیاسی دلالت دارد و حاکی از آن است.

۲. شهروندی

اشاره

۲. شهروندی

در واقع، شهروندی (که یای نسبت در آن وجود دارد) حاکی از موقعیت و حالت انسانی است که بر اساس آن باید از حقوق و مزایایی برخوردار شود و باید تکالیفی نیز بر عهده گیرد، هرچند در دولت شهر نباشد؛ یعنی ساکن کشور نباشد.(۱) بنابراین، شهروندی وضعیتی است که به افراد عضو جامعه ای ملی اعطا می شود و حقوق شهروندی، حقوقی است که از آن ناشی می شود و مشارکت در این دارایی عمومی را آسان می کند.(۲)

۱- محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، صص ۲۳۱۷ و ۲۳۱۸.

۲- ۲ جی. ام بارلت، حقوق شهروندی، ترجمه: جواد کارگزاری، ص۱۳۴.

ص: ۱۸

به سخنی دیگر، مفهوم جغرافیایی شهروندی که اکنون معیاری متداول شده است، امتیازها و مسئولیت هایی خاص را به عنوان «شهروندی» برای کسانی که در سرزمینی متولد شده باشند یا به طور دائم در آن زندگی می کنند یا بر اساس قوانین دیگر، به تابعیت کشور در آیند به رسمیت می شناسد.

شهروندی هویت جدیدی به فرد می بخشد که خارج از هویت فردی، خاندانی، قومی، خونی، تباری و شغلی است. پس شهروندی به وضع رابطه موجود میان شخصی طبیعی و جامعه ای سیاسی به نام دولت کشور، گفته می شود، که بر اساس آن اولی به وفاداری و دومی به حمایت موظف است.

در واقع، ویژگی ای که شهروندی را از تابعیت صرف جدا می کند، وجود اخلاق مشارکت و حقوق و مزایای شهروندی است. شهروندی نه صرف موقعیتی منفعلانه، بلکه موقعیتی فعالانه و اثرگذار است. در نگاهی کلان، شهروندی حاکی از این رابطه خاص میان جامعه سیاسی و عضو آن است، که بر اساس آن فرد، دارای حقوق و تکالیفی خواهد بود. پس شهروند بر عضویت و شهروندی بر حالتی که از این وضعیت ناشی می شود، دلالت دارند.

الف) اهمیت شهروندی

الف) اهمیت شهروندی

امروزه بنا به دلایلی، این باور وجود دارد که مقوله شهروندی اهمیت خود را از دست داده است. نظریه پردازان جهانی شدن، ادعا می کنند که پدیده دولت ملت از سوی پروسه جهانی سیاست، اقتصاد، و بازیگران آن، به طور فزاینده نادیده گرفته می شود و توانایی دولت ملت، نسبت

ص: ۱۹

به تضـمین حقوق و اجرای تعهدات مربوط به شهروند ملی، با این حساب، مبهم و نامشخص خواهد بود. به علاوه، امروزه بسیاری از حقوق و تعهدات فردی در جوامع مرفه غربی، پیش از آن که به موقعیت شـهروندی رسـمی، بسـتگی داشـته باشد، به اقامتگاه قانونی وابسـته اسـت و ایـن امر نیز از اهمیت شـهروند ملی کاسـته است.(۱) امروزه به جـای شـهروندی، از مفـاهیمی همچون جهـان وطنی، شهروند جهانی و جهانوند، سخن به میان می آید.

با وجود این مطالب، واقعیت آن است که از اهمیت موقعیت شـهروندی به هیـچ وجه کاسـته نشـده یا تمام اهمیت گذشـته آن از بین نرفته است.(۲) دلیـل آن را بایـد در عوامـل گونـاگون جست وجو کرد. با وجود تبلیغ دکترین حقوق جهانی بشـر، هنگام اداره امور سیاسی کشورها دیده می شود که هنوز موضوع شهروندی اهمیت دارد، زیرا:

۱. جهـانی شـدن برخی امور بـاعث تغییر بستری شـده که دولت ها در آن حاکمنـد، اما دولت ها همچنان تواناترین نهاد برای تمرکز قدرت سیاسـی، اقتصادی، نظامی و ارتباطی اند. بنابراین، دولت بستر اصلی شهروند است و حقوق و مسئولیت ها به شکل اساسی در سطح دولت ها اعمال می شوند و اجرایی شدن حقوق و تکالیف، با دولت ملت ارتباط تنگاتنگی دارد.

۲. شهروندی بیانگر ارتباط میان حقوق، مسئولیت ها و مشارکت است

۱- Per Gustafson, Globalisation, Multiculturalism andIndividualism: The swedish Debate on Dual Citizenship, Journal Title: Journal of Ethnic and Migrasion Studies, Volume ۲۸, Year ۲۰۰۲, P ۴۶۳. Source: Questia, Media America, Inc. www. questia.com.

۲- Ibid, p۴۶۵.

ص: ۲۰

که برای هر نوع اداره کردن ضروری هستند و هم اکنون شهروندی سازوکار خوبی برای تحقق حقوق و تکالیف است، در حالی که یکی از مشکلات حقوق بشر برای تحقق شهروندی آن است که با پدیده ای به نام جامعه سیاسی، پیوند و سازوکاری مؤثر ندارد.(۱) اجرای حقوق بشر در سطح جهانی با تطبیق و اجرای حقوق شهروندی در حقوق داخلی، بسیار متفاوت است، در حالی که در سطح ملی و داخلی، شاهد قانون گذار و ارگان های مجری قانون، مانند دادگاه و پلیس هستیم که به شکل مؤثر از حقوق مردم حمایت می کنند، اما در موضوعات حقوق بین المللی، در این خصوص کشورها مقتدر و متساوی الحقوقند. نبود اقتدار یا سلطه فراگیر، تطبیق حقوق بشری را در سطح بین المللی به عملی دشوار بدل کرده است. اجرایی شدن حقوق بشر، همانند حقوق داخلی و شهروندی، راه بسیار پر پیچ و خمی را در پیش دارد. حاکمیت دولت ها و متأثر بودن حقوق بینالملل از سیاست جهانی کشورهای قدرتمند، جزو موانع بسیار قدرتمند در برابر آن است.

از طرفی، پارادوکسی که پس از مدرنیته بر سیاست اثرگذار است، «توسعه غیر سرزمینی حقوق به رغم انسداد سرزمینی سیاست» است؛ یعنی حقوق بشر در مرحله نظر و اندیشه، جهانی تئوریزه می شود، اما همواره سیاست های راهبردی بلوک غرب بر محور منافع ملی و سرزمینی و شهروندی، برنامه ریزی می شود و در سیاست های تنگ سرزمینی، دیگر جایی برای حقوق بشر، حتی بر اساس ادعای آنها نمی ماند. غرب در رویارویی با نقض حقوق بشر در جهان، تا حدودی در مسائل مهم به

۱- کیث فالکس، شهروندی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، ص۱۸۶.

ص: ۲۱

دنبال منافع ملی خود است و نگاه ابزاری و برخورد دوگانه با آن، در سطح جهانی در مسائل استراتژیک، به خوبی حاکی از این واقعیت است.

وانگهی وجود مرزهای جغرافیایی، که برای برقراری بسیاری از حقوق اساسی، غیر از تابعیت و شناسنامه چیزی دیگری را نمی شناسد، بیش از پیش اهمیت شهروندی ملی و لوازم آن را تأکید می کند و از شهروند جهانی یا جهان وطنی، به جز یک رؤیا، چیزی باقی نمی گذارد. در نتیجه، حقوق و تکالیف پیش از آن که به اقامتگاه قانونی بستگی داشته باشد، به موقعیت شهروندی وابسته است.

در نتیجه اینکه حقوق بشر بتواند جای گزین حقوق شهروندی شود و کارکرد آن را داشته باشد، بنا به دلایل یادشده در وضعیت کنونی و آینده نزدیک، بسیار بعید به نظر می رسد. از این رو، ایده جهانی شدن حقوق بشر از اهمیت شهروندی و موقعیت اساسی آن نکاسته است و هم چنان شهروندی، بستر مهمی برای اجرایی شدن حقوق و آزادی ها و تکالیف افراد به شمار می آید. از این رو، دولت ها پیش از آن که در برابر انسان ها خود را مسئول بدانند، در برابر شهروندان خود و جامعه ملی، احساس تکلیف می کنند. این احساس در حکومت ایدئال اسلامی، قطعاً در برابر امت اسلامی باید وجود داشته باشد.

ب) گستره شهروندی

ب) گستره شهروندی

برای برخورداری از حقوق شهروندی، پرسش اساسی این است چه کسانی باید شهروند به شمار آیند و ملاک و معیار آن چیست؟ این پرسش بسیار اساسی است؛ زیرا دولت بر اساس وضعیت شهروندی، توزیع کننده کلیدی منابع و امکانات اجتماعی است و محروم بودن از

ص: ۲۲

حقوق شهروندی، به معنای محروم بودن از مبنای شکلی بسیاری از حقوق است. از این رو، اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق شهروندی را به عنوان حق اساسی بشر پنداشته است.

از یونان باستان تا امروز، رویکردهای متفاوتی درباره این موضوع وجود داشته است، که در ادامه سیر تاریخی آن، به صورت گذرا بررسی خواهد شد. تاریخ دانان متخصص شهروندی در غرب، عموماً توسعه شهروندی را به دو مرحله تقسیم می کنند: مرحله نخست آن از یونان باستان، آغاز و با شروع مدرنیته پایان می یابد(۱) و مرحله دوم آن از آغاز مدرنیته شروع شود که امروزه بسیاری از افراد معتقدند با جهانی شدن امور، از جمله در عرصه حقوق بشر و پیدایش مفهوم جدید «جهان وطنی» یا «شهروند جهانی»، دوره دوم نیز به پایان خود نزدیک می شود.

یک شهروندی در یونان باستان و امپراتوری روم

موقعیت شهروندی در دولت شهر یونان به شدت انحصاری بود. در حقیقت شهروندی به دلیل ماهیت انحصاری آن به عنوان نشانه برتر بر غیر شهروندان، ارزشمند تلقی می شد و موقعیت ممتاز به شمار می آمد و ارتباط تنگاتنگ با مشارکت سیاسی داشت. در دولت شهرهای یونان، بردگان، خارجیان و فراتر از همه زنان از حقوق شهروندی محروم بودند.

در بعد نظری، اثر ارسطو به نام سیاست، نخستین اثر علمی و تلاشی نظام مند درباره شهروندی در یونان باستان است، که کسی را شهروند مطلق و محض می دانست که حق اشتغال به وظایف دادرسی و احراز

۱- شهروندی، ص ۲۵.

ص: ۲۳

مناصب را داراست. ارسطو کودکان و سالخوردگان را شهروند مطلق و محض نمی دانست، چون کودکان به برخورداری از حقوق مدنی نرسیده اند و پیران ازآن رو که به سبب سالخوردگی از خدمت معافند، در شمار شهروندان نمی آیند. ایشان پیشه وران را نیز شهروند نمی دانست، چون در حکومت سهمی ندارند. (۱)

در عصر امپراتوری روم، به تدریج شهروندی ارتباط خود را با مشارکت سیاسی از دست داد و به ابزاری برای آرام سازی اجتماعی بدل شد. برای آن که امپراتوری بتواند خود را مشروع جلوه دهد و مالیات را به آسانی جمع کند، اعطای شهروندی به افراد، به نسبت گسترش یافت و موقعیت شهروندی از حالت مشارکت، جدا شد و به مفهوم ساده و سطحی تنزل یافت. در نهایت، همین گسترش سبب نابودی ایدئال شهروندی شد و دیگر شهروندی موقعیتی نبود که کارگزاران و عاملیت سیاسی به آن تفویض شود.(۲) از این رو، در مقایسه با دولت شهر یونانی، شاید بتوان گفت شهروند رومی در زمینه شمولگرایی و فراگیری، قدمی رو به جلو گذاشت، ولی از زاویه توسعه کیفی شهروندی و دموکراسی، قدمی عقب رفت.(۳)

دو شهروندی در دوران مدرن

عضویت افراد در جوامع مدرن، با موقعیت شهروندی آنان نشان داده می شود و امروزه دولت و حکومت هر کشوری مشخص می سازد، چه

۱- ارسطو، سیاست، ترجمه: حمید عنایت، صص ۱۰۱ ۱۰۴.

۲- شهروندی، صص ۳۱ ۳۳.

۳- استفان کاستلر و آلستر دیوید سون، مهاجرت و شهروندی، ترجمه: فرامرز تقی لو، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

ص: ۲۴

گروهی از انسان ها، شـهروند و عضو کشوری هسـتند.(۱) از این رو، افرادی که به «دولت ملت» خـاص تعلق دارنـد، دارای اسـناد و مـدارکی هسـتند که عضویت آنها را در دولت ملت تأییـد می کنـد. به طور کلی این مدارک شامل گواهی تولد یا به دست آوردن تابعیت و کارت شناسایی یا گذرنامه (پاسپورت) می شود. بر اساس تابعیت و مدارک دال بر آن، شهروندان دارای مجموعه گسترده ای از حقوق مدنی، سیاسـی، فرهنگی و اجتماعی هسـتند. در مقابل شـهروندی مسـتلزم انجام برخی تعهدات از قبیل پیروی از قانون، پرداخت مالیات و دفاع از کشور در شرایط حاد و غیره خواهد بود.

گستره و معیار شهروندی در دوران معاصر و مدرن بر مبنای «اصل خون و خاک» یا ترکیبی از آن دو قابل ترسیم است. از طرفی، در مواردی بسـیار محـدود از طریق درخواست تـابعیت و قبولی آن نیز چتر شـهروندی، خـارج از دو معیـار قبلی، برخی افراد را دربرمی گیرد. به عبارت دیگر، قوانین مربوط به شـهروندی یا تابعیت، از دو اصل رقیب سرچشمه می گیرند که عبارتند از: اصل خون که بر پایه تبار ملی کشور مورد نظر اسـتوار است و اصل خاک که بر اساس تولد در قلمرو سرزمینی یک کشور بنیان می یابد. اصل خون، اغلب به الگوی قومی یـا محلی از دولت ملت مربوط است، در حـالی که اصل خاک به طور عمومی به الگوی از دولت ملت مربوط می شود، که با ادغام گروه های گوناگون در یک قلمرو، سرزمینی واحد ساخته می شود.

در عمل، قواعد شهروندی همه دولت ها، با تلفیقی از اصل خاک و

---

۱ - Citizen, the Clumbia Encyclopedia, six edition, publisher: Columbia University Press, New york, P ۱۰۷۰۸.

ص: ۲۵

خون شکل گرفته اند، هرچند ممکن است یکی از این دو اصل بر دیگری غلبه داشته باشد.

در دوران مدرن، دامنه شهروندی از نظر کمّی، فراگیر و به لحاظ ماهوی، مساوات گرایانه تلقی می شود. در این زمینه، علاوه بر گرایش های لیبرالیستی، بدون شک جنبش های اجتماعی، در گسترش شهروندی در غرب، نقش مهمی ایفا کرده است.(۱) جنبش های اجتماعی سبب شدند بسیاری از گروه های اجتماعی در غرب، شهروند رسمی به شمار آیند، اما فرآیند محروم سازی غیر رسمی مهاجران از حقوق و مزایای شهروندی، با وجود بهره کشی از کارها و خدمات آنان، همچنان به قوّت خود باقی است. هم اکنون غرب در زمینه گسترش شهروندی نسبت به گروه های مهاجر، صرفاً به دنبال منافع ملی خود است. با پذیرش نیروی کار جوان و حتی کودکان، به دنبال آن است که مهاجران کارهای سخت و طاقت فرسا انجام دهند، در حالی که در برخی موارد این گونه افراد در برخورداری از حقوق و مزایای شهروندی، هرگز به پای یک شهروند بومی نخواهند رسید. از طرفی، غرب با بهره مندی از استعدادهای درخشان جهان سوم و فراهم کردن زمینه برای فرار مغزها، بیش از پیش به فن آوری روز دست می یابند و در نتیجه، محصول اندیشه نخبگان علمی جهان سوم را به بهای بسیار گزاف به جهان سوم، صادر می کنند و از این رهگذر به ثروت هنگفتی می رسند.

از طرفی، از قرن هفدهم به بعد، پیدایش و توسعه شهروندی با پدیده ملی گرایی و ملت دولت سازی در اروپای غربی و امریکای شمالی، ارتباط تنگاتنگی داشته است و این فرآیند، کشورهای اسلامی را نیز

۱- شهروندی، صص۲۷ ۴۰.

ص: ۲۶

تحت تأثیر قرار داد و جهان اسلام را به کشورهای بسیار کوچک مبدل ساخت. در نتیجه از قدرت آن کاسته شد و زمینه نیز برای استعمار و سلطه غربی فراهم گردید. از این جهت نظریه ملت سازی و شهروندی برای غرب، کاملاً سودآور بوده و هست. از سوی دیگر، اتحادیه اروپا تلاش دارد با نزدیک کردن بیشتر کشورهای عضو، به تدریج به دولت ملت واحد مبدل شوند تا کاستی های شهروندی و ملت سازی، به سبک دوران مدرن، کم تر دامن گیر آنان شود و در آینده به قدرتی برتر در جهان بدل گردند.

ج) شهروندی؛ از تابعیت تا اقامت

اشاره

ج) شهروندی؛ از تابعیت تا اقامت

در ادبیات حقوقی سیاسی موجود، سه گونه برداشت از مفهوم شهروندی شده است و هر یک بر معنایی از شهروندی تأکید میکنند که به ترتیب، معنایی وسیعتر از دیگری را از شهروندی طرح مینمایند. سه نظریه سنتی، اقامت و آزاداندیشانه، وجود دارند که در ادامه به هر یک از این سه مورد خواهیم پرداخت:

یک نظریه ناسیونالیستی سنتی

یک نظریه ناسیونالیستی سنتی

به طور سنتی در بیشتر تعاریف، شهروند را معادل تبعه دانستهاند. شهروند شخصی است که عضو جامعه ای سیاسی به نام دولت ملت است. شهروند کسی است که از حقوق مدنی سیاسی و امتیازهای مندرج در قانون اساسی کشوری برخوردار است. تابعیت بر جنبه بین المللی تأکید دارد و شهروندی شمول حقوق داخلی را تأکید کرده است. مفهوم شهروندی وابسته به تبعه بودن است که مبتنی بر محروم

ص: ۲۷

کردن غیراتباع است. در نتیجه، گروههایی که جزیی از اجتماع ملی نیستند، محروم می شوند یا در حاشیه قرار میگیرند. بر پایه دیدگاه ناسیونالیستی و سنتی، شهروندی یعنی دریافت گذرنامه محل سکونت. با وجود این، برخی قائلین به این دیدگاه کلاسیک، مانند کاستلز و دیوسون میپذیرند که در کنار اصل خاک و خون، اصل دیگری در حال رشد است که اهمیت زیادی دارد و آن اصل «اقامت» است.

دو نظریه اقامت

این دیدگاه، (انحصار شهروند به تبعه و نگاه ناسیونالیستی به تبعه)، به نظر میرسد دیدگاه غالب است و طرفدارانی در میان نظریه پردازان، مانند دیوید میلر دارد. در برابر این دیدگاه ناسیونالیستی، دیدگاهی گسترده تر و فوق ناسیونالیستی از شهروند ارائه شده است. به نظر این دیدگاه و طرفداران آن، باید مفهوم شهروندی از دولت و ملت جدا شود. باید موقعیت شهروندی بر اساس اقامت اعطا شود، نه بر اساس جذب فرهنگی و بومی سازی. این امر سبب مشارکت گسترده افراد در جامعه می شود. اقامت باید تعیین کننده شهروندی باشد، نه ملیت. اگر شهروندی را دولت محور تعریف کنیم، مشکلات مربوط به اقلیتهای قومی و بسیاری از حقوق اشخاص، حل نشده میماند. امروزه این موضوع در حال آشکار شدن است که ایده ملت به گونهای فزاینده، نه تنها مبنای حمایت کننده شهروندی نیست، بلکه به مانعی برای حمایت از انسان ها تبدیل شده است.(۱) بر اساس ضابطه اقامت، افراد میتوانند استحقاق

۱- شهروندی، ص ۶۰.

ص: ۲۸

شهروندی را با اقامت در کشوری به دست آورند. این دسته، با اشاره به اهمیت روزافزون «اقامت» و با وجود اینکه قائل به حقوق بسیاری برای افراد مقیم دائم هستند، مانند حق کار، حق بهرهمندی از تأمین اجتماعی و خدمات بهداشتی، تضمین امنیت، حمایت در برابر بازگشت اجباری و دست یابی به آموزش و پرورش، افراد غیر تبعه را نه به عنوان شهروند، بلکه شبه شهروند مینامند. تفاوت شهروند با شبه شهروند، در بهرهمند نبودن شبه شهروند از حقوق سیاسی و عدم بهره مندی کامل از حقوق اجتماعی است.(۱)

سه نظریه آزاداندیشانه

در فرآیند جهانی شدن، از تأثیر محدودیتهای جغرافیایی بر نظم سیاسی ـ اجتماعی کاسته میشود و مردم به طور روزافزون از رفع شدن این محدودیتها آگاهی مییابند. جهانی شدن امتیازها و کاستی هایی دارد. به نظر میرسد، برداشت جدید و همگانیتری از شهروندی شکل گرفته است که اصول آن بر اساس شخصیت جهانی و جهان شمول شخص است، نه بر پایه تعلق ملی.(۲) در مفهوم آزاداندیشانه از شهروندی، این مفهوم شامل همه افراد کبیری است که ساکن خاک کشورند. در این مفهوم، تفاوتهای قومی، ملی، زبانی نادیده گرفته میشود. بر اساس دکترین بی طرفی حکومت، دولت باید نسبت به مفهوم زندگی خوب بین شهروندان بی طرف بماند. در نتیجه، حوزه عمومی از مباحث فرهنگی و هویتی تا حد ممکن جدا

۱- مهاجرت و شهروندی، ص ۱۸۹.

۲- مهاجرت و شهروندی، ص ۱۷۳.

ص: ۲۹

میشود و این امر نیازمند رعایت حقوق اقلیتها و زبان و فرهنگ آنهاست.(۱)

از بین این سه نظریه، به نظر میرسد نظریه عدم وابستگی مفهوم شهروندی به تابعیت ارجحیت دارد. وابستگی حقوق شهروندی به تابعیت با فلسفه وجودی حقوق شهروندی در تضاد است و سبب محرومیت گروه هایی از انسان ها میشود. حقوق شهروندی، حقوقی است که همه افراد ساکن در جامعه ای باید از آن بهره مند باشند. در پاسخ به این ایراد که به هر حال در دنیای امروز، تقریباً یک اتفاق نظر جهانی وجود دارد که غیر اتباع از حقوق سیاسی محروم هستند و پیشرفته ترین کشورها در این مورد، سوئد و هلندند که به افراد مقیم غیر تبعه اجازه شرکت در انتخابات محلی را دادهاند و از این حد فراتر نرفتهاند، باید گفت تسری محرومیت غیر تبعه از حقوق سیاسی، که البته بخشی از حقوق شهروندی است، به دیگر حقوق شهروندی، یک تسری ظالمانه و خلاف عدالت و حقوق انسانی است. به جای اینکه بگوییم، انسان ها به دو گروه تبعه و غیر تبعه تقسیم می شوند و فقط اتباع از حقوق شهروندی برخوردارند و غیر تبعه، در صورت اقامت درازمدت، از برخی حقوق شهروندی (شبه شهروند) برخوردار میشود که بدین ترتیب حقوق انسانی تابع رابطه انسان ها با دولتها می گردد، میتوان انسان را محور بهرهمندی از حقوق دانست و گفت، همه افراد ساکن اجتماع، از حقوق شهروندی برخوردارند و فقط در بخشی از حقوق سیاسی،

۱- برای شناخت بیشتر مفهوم آزاداندیشانه از شهروندی مطالعه این منبع سودمند است: The demands of Citizenship. Edited by cotrioncs Mckinnon and lain Hampsher monk. cotinuuM. London, and New York, ۲۰۰۰.

ص: ۳۰

شهروندان به دو دسته تبعه و غیر تبعه تقسیم میشوند. اتباع از حقوق سیاسی بهره مندند. از آن جایی که در حقوق شهروندی، مانند دیگر حقوق، حقوق و تکالیف اجزای لاینفک یکدیگرند، بهرهمندی اتباع از حقوق سیاسی به معنای تکلیف آنها به دفاع نظامی کشور و نیز دفاع از کشور با جان و مال خود است. دیگر شهروندان (غیر اتباع) از حقوق سیاسی محرومند.

بدیهی است که به سبب این محرومیت، شهروندان غیر تبعه موظف نیستند خدمت نظام وظیفه در کشور محل سکونت یا اقامت و نیز شرکت در جنگ و دفاع مسلحانه از کشور محل اقامت را انجام دهند. این تفاوت بین شهروندان تبعه و شهروندان غیر تبعه، در طول سالیان آتی، به تدریج کم رنگتر شده است و با رشد مفهوم «شهروند جهانی»، محو این تفاوت، امکان پذیر خواهد شد. مفهوم شهروندی اتحادیه اروپا، که در قرارداد ماستریخت ۱۹۹۱، به رسمیت شناخته شد، هر چند در تابعیت یکی از کشورهای عضو ریشه دارد و منطقهای است، از معیارهای معمول وضعیت اتباع بیگانه در یک کشور بسیار فراتر رفته است، تا حدی که دیدگاه ناسیونالیستی از تابعیت، آن را شبه شهروندی میداند، نه وضعیت بیگانگان. بر اساس این معاهده، اتباع کشوری اروپایی در کشور دیگر اروپایی، حق آزادی رفت و آمد، اقامت و حق رأی و تصدی مسئولیت در انتخابات محلی و حق بهره مندی از حمایت دیپلماتیک هر یک از کشورهای عضو را دارند.(۱)

۱- مهاجرت و شهروندی، ص ۱۹۷.

ص: ۳۱

فصل دوم: اسلام و شهروندی

اشاره

فصل دوم: اسلام و شهروندی

زیر فصل ها

۱. جایگاه انسان در تفکر اسلامی و سکولاریستی

۲. شهروندی در اسلام

۳. کارکرد اصلی شهروندی و ساختار دوگانه آن از دیدگاه لیبرالیسم

۴. کارکرد شهروندی در نظام حقوقی اسلام

۵. معادل شهروندی در منابع اسلامی

۱. جایگاه انسان در تفکر اسلامی و سکولاریستی

اشاره

۱. جایگاه انسان در تفکر اسلامی و سکولاریستی

برای فهم دقیقتر شهروندی در اسلام، بهتر است نگاه اسلام و دیدگاه های سکولاریستی را درباره انسان بدانیم. دین اسلام آیینی الهی است که دربردارنده رهنمودهایی برای رفع نیازهای مادی انسان هاست و مجموعه آموزههایی را برای تعالی روحی و سعادت اخروی بشر در بردارد. بنابراین، فرهنگ پدید آمده از این آیین نیز به صورت طبیعی، از یک طرف ناظر به رفاه، خوشبختی و رفع نیازهای زیستی و این جهانی بشر است و از سوی دیگر، شامل ارشاداتی برای تکامل معنوی و رستگاری اخروی اوست. البته در این فرهنگ، تکامل معنوی و رستگاری اخروی به عنوان هدف نهایی تعریف میشود. مجموعه رهنمودهای اسلام برای زندگی دنیوی نیز در پیوست با آرمانهای اخروی تعریف شده است. ازاین رو، فرهنگ اسلامی با فرهنگ سکولار فرق دارد. فرهنگ سکولار بر اساس اندیشه انسانمداری، آرمانهایش را دنیوی تصویر میکند. ارزش ها و هنجارهایی که در این فرهنگ تعریف میشود،

ص: ۳۲

همه به تأمین خواستهای مادی و لذتهای دنیوی بازمیگردد، در حالی که فرهنگ اسلامی، دنیا را گذرگاهی به سوی آخرت تعریف میکند و ارزشها و الگوهای رفتار ارائه شده در این فرهنگ، بیشتر برای تأمین رستگاری اخروی است.

برای سکولاریسم، تعریفهای متعددی گفته شده و شاخصهای چندی برای آن شمردهاند، اما به طور کلی سکولاریسم را میتوان دیدگاه یا ایدئولوژی دانست که دین را در عرصههایی که ادعای حضور در آنها را دارد، به حاشیه میراند، مرجعیت دین را در امور فردی و اجتماعی کنار می گذارد و مدعی است میتوان بدون دین، امور انسان را در وجه فردی و جمعیاش سامان داد. بر اساس ادعای ادیان درباره حضور در عرصههای انسانی و چگونگی و ماهیت این حضور است که سکولاریسم در نسبت با ادیان گوناگون، تفاوت دارد. برای نمونه، در وجه مسیحی یا اسلامیاش ویژگیهای خاص خود را دارد. همواره چنین تلقیای، ضدیت با دین را در پی ندارد، ولی غیریت و بدیل بودن را در خود خواهد داشت. این در حالی است که دینداران معتقدند، دین در اینجا منظور اسلام است که «اِنَّ الدِّینَ عِندَالله الاِسلامُ» نه راهی در کنار دیگر راهها، که تنها راه است و سامان یافتن امور و راه یافتن انسان، جز با دین تحقق نمیپذیرد.

در بحث سکولاریسم، مهم بنیانهای فکری آن است که با تکیه بر آن، سکولاریسم در حیطههای گوناگون معرفت شناختی، تعلیم و تربیت، اخلاق، سیاست و نیز ارتباطات و رسانه، دیدگاهها و راههایی را پیشنهاد کرده است؛ بنیانهایی همچون اثباتگرایی (پوزیتیویسم)، انسانگرایی (اومانیسم)، عقل گرایی (راسیونالیسم)، آزادیگرایی (لیبرالیسم)،

ص: ۳۳

ملی گرایی (ناسیونالیسم)، علمگرایی (ساینتیسم)، مارکسیسم و فرویدیسم که اندیشه غرب را در چند سده اخیر شکل دادهاند. چنانکه از این فهرست پیداست، سکولاریسم جریانهای متضاد فکری را در خود جای داده است. البته هرچه هست، این ها در حیطههای گوناگون، مباحث را بدون ارجاع به دین و در نظر گرفتن دین پیش میبرند.

سکولاریسم میگوید انسان ها میتوانند سعادت این جهان را با ابزارهای این جهانی به دست آورند. به بیان دیگر، میگوید انسان برای رسیدن به خوشبختی یا راه درست زندگی در جهان، میتواند از معرفتی که به کمک ابزارهای دنیوی به دست میآورد، بهره برد. در حقیقت، عناصر اصلی و اساسی سکولاریسم از دو چیز تشکیل شده است:

الف) دست یابی به سعادت این جهانی

الف) دست یابی به سعادت این جهانی

چرا ما انسان ها در این جهان زندگی میکنیم؛ چون همه دنبال نوعی از سعادت هستیم. سکولاریسم در مرحله نخست، این سعادت را معنا می کند؛ معنایی کاملاً ـ دنیوی. این درست در برابر آن سعادتی است که از تعریفها و آموزههای ادیان ابراهیمی به دست میآید؛ زیرا آنها سعادت حقیقی انسان ها را در دنیایی دیگر دنبال میکنند.

ب) امکان پذیر بودن دست یافتن به این سعادت در همین دنیا

ب) امکان پذیر بودن دست یافتن به این سعادت در همین دنیا

سکولاریستها منکر وجود سعادت در دنیای دیگر نمیشوند، ولی معتقدند میتوان آن را در همین دنیا به دست آورد. بدون آن که نیاز باشد انسان را به دنیایی دیگر حواله داد. از طرفی، آنها میگویند می توان این سعادت را با ابزارهای دنیوی به دست آورد و به ابزارهای

ص: ۳۴

فراانسانی یا آسمانی نیازی نداریم. به بیان دیگر، سکولاریسم به ما میگوید، شما دنبال یک منشأ یا منبعی فراتر از عقل بشری نباشید. در اینجا عقل به معنای مفهوم بسیار عامی است که خیلی چیزها را دربرمیگیرد.

۲. شهروندی در اسلام

۲. شهروندی در اسلام

در اسلام معیار اصلی شهروندی، بر عقیده و مذهب استوار است و معیارهایی مانند نژاد، قوم، منطقه، خاک و خون درباره تابعیت مردود است.(۱) هر مسلمانی در اسلام از حقوق شهروندی برخوردار است، بدون آن که به تشریفات خاص نیاز باشد. هرگاه فردی تابعیت مذهبی را بپذیرد، یعنی به توحید و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله اقرار کند، شهروند حکومت اسلامی است و تابعیت مذهبی، متضمن تابعیت سیاسی نیز است. در نتیجه، هرجا دارالاسلام باشد، سرزمین اسلامی است. در این صورت، تابعیت کشور خاص مطرح نیست و در صورت تحقق این ایدئال، کشور اسلامی پهنه زمین خواهد بود.(۲) با این وضعیت، رابطه دولت و امت واحد اسلامی مطرح است که همه مسلمانان شهروندان آن به شمار می آیند.

از سوی دیگر، اهل کتاب بر اساس قرارداد ذمه(۳) و رعایت شرایط آن، شهروند حکومت اسلامی اند و می توانند در دارالاسلام اقامت گزینند(۴) و

۱- محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی، همدانی، صص ۱۹۷ و ۱۹۸.

۲- سید خلیل خلیلیان، حقوق بین الملل اسلامی، ص ۱۳۷.

۳- شهید ثانی، مسالک الافهام، ص ۶۷.

۴- محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۲۶.

ص: ۳۵

از حقوق مبتنی بر آن برخوردار شونـد، جز مواردی که استثنا شـده انـد. آیـات قران کریم، احـادیث و اجماع فقها بر این امر دلالت دارند که جای بحث آن در این جا نیست. غیر اهل کتاب نیز از برخی حقوق شـهروندی در حکومت اسـلامی برخوردار خواهند شد و برخی از فقهـا، برقراری تـابعیت و شـهروندی برای آنـان را بر اسـاس قرارداد و معاهـده ممکن دانسـته انـد.(۱) از طرفی، در نظام حقوقی اسلام، راه هایی که برای آزادی برده ها تشریع شده اند،(۲) عملاً به ملغی شدن رسم برده داری انجامید و آنان نیز به تدریج از حقوق شهروندی برخوردار شدند.

آنچه پیشتر گفته شـد، موقعیت شـهروندی در جامعه ایـدئال اسـلامی است که در گستره امت و دولت اسـلامی، در پهنه دارالاسـلام شکل می گیرد و از صدر اسـلام تا مدت زیادی همین گونه بوده است، اما نظریه ملتسازی که محصول اندیشه غرب است و ابتدا در آنجـا ظهور کرد و برخی دیگر از عوامـل، جهـان اسـلام و آخرین امپراتوری عثمـانی را به قلمروهـای سیاسـی بسـیار کوچک مبـدل ساخت که علاوه بر بیگانه شـدن مسـلمانان از همـدیگر، کشورهای بسـیار ضـعیف و کوچک به وجود آمدند، که در برابر دشـمنان مشترک، قادر به دفاع از خود و امت اسـلامی نیستند. از طرفی، این امر به پراکندگی امت اسلامی، بیش از پیش دامن می زند که از چالش های بزرگ وحدت جهان اسلام است.

وضعیت حاضر دولت ملت و شهروندی در کشورهای اسلامی، در

۱- سید محمد شیرازی، الفقه، ج ۴۸، صص ۲۸ و ۲۹.

۲- حدود بیست شـیوه در اسـلام برای آزادی برده ها تشـریع و مسـلمانان در اسـلام به آزاد کردن برده ها تشویق شدند. نک: محمد ابراهیمی و علی رضا حسینی، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، صص ۱۵۰ ـ ۱۵۴.

ص: ۳۶

قواعد و مقررات اسـلامی به عنوان حالت ثانوی، قابل شـناسایی است و به رسـمیت شـناخته می شود که قطعاً از امت واحد اسـلامی، فرسنگ ها فاصله دارد.

به هر حال، شهروندی در اسلام، بر اساس عقیده، معاهده و پیمان خواهد بود و همه گروه های انسانی در قلمرو حکومت اسلامی، از حداقل حقوق شهروندی برخوردار خواهند بود.

۳. کارکرد اصلی شهروندی و ساختار دوگانه آن از دیدگاه لیبرالیسم

اشاره

۳. کارکرد اصلی شهروندی و ساختار دوگانه آن از دیدگاه لیبرالیسم

این پرسـش مطرح است که وقتی فردی، شهروند جامعه ای سیاسی، به شمار می آید و از این هویت که متفاوت با دیگر هویت های فردی و جمعی است برخوردار می شود، اصـلی ترین کارکرد آن، چه خواهـد بود؟ درباره این پرسـش دیـدگاه های متفاوتی وجود دارد و پاسخ مکتب ها یکسان نیست.

در دیـدگاه لیـبرالی، برخـورداری از حقـوق، اصـلی تریـن کـارکرد شـهروندی اسـت و در ایـن مکتـب به جـای تکـالیف، بر حقـوق شهروندی تأکید می شود. حقیقت این است که بر اساس این رهیافت، در جوامع لیبرالی نظام اجتماعی از فرد چندان نمی خواهد که تکالیفی در برابر جامعه داشـته باشد و جدا از وظیفه اطاعت از قانون، پرداخت مالیات و دفاع از کشور در وضـعیت حاد ، شـهروندان وظایفی چندانی ندارند.(۱) در سنت لیبرال، اساساً شهروندی به مثابه حقوق فردی تعریف می شود و در این سنت، حقوق فردی چند کارکرد دارد. مهم ترین کارکرد حقوق

۱- شهروندی، ص ۱۵۱.

ص: ۳۷

فردی این است که برخورداری از آنها، استقلال فردی را به همراه می آورد. رویکرد لیبرالیستی، بر مفهوم مدرن شهروندی نیز اثر گذاشته و در برخی فرهنگ ها این گونه آمده است: «مفهوم شهروندی در تلقی مدرن به عنوان منزلت اجتماعی تلقی می شود، که به موجب آن شرایط برخورداری فرد را از حقوق و قدرت فراهم می کند.»(۱) در این تلقی، تکالیف شهروندی، حتی به صورت کم رنگ هم در ماهیت شهروندی در نظر گرفته است، که دست کم به طور فاحش و چشمگیر از واقعیت دور نباشد.

به دنبال دیدگاه های لیبرالیستی، این اندیشه مطرح شده است که انسان مدرن دنبال حقوق خود است و انسان مدرن، حق مدار است تا تکلیف مدار، و برخی، از عنوان «شهروند محق» در برابر «شهروند مکلف» یاد می کنند، بلکه بالاتر، گروهی که فقط مکلف به اطاعت از قانونند، اصولاً شهروند خطاب نمی شوند. برخی افراد با تأثیر از فرهنگ لیبرالیستی، این رویکرد را دارند که ویژگی عصر حاضر، «عصر تجدد» یا «عصر مدرنیته» این است که انسان متعلق به این عصر، دنبال حقوق خود است و حتی در برابر خداوند به دنبال این است که چه حقوقی برای او قرار داده است تا آن را بازستاند و در پی آن نیست که خداوند برای او چه تکالیفی قرار داده و انسان مدرن به دنبال حق است.

واقعیت آن است که پیشینه تاریخی ظلم کلیسا به نام مذهب، استبداد سیاسی و جلوگیری از مداخله ناروای دولت در امور شهروندان را می توان از دلایل تأکید افراطی برای حق مداری در

۱- جولیوس گولد و ویلیام. ل کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: مصطفی ازکیا و دیگران، ص۵۵۱.

ص: ۳۸

سیاست و حقوق مدرن غرب دانست که سبب شده واقعیت شهروندی از نظر حق و تکلیف، وارونه نشان داده شود. لیبرال ها به گمان خود خواسته اند با تأکید افراطی بر حقوق، بشریت را از دام خودکامگی نجات دهند.

نقد دیدگاه لیبرالیستی

نقد دیدگاه لیبرالیستی

از پی آمدهای نامطلوب این نظریه آن است که تنش بین فرد و جامعه را پیش فرض خود قرار می دهد و تقابل آشکار میان حقوق و تکالیف برقرار می کند. این در حالی است که تصور اینکه موقعیت شهروندی، فقط بر حق استوار باشد، در درون خود با پارادوکس روبه روست؛ زیرا حفظ موقعیت شهروندی، از سوی دولت یا ملت، بدون اینکه شهروندان به تعهدات خود عمل کنند، کاری بسیار دشوار و محال به نظر می رسد. از نظر «بسیاری از منتقدان، جوهر شهروندی شدیداً با تأکید لیبرالیسم بر حقوق فردی نابود شده است»؛(۱) زیرا اگر جوهره شهروند، فقط در تأکید بر حقوق او خلاصه و تکالیف او کم رنگ مطرح شود، نظام تعهدات اجتماعی که از لازمه زندگی جمعی است، چه خواهد شد؟ در جامعه ای که جوهر ارتباطات طرفینی است، شهروندی که فقط دنبال حقوق خود باشد، با نظم اجتماعی که لازمه حفظ موقعیت شهروندی است سازگار نیست.

از نکات مهم اظهارات شهید مطهری این است که اکتفا به حقوق انسانی و در نظر نگرفتن مسئولیت ها و برعکس، منحصر دانستن موضوع به تکالیف و وظایف و نادیده گرفتن حقوق انسانی، دو جانب افراط و

۱- شهروندی، ص ۷۸.

ص: ۳۹

تفریط بوده و هر دو خطاست. کسانی که می خواهنـد نظام جامعه را بر اساس یکی از این دو سامان دهنـد، با بن بست روبه رو می شونـد. در نتیجه، همان گونه که دیـدگاه لیبرالیسم مبنی بر اصل دانسـتن حقوق نادرست است، نادیده گرفتن حقوق انسانی از سوی اربـاب کلیسـا که نوعی پیونـد تصـنعی میـان اعتقـاد به خداونـد از یـک طرف و سـلب حقوق سیاسـی و اجتمـاعی برقرار کردنـد نیز پذیرفتنی نیست.

حقوق در خلأ وجود نـدارد و برای اینکه حقوق ما به طور مؤثر به اجرا درآیـد و دیگران به آن احترام بگذارند، باید حقوق دیگران را به رسـمیت بشناسـیم و آن را رعایت کنیم. فردمحوری و تأکید بر حقوق فردی و تقدم آن بر حقوق جمعی در سنت لیبرالی، بنیان هـای زنـدگی اجتمـاعی، از جمله خانواده را بسیار متزلزل کرده است. پس تأکیـد لیبرالیسم بر حقوق افراد بـدون عنایت به تکالیف آنان، نه با واقعیت های اجتماعی سازگار است و نه پشتوانه منطقی دارد. در نهایت، شهروندی ایده ای است که هم حق برخورداری افراد از حقوق و هم مسئولیت جمعی شان را به رسـمیت می شـناسد و اداره باثبات امور اجتماعی بر آنها مبتنی است. در واقع، اداره جامعه انسانی باثبات، بدون وجود حس تعهد لازم میان اعضای آن، کاری دشوار و تصورناپذیر است.

۴. کارکرد شهروندی در نظام حقوقی اسلام

۴. کارکرد شهروندی در نظام حقوقی اسلام

در اسـلام یـک بـار رابطه انسـان بـا خداونـد مطرح است که از این زاویه انسـان مکلـف محض است و نـوع تکلیـف انسـان در برابر خداونـد، تکلیف مـدار بودن فقه را ایجـاب می کنـد؛ زیرا انسـان حقی بر خداونـد نـدارد. چنان که شـهید مطهری در این زمینه نظر حکمای اسلامی را نقل

ص: ۴۰

می کند که معتقدند: «هیچ موجودی بر خدا حقی پیدا نمی کند، که دادن آن «انجام وظیفه» و «ادای» دین شمرده شود» در تأیید این دیدگاه، فرازی از خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه را نقل می کند(۱) و همین دیدگاه را درست می دانند.(۲)

آیت الله جوادی آملی نیز چنین می نویسد: «در اسلام حق و تکلیف به جز درباره خداوند در تمامی موارد طرفینی بوده و تلازم دارد.»(۳) پس در رابطه انسان با خداوند؛ چون انسان مخلوق و عبد خداوند است، حق عبد بر مولای حقیقی، معنا ندارد. البته رابطه انسان با خداوند خارج از بحث شهروندی است، که در آن رابطه انسان ها با همدیگر و دولت مطرح است، اما جدا از رابطه انسان با خداوند، همواره در اسلام حق و تکلیف، طرفینی است و در واقع موقعیت شهروندی از این جهت ساختار دوگانه دارد و مرکب از حق و تکلیف است. در نظام حقوقی اسلام، این گونه نیست که فقط موقعیت شهروندی، برخورداری از حقوق را به ارمغان آورد یا شهروند را موجود مکلف تعریف کند.

نکته دیگر این است که برخی عالمان دینی، بر اساس توجه به باطن آیات، معتقد به بازگشت تکالیف به حقوق هستند؛ چون انسان دارای حقوق انسانی است، خداوند خواسته است او برای رسیدن به حقوق خود، ملزم به رعایت تکالیف شود.(۴)

۱- «الْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَ أَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ و لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ وَ لَوْ كَانَ لِأَحَدٍ يُجْرِيَ لَهُ وَ لَا يَجْرِيَ عَلَيْهِ لَكَانَ ذَلِكَ خَالِصاً لِلَّهِ سُبْحَانَه». نهج البلاغه،خطبه ۲۱۶.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ۸۱ و ۸۲.

۳- عبدالله جوادی آملی، حق و تکلیف، ص ۲۷۷.

۴- عبدالله جوادی آملی، حق و تکلیف، ص ۲۵۹.

ص: ۴۱

۵. معادل شهروندی در منابع اسلامی

اشاره

۵. معادل شهروندی در منابع اسلامی

از آن جـا که موضوع تحقیق با رویکرد تطبیقی بررسـی می شود و یک قسم بررسـی، اسـلام با تأکیـد بر فقه اهل بیت علیهم السـلام است و از طرفی از اجزای اصـلی موضوع تحقیق، واژه شـهروندی است، بایـد معـادل تقریبی شـهروندی و معنا و ماهیت آن در منابع اسلامی معلوم شود.

معادل واژه شهروندی در منابع اسلامی را می توان در میان واژه های ذیل جست وجو کرد: «امت»، «ناس»، «اناس»، و «رعیت»، اما از میان این واژه، قطعاً ناس و اناس، معادل درست و دقیقی برای شـهروند نیستند. از طرفی واژه امت نیز معادل مناسب نیست؛ زیرا امت به مجمـوعه افرادی گفته می شـود که دین یـا زمـان یـا مکـان واحـد آنـان را گرد هم جمع کرده باشـد. واژه امت به کلی بـا مفهوم شهروندی متفاوت است، چون کلمه امت اسلامی به حسب دین واحد بر مجموع مسلمانان، گفته می شود. حال آن که واژه شهروند برای تک تک اعضای یک جامعه سیاسـی کاربرد دارد و افراد را به دولت کشور به مفهوم مدرن آن، در یک سـرزمین معیّن مرتبط می سـازد. معنـای کلمه «امت» شـبیه واژه «ملت» است که هر دو به تـک تـک مردم گفته نمی شـود، بلکه بر مجموعه مردم به عنوان یک واحد اطلاق می گردد.(۱)

واژه دیگری که در منابع اسـلامی زیاد به کار می رود، واژه «رعیت» است که در معنای اصطلاحی و ماهیت خود، تقریباً معادل واژه «شهروندی» است. از این رو، نخست معنای لغوی و اصطلاحی واژه «رعیت»، به ترتیب در زبان عرب و منابع اسلامی بررسی و سپس به دلایلی که این واژه هم اکنون معنای منفوری دارد، اشاره خواهد شد.

۱- سید جواد ورعی، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، ص ۲۴.

ص: ۴۲

الف) مفهوم لغوی رعیت

الف) مفهوم لغوی رعیت

رعیت از ماده «ر ع ی» است که راغب آن را این گونه معنا کرده است: «إرْعیٰ فِی الَاصْلِ حِفْظُ الْحَیوانِ إمَّا بغِذائِهِ الْحَافِظِ لحَیاتِه، اِمّا بِذَبِّ الْعَدُوِّ عنه، یُقالُ رَعْیُتُهُ اَیْ حَفَظَتْهُ وَ اَرْعَیَتُهُ وَ جَعَلْتُ لَهُ ما یُرْعیٰ؛ ارعی در اصل یعنی حفظ حیوانات اهلی با توجه کردن به آنها یا با غذا دادن و یا اینکه با حفظ آنها از گرگ و دشمنان دیگر. زمانی که گفته میشود: «رعیته»؛ یعنی اینکه آن را حفظ کردم».(۱)

در لسان العرب آمـده است: «الرَّاعی یَرعی الماشِیَه اَیْ یَحوطُهَا و یَحفظُها.» چوپان را «راعی» و گوسـفندان را «رعیت» گویند. راعی، چوپانی است که گَله را به چراگاه می برد و آنها را احاطه و و نگهداری می کند.(۲)

ب) معنای اصطلاحی رعیت در متون دینی

ب) معنای اصطلاحی رعیت در متون دینی

واژه رعیت در متون دینی به معنای کسانی است که حاکم، مسئول محافظت و نگهبانی از جان، مال و حقوق آنهاست. در این زمینه شهید مطهری می نویسد:

واژه «رعیت» علی رغم مفهـوم منفـوری که در زبـان فارسـی به خـود گرفته است، مفهوم زیبـا و انسـانی داشـته است. اسـتعمال کلمه «راعی» را در مورد «حکمران» و «رعیت» را در مورد توده «محکوم»، اولین مرتبه در کلمات رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سپس به وفور در کلمات [امام] علی علیه السلام می بینیم. این لغت از ماده «رعی» است که به معنای حفظ و نگهبانی است. بر مردم

۱- مفردات الفاظ قرآن، ص ۳۵۷.

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۵۱.

ص: ۴۳

از آن جهت کلمه «رعیت» اطلاق شده است که حکمران عهده دار حفظ و نگهبانی جان و مال و حقوق و آزادی های آنها است.(۱)

همچنین مرحوم نایینی در این زمینه چنین می نویسد:

پس لامحاله سلطنت مجعوله در هر شریعت و بلکه نزد هر عاقلی عبارت است از امانت داری نوع و ولایت بر نظم و حفظ و اقامه. سایر وظایف راجع به نگهبانی خواهد بود، نه از باب قاهریت و مالکیت دل بخواهانه حکمرانی در بلاد و فیما بین عباد. و از این جهت است که در لسان ائمه و علمای اسلام، سلطان را به والی و راعی و ملت را به رعیت تعبیر فرموده اند.(۲)

در قرآن کریم، ماده «رعی» در معنای لغوی و اصطلاحی مزبور، به ترتیب در آیات ذیل به کار رفته است: «كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ؛ هم خودتان بخورید و هم چهارپایان تان را به چرا برید.»(۳) «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ کسانی که امانت و عهد خویش را رعایت می کنند.»(۴) (در حفاظت و ادای آنها مسئولند.)

در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَ هُوَ الْمَسْئُولُ وَ الْمَرْأَةُ راعِيَةٌ عَلِى بَيْتِ زَوْجِهَا وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ و العَبْدُ رَاعٍ عَلى مالِ

۱- مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۸۹.

۲- محمدحسین نایینی، تنبه الأمه و تنزیه المله، تحقیق و تصحیح: جواد ورعی، صص ۶۹ و ۷۰.

۳- طه: ۵۴.

۴- مؤمنون: ۸.

ص: ۴۴

سَیِّدِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ ألی وَ کُلُّکُمْ رَاعٍ وَ کُلُّکُمْ مَسْئُولٌ؛ همانا هر کدام از شما نگهبان و مسئولید، امام و پیشوا نگهبان و مسئول مردم است، زن نگهبان و مسئول خانه شوهر است. غلام مسئول مال، آقای خویش است، هان! پس همه نگهبان و همه مسئولید.(۱)

معنای منفور واژه «رعیت» در زبان فارسی و خلط آن با معنای عربی مربوط به صدر اسلام، موجب شده است، که از اطلاق رعیت بر مردم در نظام های سیاسی و ادبیات عصر حاضر، معنای منفی به ذهن آید و کاربرد این واژه، شنونده را به یاد نظام ارباب رعیتی می اندازد. در فارسی نیز به «گروهی که دارای سرپرست هستند و به کشاورزانی که برای مالک، زراعت می کنند و به اتباع پادشاه و تبعه یک کشور»،(۲) معنا شده است. از این رو، رعیت به معنای تابع محض تلقی می شود و برخی جامعه شناسان از گروهی از افراد جامعه، که صرفاً مکلف به اطاعت از قانون باشند و حقوقی برای آنان لحاظ نشود، به عنوان رعیت یاد می کنند.(۳) چون در منابع اسلامی این کلمه آمده است، برخی با خلط معنای فارسی و عربی، این گونه استفاده کرده اند، که در اسلام اساساً حقوق شهروندی وجود ندارد.

عوامل سوءبرداشت از این واژه را می توان در این موارد خلاصه کرد:

۱. مفهوم فارسی رعیت باعث شده که مفهوم منفی آن، بر خود واژه اثر گذاشته و اساساً رعیت به مثابه واژه ای منفور در آمده است.

۱- مسلم بن حجاج نیشابوری، الجامع الصحیح، ص ۸.

۲- دهخدا، لغت نامه، ص ۵۲۲؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۱۶۶۲.

۳- محمد شریف، حقوق شهروندی و حقوق بشری، مجله نامه، شماره ۵۳.

ص: ۴۵

۲. از دیگر عوامل این سوء فهم، ترجمه نادرست اروپاییان از واژه رعیت است. یکی از نویسندگان عرب در این باره چنین می نویسد:

در عصر جدید، واژه sujet فرانسوی را که به معنای تابع در دول استعماری است و الجزایری ها را sujet می گفتند رعیت ترجمه کردند و گفتند «رعیت و تابع فرانسوی» در حالی که فرانسوی ها را که یکی از شهروندان citoyen بود، به مواطن ترجمه کردند و گفتند (شهروند) مواطن فرانسوی همین منشأ اشتباه و خلط شد و اثر نامطلوبی از واژه رعیت به جا نهاد.(۱)

به هر حال، واژه رعیت در مفهوم عربی معنای بسیار زیبایی داشته است؛ به ویژه در صدر اسلام. پیش از این به مواردی از این معنا، چه لغوی و چه اصطلاحی اشاره شد. بر فرض قبول کنیم که یکی از معنای لغوی این واژه، حتی در لغت عرب نیز مفهوم منفوری است، قطعاً در منابع اسلامی به مفهوم خاص به کار رفته است که نه تنها منفور نیست، بلکه بسیار زیباست، چون ماده «رعی» به معنای حفظ و نگهداری و راعی به معنای حافظ و نگهبان است. به مردم به این دلیل رعیت گفته شده است که راعی (حاکم) باید نگهبان حقوق مردم باشد و مواردی از این کاربرد در قرآن کریم و کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیان شد. کلام امام علی علیه السلام نیز نشان می دهد معنای مصطلح این واژه در منابع دینی، تابع و پیرو محض نیست که هیچ گونه حقوقی نداشته باشد، بلکه از کارکردهای اصلی آن، برخورداری از حقوق و عهده دار شدن تکالیف است: «... وَ أَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّهِ وَ حَقُّ

۱- حقوق و وظایف شهروندان و دولت مردان، ص ۱۲۵.

ص: ۴۶

الرَّعِیَّهِ عَلَی الْوَالِی... .»(۱) از این رو، نظام شهروندی در اسلام نیز ساختار دوگانه دارد و در اسلام شهروند، تابع و مکلف محض نیست.

در نهایت، صرف کاربرد یک واژه از قبیل رعیت یا شهروندی و جمود بر آن، نمی تواند نوع نگاه به حقوق مردم، یک نگاه نظامی سیاسی باشد، بلکه باید دقت کرد، آیا اصلاً نظام حقوقی، حقوقی را برای مردم در نظر گرفته است، اگر جواب مثبت است، باید دید محتوای آن چیست؟ اینکه درباره مردم قلمرو سرزمینی، چه اصطلاحی به کار رود، در هر زمان واژه رایج خاص خود را دارد. به ویژه در متون اسلامی که واژه رعیت به کار رفته، هرگز به معنای نفی حقوق مردم نیست. چنانکه از کلام پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام روشن گردید.

در بحث مبانی انسان شناختی نیز، ملاک ارزش انسان و اصل برابری انسان ها، بیان و مطرح شده است. ذات اقدس حق تعالی انسان را گرامی داشت و او را بر بسیاری از مخلوقاتش برتری بخشید. تکریم انسان از سوی خداوند او را از ویژگیهای خاصی برخوردار کرد و به او قدرت داد و مهمتر از همه، او را واجد حقوق، تکالیف و حرمت کرد. به همین دلیل، حفظ عزت و شخصیت انسان ها و تکریم کرامت انسانی، برای آن حضرت در اولویت اول قرار داشت؛ زیرا اصل حکومت برای سعادت، تکامل و تعالی انسان ها ایجاد شده بود و این نگرش انسانشناسانه دینی است.(۲)

در نهج البلاغه نیز نوع انسان، فارغ از قوم و قبیله و دین و مذهب در

۱- شیخ محمد عبده، خطب امام علی۷، ص ۱۹۸.

۲- محسن فردرو، امام علی۷، فرهنگ عمومی و همبستگی اجتماعی، ص ۱۶۲.

ص: ۴۷

کانون توجه گرفته است. فقط در نامه آن حضرت به مالک اشتر، سی مورد وجود دارد که تمام انسان ها از هر ملیت، نژاد، صنف و مذهب را دربرمی گیرد. «ناس» به معنای مردم در نُه مورد، «رعیت» به معنای شهروند در سیزده مورد، «عامه» به معنای همگان در سه مورد، «کـل امریء» به معنای هر انسانی در دو مورد، «عبادالله» به معنای بنـدگان خـدا در یک مورد و صـحیحتر از همه عبارت «نظیر لک فی الخلق»، به معنای همنوع تو در خلقت، در یک مورد در نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر آمده است.(۱)

خلقت برابر انسان ها به معنای نپـذیرفتن نابرابریهای اجتماعی است و بایـد ریشه آن را در روابط و فرآینـدهای اجتماعی جست وجو کرد. بایـد کوشید فرصتها را برای رقابت و بروز شایستگیهای انسانی، برابر و شـرایط مسابقه در میـدان اجتماعی را برای همگان، یکسان ساخت یا حداقل به سوی آن، حرکت با برنامه و هوشیارانهتری داشت.

نوع رابطه زمامداران و شـهروندان، از مهمترین وجوه حکومت است که نشان دهنده محتوای شهروندی در هر جامعهای است. اینکه میان زمامداران و شـهروندان، چگونه رابطهای برقرار باشد و هر یک در نگاه دیگری چه جایگاهی داشته باشد و نسبت میان آنان بر چه اساسـی استوار باشد، از امور محوری در حکومتهاست، به گونهای که ساختار حکومت بر آن شکل می گیرد و رفتار و مناسبات مـدیریتی از آن برمی خیزد. این رابطه میتوانـد رابطهـای یـک سویه یا دوسویه باشـد. آنچه بیشترین صورت را در حکومتها رقم زده است، صورت یک سویی از

۱- محمدتقی جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۳۱۹.

ص: ۴۸

رابطه زمامداران و شـهروندان است؛ یعنی رابطه حاکم و محکوم، فرمانده و فرمانبر، اما در دین مبین اسلام چنین روابطی ملغی اعلام می شود.

اسـلام رابطه زمامـداران و شـهروندان، دولت و ملت و والی و رعیت را رابطهـای دوسویه و متقابـل، بر اسـاس رابطه دو صـاحب حق میداند و در این صورت است که حکومت ماهیتی انسانی مییابد.

ج) عمق و نوع شهروندی در اسلام

ج) عمق و نوع شهروندی در اسلام

عمق شهروندی در اسلام به حدود اهمیت و دخالت شهروندی در حوزه خصوصی و عمومی ارتباط دارد. در مقوله عمق شهروندی، چنین بررسـی میشود که برداشت از شـهروندی در اسـلام تـا چه انـدازه عمیق و پرمـایه است؟ منظور این است که شـهروندان تـا چه انـدازه بایـد هویت خود را به عنوان شـهروند، طلب کنند و تا چه اندازه باید هویت شـهروندیشان را بر دیگر منابع هویت اجتماعی و ادعاهای متعارضی که در زمانهشان دارند، مانند تعهدات خانوادگی یا تأمین معاش، مقدم بدارند؟

نگاه اسلام به مقوله شهروندی، نگاهی جامعنگر و عمیق است. برای درک این نگره میتوان به سخنان امام علی علیه السلام در کتاب شریف نهـج البلاـغه استناد کرد. وفـا به پیمـان خود بـا حکومت و حـاکم عـادل، خیرخواهی نسـبت به حاکمان، اجابت و اطاعت از فرامین حـاکمیت، تنهـا نمونههایی هسـتند که عمق شـهروندی را میرسانند. امام علی علیه السـلام در دوران امامت خود در خطبه ۳۴ نهج البلاغه میفرماید:(۱)

«حق من بر شما این است که در بیعت خویش وفادار باشید.» بیعت، در واقع همان پیمانی است که میان امت و امام برقرار

۱- به نقل از مهدیه عربی فر، مفهوم حقوق شهروندی در نهج البلاغه، ص ۸۰.

ص: ۴۹

میشود؛ پیمانی محکم و لازمالاجرا. بر اساس این پیمان، امام و حاکم بایـد در همه جا مصـلحت امت را در نظر بگیرد و امنیت و نظم را برقرار سازد و با دشـمنان به مبارزه برخیزد و اسباب پیشرفت و تکامل جامعه را فراهم سازد و امت نیز باید پشت سر امامش بایستد و و مانند بازویی نیرومند برای او عمل کند و هرگز کاری برخلاف این عهد و پیمان انجام ندهد.

حضرت در مورد حق دوم میفرماید:

«در آشـکار و نهان، خیرخواهی را در حق من به جا آورید.» مانند متعلمان چاپلوس یا منافقان چند چهره نباشید که در حضور من از دوستی و محبت و اخلاـص سـخن گوییـد و اعلام خیرخواهی کنیـد، اما در پشت سـر یا بی اعتنا باشـید یا طریق خیانت و فساد را در پیش گیرید. اگر من همه جا حاضـر نیسـتم، خدای من همه جا حاضـر و ناظر است و این جهان، همه جایش محضـر خداست و برای انسان های باایمان حضور و غیاب من تفاوتی نمیکند.

بعد حضرت به سراغ سومین حق میرود و میفرماید:

«هر وقت شـما را بخوانم اجـابت کنیـد.» ماننـد افراد سـست و ناتوان و بیمار نباشـید که در اجابت دعوتها تعلل میورزنـد. همیشه باید گوش به فرمـان امامتـان باشـید که گـاه ساعتهـا و لحظههـا سرنوشـتساز است و انـدکی تعلـل و سـستی و تأخیر ممکن است زیانهای جبرانناپذیری به بار آورد. این انضباط و گوش به فرمان بودن، باید بر همه امت حاکم باشد.

امام علی علیه السلام در چهارمین و آخرین حق میفرماید:

«هر زمان به شما فرمان دهم، اطاعت کنید.» ممکن است

ص: ۵۰

گروهی فراخوانی امـام علیه السـلام را بپذیرنـد و به دعوت او لبیـک گوینـد، امـا هنگـامی که به حضور او آمدنـد و فرمان سـخت و سنگینی که حافظ منافع امت است صادر شد، اطاعت نکنند. بنابراین، هم اجابت دعوت لازم است و هم اطاعت فرمان.

بـدیهی است منـافع این حقوق چهارگـانه امـام بر امت، مسـتقیماً به خود آنـان بـازمیگردد. آنهـا منتی بر انجـام دادن این امور بر امام ندارنـد، بلکه امـام بر آنهـا منت مینهـد که با بهره منـدی از این حقوق، امنیت و آبادی و آزادی و افتخارات آنها را تضـمین میکنـد. برخی شارحـان نهجالبلاـغه افزودهانــد کـه ایـن حقـوق چهارگـانه، مخصـوص امـام عـادل و منصـوب از نـاحیه خـداست و نـه همه زمامداران، اعم از خوب و بد. به همین دلیل امام فرموده است: «برای من بر گردن شما حقی است.» البته به نظر میرسد، آنچه در این بیان مبارک امام آمـده، برنامهای است که برای هر قوم و ملتی تنظیم شده است و هر پیشوا و امیری در هر جامعهای بر سـر کار آید، اگر بخواهـد کـار او پیشـرفت کنـد، بایـد این حقوق چهارگانه را محترم بشـمارد و نیز هر ملتی اگر بخواهـد از وجود امیر خود بهره بگیرد، باید اصول چهارگانه را به کار بندد. در واقع، آنچه در این خطبه آمد، ارشاد و راهنمایی به حکم منطق است.(۱)

بـا دقت و تأمل در کلام امام در نهجالبلاغه درمییابیم که سـفارش های آن حضـرت به شـهروندان درباره چگونگی و میزان احساس تعلق آنهـا به اجتمـاع، نیز حول همین چهـار محور اساسـی؛ یعنی لزوم وفـا به بیعت و حمـایت حـاکم، لزوم خیرخواهی و وفاداری به حاکم در نهان و آشکار، اطاعت فرمان و اجابت دعوت خلاصه

۱- ناصر مکارم شیرازی، پیام امام، شرح جامع و تازهای بر نهجالبلاغه، ج ۲، صص ۳۴۷ ۳۴۹.

ص: ۵۱

می شود.(۱) همچنین یاری کردن حق، اطاعت و فرمان برداری و امانت داری و اصلاح و آبادانی در شهرها نیز از نظر حضرت علی علیه السلام ، میزان دخالت شهروندی را در حوزه عمومی نشان میدهد و این مسئله، از سخنان ایشان برمیآید، از جمله سخنانی که پس از جنگ نهروان در نکوهش لشکریان خود در سال ۳۸ هجری که برای نبرد نهایی با معاویه سستی میورزیدند ایراد کرد.(۲)

با توجه به این سخنان میتوان دریافت که نظر و دید اسلام به شهروندی، شهروندی عمیق را مورد نظر دارد؛ زیرا از سخنان ایشان در مقاطع گوناگون میتوان تأکید بر احساس تعلق شهروندان به جامعه و حکومت را فهمید.

نوع شهروندی به میزان مشارکت شهروندان در عرصه شهروندی اشاره دارد، که ممکن است شهروندان مشارکتی فعال یا منفعلانه داشته باشند. نوع شهروندی میتواند میزان فعالیت یا انفعال شهروندان را در نظام سیاسی مشخص کند. هرچند ایده فعال بودن یا منفعل بودن شهروند، از منظری با محتوا و عمق شهروندی تقارن دارد، هریک به بعد خاصی دلالت میکند.

ممکن است در الگوی شهروندی، شهروندی عمیق مطرح باشد، اما افراد کشش و انگیزه لازم را برای مشارکت عملی از خود نشان ندهند. ازاین رو، افزودن گونهها، (تیپهای شهروندی) فعال یا منفعل، میتواند این مسئله را در شاخصیابی شهروندی برجسته کند. نوع تلقی از نقش مردم در حکومت، از امور تعیین کننده در نوع حکومت و رفتار و

۱- نهجالبلاغه، ص ۶۰.

۲- نهجالبلاغه، ص ۸۹.

ص: ۵۲

مناسبات حکومتی است؛ یعنی مردم در حکومت نقش دارنـد یا خیر، آیا بایـد برای مردم در حکومت اعتباری قائل شد یا نه و اینکه مردم در حکومت نقشی فعال و اساسی دارند یا نقشی غیر فعال و انفعالی؟

برخی بر این باورنـد که عموم مردم در حکومت هیچ نقش اساسـی ندارند و حکومت امری پیچیده، تخصصـی و علمی است که جز نخبگان و خبرگان، کسی در آن نظر و نقشی ندارد و مردم در حکومت، نقشی تبعی و سایه‌ای و ابزاری دارند. برخی دیگر معتقدند مردم تا انـدازه‌ای در حکومت نقش دارنـد و این انـدازه را نخبگان تعیین میکننـد که به واقع مردم هیـچ نقشـی اساسـی در حکومت ندارنـد. بنا بر باوری دیگر، نقش اصـلی و کلیدی در حکومت از آنِ مردم است. بدین معنا که حکومت بدون مردم و خواست آنان تحقق نمییابـد و بـدون اقبال و رأی مردم، مشـروعیت سیاسـی نمی یابـد و بـدون حضور و مشارکت همه جانبه آنان، به درستی اداره نمیشود و فـارغ از محور قرار دادن مردم، حکومت سـلامت نخواهـد داشت و راست قـامت نخواهـد بود. بنابراین، مردم در حکومت نقشـی ایجادی دارند. در اندیشه سیاسـی اسـلام بر این نوع نقش برای مردم و شـهروندان تأکید شده است. برای نمونه، حضرت علی علیه السلام تحقق حکومت خود را این گونه معرفی کرده است:

آری، به حق آن که دانه را شـکفت و جان را آفرید، اگر حضور حاضـران و اتمام حجت با اعلام وجود ناصران نبود... بیتردید رشته حکومت را از دست میگذاشتم و پایانش را چون آغازش میانگاشتم و چون گذشته، خود را به کناری می کشیدم.(۱) پس از بیست و پنج سال،

۱- نهجالبلاغه، ص ۵۱.

ص: ۵۳

مردم یکپارچه و سر از پا نشناخته، در حرکتی عمومی خواستار پذیرش حکومت از جانب امام علی علیه السلام شدند و با اصرار فراوان، امام را راضی کردند تا حکومت را بپذیرد. آن حضرت درباره نقش مردم در این امر چنین فرموده است:

دستم را برای بیعت گشودید و من آن را بستم و به سوی خود کشیدید و من آن را بر گرفتم. پس بر من هجوم آوردید، همچون شتران تشنه که روز آب خوردن به آبگیرهای خود درآیند و به یکدیگر پهلو زنند. چندان که از هجوم مردمان بند پایافزار پاره شد و ردا از دوش افتاد و ناتوان پایمال گردید و خشنودی مردمان در بیعت با من بدان جا رسید که کودکان به وجد آمده بودند و سال خوردگان لرزان لرزان برای دیدار این منظره به راه افتاده بودند و بیماران به کمک دیگران بدان جا آمده بودند و دختران جوان بینقاب حاضر شده بودند.(۱)

حق حکومت به سبب شایستگی لازم از آنِ امام علی علیه السلام بود و با اقبال مردم، تکلیف اداره امور بر دوش آن حضرت گذاشته شد و روشن است تا مردم نخواهند، آن حق، محقق و تکلیف اداره امور بر دوش آنکه شایسته است، گذاشته نمیشود و حکومت مردمی شکل نمیگیرد.

امیرمؤمنان علیه السلام در همان زمان که مردم آمادگی خود را برای بیعت با آن حضرت و تشکیل حکومت وی اعلام کردند، در مسجد مدینه همگان

۱- نهجالبلاغه، ص ۷۲۲.

ص: ۵۴

را مخاطب قرار داد و این حقیقت را به صراحت بیان فرمود که سرنوشت اجتماعی و سیاسی مردمان باید به دست آنان باشد و هیچ کس حق ندارد به جای آنان تصمیم بگیرد و مردم، خود باید سرنوشت حکومت خویش را رقم بزنند.(۱)

تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی و برپا ساختن حکومت به دست مردمان و پیروی همگان از قوانین دولت در هر جامعهای موجب نظام یافتگی و پایداری است. برای اینکه مردم در حکومت نقشی جدی و اساسی داشته باشند، باید زمینه و بستر مناسب آن فراهم آید.(۲)

بنابراین، دین مبین اسلام به مشارکت فعال شهروندان در عرصه سیاسی جامعه معتقد است و به نقش تعیینکننده خواست و اراده مردم در تعیین نوع حکومت و حاکمیت باور دارد.

د) گستره شهروندی در اسلام

د) گستره شهروندی در اسلام

گستره شهروندی به چگونگی باز یا بسته بودن برخورداری از حقوق شهروندی در جامعه ای و قلمرو آن برمیگردد. در جامعه اسلامی امکان بهره مندی از حقوق شهروندی برای همه شهروندان وجود دارد و در این زمینه، میان شهروندان از هر قشر که باشند هیچ تفاوتی وجود ندارد.

امام علی علیه السلام بارها در نهجالبلاغه به تلاش و کار برای همه شهروندان توصیه اکید داشته است؛ یعنی ایشان برخورداری از حقوق شهروندی را برای همه شهروندان یک حق می پنداشتند و رعایت آن را بر حاکم، لازم و واجب میشمردند.

۱- حکومت حکمت؛ حکومت در نهجالبلاغه، ص ۱۰۹.

۲- نهجالبلاغه، ص ۶۸۶.

ص: ۵۵

در سفارش‌های آن حضرت به مالک اشتر درباره شهروندان، چنین آمده است: «پس آنها دو دسته‌اند؛ دسته‌ای برادر دینی تو هستند و دسته دیگر، در آفرینش با تو همانند».

بر این اساس، باید شهروندان در همه حقوق و امتیازها با هم برابر باشند که از جمله اینها تساوی در تقسیم بیت‌المال، تساوی در بهره بردن از انصاف حاکم، تساوی در اجرای قانون، برابری در فرصتها و مسئولیت و وظیفه دولت در قبال همه طبقات جامعه است. حتی در سخن امام در نهج‌البلاغه، سفارش ایشان به تلاش برای جلب رضایت عوام تا خواص را میبینیم: «و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فرو ماند و عدالت را فراگیر بود و رعیت را دلپذیر، که ناخشنودی همگان، خشنودی نزدیکان را بی اثر گرداند و خشم نزدیکان، خشنودی همگان را زیانی نرساند».(۱)

امام در این بخش از پیام خود، ارزش را به جلب رضایت عموم و سیاهه ملت و گسترش عدالت داده و اینکه ملاک در محبوبیت، میانه روی در حق است و زمامدار باید توجه داشته باشد، آنچه رضایت عموم را سبب میگردد، مقدم است بر آنچه رضایت خواص و بستگان را دربر میگیرد؛ زیرا رضایت خواص در صورت خشم و غضب ملت، ناچیز است و به کار نمیآید و نمی تواند مدافع از کیان زمامدار باشد، به خلاف رضایت عموم و ملت و چنانچه در این صورت خشم و غضب خواص عارض گردد، به جایی صدمه نمیزند و توانایی کاری را ندارد، چون خشم خواص در برابر رضایت ملت و

۱- نهج‌البلاغه، ص ۹۹۳.

ص: ۵۶

عموم نـاچیز است. بنـابراین، ملاـک به دست آوردن خشـنودی، ملت است نه رضایت خواص و بسـتگان. زمامـدار زمانی عـدالت را محقق ساخته و گسترش داده است که عامه مردم از او خشنود باشند، چه خواص راضی باشند یا نه.

در نامه ۵۳ نهجالبلاغه از این گونه سـفارش ها فراوان است. از جمله سـفارش به اجرای حق برای هرکس که باشد، حتی نزدیکان و دوسـتان، سـفارش به پرهیز از امتیـاز دادن به اطرافیـان، سـفارش به پرهیز از انحصـارطلبی و اختصـاص دادن اموال عمومی به خود و سفارش به پرهیز از تجاهل.

حضـرت بـا این بیانـات، برای شـهروندی گستره بـازی را در نظر می گیرد و برخورداری از حقوق شـهروندی را برای همه قشـرهای جامعه اسـلامی، از نزدیکان حاکم تا عامه مردم، از مسـلمانان تا مردم اهل کتاب که تحت حاکمیت حکومت اسـلامی به سر میبرند، یکسـان میدانـد که این گستره بـاز از جمله شامل تساوی در برخورداری از بیتالمال، تساوی در بهرهمنـدی از انصاف حاکم، تساوی در اجرای قانون، تساوی در برخورداری از فرصت هاست.

ه) غایت شهروندی در اسلام

ه) غایت شهروندی در اسلام

در نظریههای گوناگون شـهروندی، درباره غایت شـهروندی، دیـدگاههای مختلفی طرح شـده است. غایت شـهروندی به غایت نظام سیاسـی و جامعه بسـتگی دارد. به اجمال میتوان غایاتی که برای شـهروندی وجود دارد، غایت رفع نیاز در جوامع سـنتی، زمینهسازی فضیلت، رسیدن به کمال و سعادت، آزادی یا نفی سلطه و سیطره دانست.

ص: ۵۷

به طور کلی، در بحث مبنایی اینکه ماهیت حکومت چیست و آیا حکومت هدف است یا وسیله، برخی حکومت را هدف و غایت و مقصد تلقی میکنند و برخی دیگر حکومت را وسیله و طریق می دانند. ازاین رو، حکومت را برای اموری دیگر میخواهند و در آن جهت به کار میگیرند، که در بحث غایت شهروندی نیز با این نگاه وارد بحث شده، به آن پرداخته ایم. در اینجا نوع هدف و غایت متفاوت است. ممکن است حکومت وسیله و طریق رسیدن به قدرت و مکنت و نگهداری و گسترش اینها باشد و ممکن است حکومت وسیله و طریق خدمت گزاری و دادگری باشد و اعتبارش فقط در این جهت باشد.

با مراجعه به سخنان، اندیشه و سیره حضرت علی علیه السلام ، حکومت جز وسیله خدمت و عدالت نیست و هرگز طریق کسب قدرت و مکنت تلقی نشده است. حضرت پس از آن، ریاستطلبی و ملک و پادشاهی و گردآوری ثروت را نفی میکند و میفرماید: «برای رسیدن به این اهداف، حکومت و خلافت را پذیرفتم:

بازگرداندن نشانههای دین؛

اصلاح در شهرها؛

امنیت و آسایش ستم دیدگان؛

اقامه و برپایی حدود تعطیل شده خداوند متعال».(۱)

حکومت در دیدگاه امیر مؤمنان، تنها زمانی اعتبار مییابد که وسیلهای برای تحقق اهداف انسانی و الهی و ابزار برپایی عدالت و

۱- نهجالبلاغه، ص ۴۰۶.

ص: ۵۸

رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی باشد. بر پایه این دیدگاه میتوان گفت امیرمؤمنان، به چهار هدف و غایت مهم درباره شـهروندی، نظر دارد: برقراری عدالت، تأمین امنیت، تأمین رفاه شهروندان و جامعه و تربیت برای زمینهسازی رشد و تعالی انسان ها.

ص: ۵۹

بخش دوم: حقوق شهروندی

اشاره

بخش دوم: حقوق شهروندی

زیر فصل ها

فصل اول: معنا و مفهوم حقوق شهروندی

فصل دوم: شهروندی و حقوق آن در قوانین جمهوری اسلامی ایران

فصل سوم: ابعاد و انواع گوناگون حقوق شهروندی

ص: ۶۰

ص: ۶۱

فصل اول: معنا و مفهوم حقوق شهروندی

اشاره

فصل اول: معنا و مفهوم حقوق شهروندی

زیر فصل ها

۱. معنای لغوی حق

۱. معنای لغوی حق

واژه حق دارای معانی متعددی است، از قبیل راست، درست، مقابل باطل، حقیقت، نصیب، بهره، مزد، ثبات، موجود ثابت و واجب.(۱)

۲. ماهیت و معنای اصطلاحی حق

۲. ماهیت و معنای اصطلاحی حق

واژه «حقوق» در معنای مورد نظر، جمع «حق» است. باید نخست مفهوم حق روشن شود. از طرفی، چون مفاهیمی مانند حق، مفاهیمی انتزاعی و اعتبارند و به اصطلاح فلسفی، ماهیت ندارند، فاقد معنای حقیقی هستند. در این گونه موارد نخست مفهوم عام بیان می شود، که در اصطلاح منطق جنس، قلمداد و آن گاه قیدهایی به آن افزوده می شود که در حکم فصل خواهند بود تا در نهایت مفهومی به دست آید که قالب معنای مورد نظر باشد.(۲) با توجه به این نکته، برای حق، تعاریفی بیان شده است: «حق

۱- فرهنگ معین، ج۱، ص ۱۳۶۲.

۲- محمدتقی مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، ص۲۶.

ص: ۶۲

امری اعتباری است که برای کسی (له) بر (علیه) دیگری وضع می شود.»(۱) یا در تعریف دیگر، حق «اقتدار، سلطه و امتیازی است که برای شخص اعتبار می شود و دیگران مکلف به رعایت آن هستند.» یا «حق امتیاز و نفعی است متعلق به شخص، که حقوق هر کشوری در مقام اجرای عدالت، از آن حمایت می کند و به او [ذی حق] توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می دهد».(۲)

از حق تعاریف متعددی هست؛ اما با توجه به محدودیت دانش انسان و اعتباری بودن این گونه مفاهیم، تعریف حقیقی برای آنها امکان ندارد. ازاین رو، در این جا بیش از این به بررسی معنای این واژه نخواهیم پرداخت.

به هر حال، کلمه حقوق در عنوان تحقیق که جمع حق است، به معنای مجموعه امتیازها، اختیارها و توانایی هایی است که برای کسی بر کسی اعتبار شده است. ازاین رو، حق لوازمی دارد، از قبیل بهره وری که صاحب حق از حق خود نفع به عام می برد. اختصاص و امتیاز از دیگر لوازم حق است، که صرفاً نفع را صاحب حق می برد و نوعی امتیاز برای اوست. در نتیجه، حقوق شهروندی به مجموعه حقوقی از قبیل حق حیات، حق مشارکت، حق مسکن، رفت و آمد، حق تحصیل، حق تأسیس و اداره تشکل هایی جمعی گفته می شود که افراد جامعه ای سیاسی به نام دولت کشور باید برخوردار باشند.

کلمه «حقوق» دو معنای دیگری هم دارد، که یکی جمع نبوده است و شکل ظاهری جمع را دارد و به معنایی مجموعه قوانین و مقرراتی است که بر جامعه ای سیاسی حاکم است. مفهوم دیگر «حقوق» به معنای «علم

۱- محمدتقی مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، صص۲۶ ۲۹.

۲- ابوالفضل موسویان، ماهیت حق، ص ۳۴.

ص: ۶۳

حقوق» است که منظور از آن دانش حقوق است که در برابر دیگر دانش ها به کار می رود.

۳. تفاوت حقوق بشر و حقوق شهروندی

۳. تفاوت حقوق بشر و حقوق شهروندی

مقصود از حقوق بشر، حداقل حقوقی است که همه افراد بایـد از آن بهره منـد شونـد و این حقوق به تـابعیت، مـذهب، جنس نژاد، قومیت، عضویت در گروه اجتماعی و امثال آنها ربطی نـدارد(۱) و خارج از دایره دولت ملت خواهنـد بود. این نوع حقوق، حقوقی هستند که هرکس به دلیل آنکه انسان است؛ باید از آنها برخوردار باشد. از طرفی، نهاد دارنده حقوق بشر، «جهانوند» و نهاد دارنده حقوق شهروندی، «شهروند» است. رویکرد حقوق بشر، انسان و اجتماع های انسانی است، رویکرد حقوق شهروندی، اجتماعی است که فرد به عنوان شهروند به آن تعلق دارد و عضو آن جامعه است. (۲)

ممکن است در بسیاری موارد، موضوع ها و محتوای حقوق شـهروندی و حقوق بشـر مثل هم باشـند و تفکیک آن دو از این جهت کـاری بسیار دشوار است، امـا آنچه آن دو را از هم جـدا می کنـد، این است که حقوق شـهروندی در چارچوب دولت ملت مطرح است و اینکه فردی به اعتبـار شـهروند بودن و عضویت در یک جامعه سیاسـی حقوقی دارد، اما حقوق بشـر در افق جهانی و فارغ از محدوده جغرافیای خاص و عضویت در قلمرویی سیاسی مطرح است.

۱- مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ص ۲۳۱.

۲- جک دانلی، حقوق بشر(نظریه ها و رویه ها)، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، ص ۷۵.

ص: ۶۴

به هر حال، حقوق شهروندی به حقوق و آزادی هایی گفته می شود، که دولت اجرای آن را بر اساس قوانین داخلی، برای اتباع خود تأمین و تضمین می کند و محتوای آن ممکن است از یک کشور تا کشور دیگر کمی متفاوت باشد. حال آن که حقوق بشر در سطح بین المللی مطرح است و منحصر به چارچوب دولت کشور نیست.(۱)

حقوق بشر ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان است. گفته میشود حقوق بشر عام و جهان شمول است و برای تثبیت حقوق فطری و طبیعی انسان است. حقوق بشر به هر انسان، صرف نظر از زندگی در جامعه یا جدا از جامعه و در انزوا و به تنهایی تعلق دارد. در حالی که حقوق شهروندی حقوق انسان، به دلیل زندگی در اجتماع معیّن است و با توجه به مقتضیات جوامع و شرایط زمانی و مکانی میتواند متفاوت باشد. بخش اساسی حقوق شهروندی، ناشی از حقوق داخلی کشورهاست، اما حقوق بشر و حقوق شهروندی دو مقوله کاملاً جدا نیستند.

اجرای حقوق بشر به حقوق شهروندی بستگی دارد؛ حقوقی که انسان به دلیل حیثیت و کرامت ذاتی خود دارد (حقوق بشر) با حقوقی که انسان مقیم اجتماعی باید داشته باشد (حقوق شهروندی)، مقوله های متضاد نیستند.

به طور خلاصه میتوان گفت، نسبت میان حقوق شهروندی و حقوق بشر، عموم و خصوص من وجه است. حقوق شهروندی و حقوق بشر در بسیاری موارد به جای یکدیگر استفاده میشوند و بسیاری از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق مربوط به آن، حقوق

۱- منوچهر طباطبایی موتمنی، آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۱۱۳.

ص: ۶۵

شهروندی است و بسیاری از حقوق شهروندی، در حقوق بشر ریشه دارد، اما تمییز بین آنها امکان پذیر است. برای نمونه، حقوقی مثل حق زندگی (ماده ۳ اعلامیه)، منع شکنجه (ماده ۵)، حق مالکیت (ماده ۱۷)، حق آزادی بیان و عقیده (ماده ۱۹)، منع حبس و تبعید خودسرانه (ماده ۹) مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر است، اما موادی در اعلامیه جهانی حقوق و دو میثاق مربوط به آن وجود دارد که به نظر نمیرسد ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان باشد و ابزار اجرا و محافظت از حقوق بشر و در واقع حقوق شهروندی است، نه حقوق بشر به معنای دقیق کلمه، مانند ماده ۸ اعلامیه، درباره حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه، ماده ۱۰ اعلامیه درباره رسیدگی در دادگاه مستقل و به طور علنی، ماده ۲۰ اعلامیه در آزادی تشکیل مجامع و جمعیتهای مسالمت آمیز، ماده ۲۱ اعلامیه در حق نایل شدن به مشاغل عمومی کشور و بند ۳ همین ماده در انجام انتخابات به نحو عمومی و با رأی مخفی و موارد بسیاری مانند آن وجود دارد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است، ولی به نظر میرسد حقوق شهروندی است، نه حقوق بشر. همچنین در میثاق حقوق مدنی سیاسی ۱۹۶۶ نیز موادی مانند ماده ۱۰ آن، در نگه داری جداگانه متهمان از محکومان، ماده ۱۱ آن، منع زندانی کردن افراد به دلیل نداشتن قدرت به اجرای تعهدات قراردادی، ماده ۱۴ آن، در حق سؤال متهم از شهود، به نظر میرسد از حقوق شهروندی است، نه از حقوق بشر. در مقابل، مواردی وجود دارد که بین حقوق بشر و حقوق شهروندی مشترک هستند؛ یعنی هم ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان است و هم اینکه به دلیل زندگی در اجتماعی معیّن است و تحت تأثیر امکانات جامعهای که شخص در آن زندگی میکند،

ص: ۶۶

میتوانـد از جامعهـای دیگر متفـاوت باشـد، مثل ماده ۱۲ اعلامیه جهـانی در منع مـداخله در زنـدگی خصوصـی، امور خـانوادگی و اقامتگاه و مکاتبات اشـخاص، بنـد ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی درباره تأمین سطح زنـدگی، سـلامتی و رفاه شـخص و خانوادهاش و حمـایت در مواقع بی کـاری، بیمـاری، نقص اعضا و از کار افتادگی، بنـد ۲ ماده ۲۵ اعلامیه، درباره حق بهرهمنـدی ویژه مادران و کودکان از کمک و مراقبت و بهرهمندی از حمایت اجتماعی و نیز ماده ۲۴ آن در حق استراحت و فراغت و تفریح برای اشخاص و محدودیت معقول ساعات کار.(۱)

۱- برای متن اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی، نک: (به کوشش: هوشنگ ناصرزاده) اعلامیه جهانی حقوق بشر.

ص: ۶۷

فصل دوم: شهروندی و حقوق آن در قوانین جمهوری اسلامی ایران

اشاره

فصل دوم: شهروندی و حقوق آن در قوانین جمهوری اسلامی ایران

زیر فصل ها

۱. مفهوم شهروندی در حقوق جمهوری اسلامی ایران

۱. مفهوم شهروندی در حقوق جمهوری اسلامی ایران

اصطلاح «شهروند» در متن بسیاری از مقررات به کار رفته است. در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۵/۲/۸۳ مجلس شورای اسلامی، که در مقام صیانت حقوق قضایی شهروندی است، مثل حق دفاع متهم، رعایت موازین قانونی در موقع دستگیری، بازجویی و تحقیق از اشخاص، منع شکنجه و لزوم رعایت اصل برائت، به نظر میرسد «شهروند» در این قانون منحصر به تبعه نبوده و همه افراد را صرف نظر از تابعیت و اقامت دربرمیگیرد. این در حالی است که در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب ۲۱/۲/۸۳، در تبصره ۴ ماده ۱، که اصطلاح «شهروندان خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران» و در ماده ۷ آن، که عبارت «نیازهای شهروندان» به کار رفته است، به نظر میرسد منظور از شهروند فقط «تبعه» است.

همچنین در آیین نامه تعزیرات حکومتی در شهرداریهای کشور درباره شهروندان و کارکنان، مصوب ۲۵/۳/۱۳۶۷، و در قانون معاهده اساس روابط متقابل و اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و

ص: ۶۸

فدراسیون روسیه مصوب ۱۶/۱۰/۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی، در ماده ۸ آن درباره تسهیلات «روادید برای شهروندان طرف دیگر» نیز منظور از شهروند، تبعه است. بنابراین میتوان گفت، در نحوه بهره مندی از این اصطلاح در مقررات مدون، نظم خاصی حاکم نیست و در قوانین و دیگر مقررات در هر دو معنا به کار گرفته شده است، اما از نظر محتوایی، چنانکه در قسمت دوم بیان میشود، در حقوق ایران در بهره مندی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در مواردی فرهنگی بین اتباع و غیر اتباع، حسب مورد، تفاوتهای جزیی یا کلی وجود دارد.

۲. حقوق شهروندی در متن قوانین جمهوری اسلامی ایران

۲. حقوق شهروندی در متن قوانین جمهوری اسلامی ایران

حضرت امام خمینی رحمه الله در سال ۱۳۶۱، در فرمان هشت ماده ای خود، «حقوق انسان ها و شهروندان» را بسیار شفاف و صریح مطرح کردند. در بخشی از بیانات امام رحمه الله در فرمان هشت ماده ای آمده است:

قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن، خدای ناخواسته به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریمه اسلامی از اشخاص بی توجه به معنویات صادر شود. باید ملت از این پس که زمان استوار و سازندگی است، احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند.(۱)

معنا و مفهوم اصلی حقوق شهروندی، رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان ها در بخش کلان جامعه است. بنابراین، اصطلاح «حقوق شهروندی» از نظر مفهومی، پدیده نوظهوری نمی تواند تلقی شود؛ زیرا پیش از این در

۱- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۳۹.

ص: ۶۹

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیگر قوانین عادی و حتی در فرمان هشت ماده ای امام در سال ۱۳۶۱، حقوق مردم و حقوق عمومی تصریح شده است. اصطلاح و واژه «حقوق شهروندی» برای نخستین بار با صدور بخش نامه رییس وقت قوه قضاییه در ۲۰ فروردین سال۱۳۸۳، درباره رعایت حقوق شهروندان وارد نظام حقوقی ایران شد.

در مقدمه این بخش نامه ۱۴ بندی، خطاب به مراجع قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور، این گونه به حقوق شهروندی اشاره شد: «از آنجا که حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادی های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور می باشد، توجه کلیه قضات شریف، ضابطین و بازجویان و ناظران زندان ها و بازداشتگاه های سراسر کشور را به نکات ذیل [منظور ۱۴ بند ذیل بخش نامه] جلب می نماید». (در پیوست ها طرح شده است)

مفاد این بخش نامه، ناظر به رعایت برخی حقوق شهروندان در بُعد قضایی است. امتیاز مهم دیگر بخش نامه در این است که به رعایت جزییات حقوق شهروندان در مرحله های گوناگون قضایی از تعقیب تا صدور حکم تأکید شده که در نوع خود اگر بی نظیر نباشد، کم نظیر است.

از موارد مهمی که در این بخش نامه آمده است، می توان «رعایت قوانین در خصوص کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت، اجتناب از اعمال هرگونه سلایق شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت های اضافی بدون ضرورت، فرصت استفاده از وکیل و کارشناس برای متهمان، رعایت اخلاق و موازین اسلامی در مورد

ص: ۷۰

اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم، در جریان قرار گرفتن خانواده دستگیرشدگان، اجتناب از ایذای افراد نظیر بستن چشم و دیگر اعضا، تحقیر و استخفاف آنان در جریان دستگیری و بازجویی، منع بردن متهمان به اماکن نامعلوم، تعرض نکردن به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد، ممنوعیت افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی و پرهیز از هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار، احتراز از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و اجتناب از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان» را نام برد. پس از این بخش نامه بود که مجلس شورای اسلامی، در تاریخ۱۵/۱/۱۳۸۳، آن را عیناً به عنوان قانون «احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» تصویب کرد. (قانون در پیوست ها طرح شده است)

بنابراین، این قانون نخستین قانون مربوط به حقوق شهروندی در ایران، بود که فقط در گستره قضایی، از حقوق شهروندی حمایت کرد. با توجه به اهمیت این قانون، نسبت به مواردی که مستقیم به بخشی از حقوق شهروندی مربوط بود، قانون گذار با فاصله نزدیکی یعنی پنج ماه پس از تصویب قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اقدام به وضع مقرراتی درباره حقوق شهروندی با تصویب قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کرد. نکته مهم درباره قانون برنامه چهارم توسعه این بود که دامنه شمول حقوق شهروندی، افزون بر گستره قضایی به دیگر گستره های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نیز تعمیم یافت و از آن حمایت شد.

ص: ۷۱

قانون برنامه چهارم توسعه در ماده ۱۰۰، دولت را موظف کرده است برای ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه های رشد و تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و تربیت نسلی فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت مند، برخوردار از وجدان کاری، باانضباط، با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن، «منشور حقوق شهروندی» را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذیربط رساند:

پرورش عمومی قانون مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی؛

تأمین آزادی و صیانت از آرای مردم و تعیین آزادی در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن؛

هدایت فعالیت های سیاسی و اجتماعی به سمت فرآیندهای قانون و حمایت و تضمین امنیت فعالیت ها و اجتماعات قانونی؛

تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکل های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان؛

ترویج مفاهیم وحدت آفرینی و احترام آمیز نسبت به گروه های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی؛

حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد؛

ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه.

به نظر می رسد، منظور اساسی و اصلی قانون گذار از اینکه دولت را به موجب ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم توسعه، موظف به تهیه منشور حقوق شهروندی با تأکید بر محورهای ذیل آن کرده است، ایجاد، توسعه

ص: ۷۲

و نهادینه کردن فرهنگ شهروندی و مقدمه ای برای تصویب قوانین مربوط به حقوق شهروندی است.

همان طور که قانون برنامه چهارم توسعه، دولت را موظف به تهیه منشور حقوق شهروندی کرد، به موجب ماده ۱۳۰، قوه قضاییه را نیز به تهیه لوایح مربوط به حقوق شهروندی مکلف کرد، از جمله لایحه جرم زدایی از قوانین کیفری برای جلوگیری از تضییع حقوق و آزادی های عمومی، لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی، حمایت از حریم خصوصی افراد، رفع هرگونه تبعیض قومی و گروهی در قلمروی حقوقی و قضایی، لایحه حمایت از حقوق شهود و متهمان و لایحه حمایت از زیان دیدگان اجتماعی.

دولت و قوه قضاییه در جهت تحقق اهداف برنامه چهارم توسعه، از جمله حقوق و آیین شهروندی گام هایی برداشته اند که در ادامه به جزییات آن اشاره می شود، ولی مسلّم است که در نهضت ایجاد فرهنگ حقوق شهروندی، علاوه بر دولت و قوه قضاییه، دیگر نهادهای عمومی غیردولتی و آحاد شهروندان نیز نقش اثرگذار و بسزایی خواهند داشت.

۳. انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران

اشاره

۳. انواع حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران

زیر فصل ها

الف) حقوق سیاسی اجتماعی شهروندان

ب) حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی

ج) حقوق قضایی

د) حقوق فرهنگی

الف) حقوق سیاسی اجتماعی شهروندان

الف) حقوق سیاسی اجتماعی شهروندان

در بند ششم اصل سوم قانون اساسی، «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» و در بند هفتم این اصل، «تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی» و اهتمام دولت در به کار بردن همه امکانات برای «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش»، به عنوان تکالیف مهم دولت و حکومت، از جمله مواردی است که قانون گذار بنیادهای حقوق سیاسی و اجتماعی مردم را ترسیم کرده است. نگرفتن

ص: ۷۳

آزادیهای مشروع حتی با نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور با بهر ه مندی از ابزار قانون و وضع قوانین از جمله راهبردهایی است که قانون گذار در اصل نهم قانون اساسی تأکید کرده است.

در اصل هشتم قانون اساسی، بر امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان حقوق و تکلیف متقابل دولت و مردم تأکید شده است. ممنوع کردن تفتیش عقاید و پرهیز از تعرض و مؤاخذه به دلیل عقیده (اصل ۲۳)، آزاد بودن نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، ممنوعیت بازرسی نامهها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و استراق سمع و پرهیز از هر گونه تجسس (اصل ۲۵)، آزادی احزاب و جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی (اصل ۲۶)، آزادی تشکیل اجتماعات و راه پیماییها (اصل ۲۷) از جمله اصول تصریح شده اجتماعی و سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

ب) حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی

ب) حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی

حق انتخاب شغل و امکان انتخاب شغل (اصل ۲۸)، دارا بودن مسکن متناسب (اصل ۳۱)، و مصونیت شغل و مسکن، از تعرض، حرمت مالکیت شخصی (اصول ۴۶ و ۴۷) و برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹) از جمله مواردی است که قانون گذار به عنوان حقوق اقتصادی و رفاه اجتماعی در نظر گرفته است.

ج) حقوق قضایی

ج) حقوق قضایی

هشت اصل از قانون اساسی به حقوق قضایی شهروندان تخصیص داده شده است. هدف اصلی حقوق قضایی شهروندان، ایجاد امنیت قضایی برای

ص: ۷۴

اعضای جامعه است. در بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی، بر «تأمین حقوق همهجانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه» برای همه و «تساوی عمومی در برابر قانون» تصریح شده است. عطف به ماسبق نشدن قانون (اصل ۱۶۹)، اصل برائت (اصل ۳۷)، اصل تأمین قضایی (اصل ۳۲)، اصل استفاده از حق وکیل (اصل ۳۵)، اصل ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار با تهدید و ارعاب (اصل ۳۸)، اصل علنی بودن دادرسی (اصل ۱۶۵)، اصل «حق مسلم دادخواهی» (اصل ۳۴)، از جمله حقوق قضایی شهروندی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن توجه شده است.

د) حقوق فرهنگی

د) حقوق فرهنگی

اصل بیستم قانون اساسی، برخورداری از حمایت قانونی و تساوی افراد در همه جنبه های حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی با رعایت موازین اسلام را به عنوان سیاست محوری حقوق شهروندی توجه کرده است، اما در اصول اختصاصی جزییات حقوق فرهنگی به طور آشکار بحث شده است. از جمله حقوق فرهنگی تصریح شده در قانون اساسی، دادن حق استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و در رسانههای جمعی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی برای اقوام مختلف ساکن در ایران است. همچنین اصل سوم قانون اساسی بر رایگان بودن آموزش و پرورش و تربیت بدنی، برای همه در تمام سطوح و تسهیل آموزش عالی تأکید کرده است.

بر همگانی ساختن آموزش و رایگان کردن آموزش و پرورش تا پایان دوره متوسطه و گسترش آموزشهای دانشگاهی، به طور رایگان با رعایت امکانات در اصل سیام قانون اساسی تأکید شده است. (اصل ۳۰)

ص: ۷۵

فصل سوم: ابعاد و انواع گوناگون حقوق شهروندی

اشاره

فصل سوم: ابعاد و انواع گوناگون حقوق شهروندی

اندیشمندان و پژوهشگران فقه و حقوق، در دسته بندی عناصر و اقسام حقوق شهروندی، رهیافت های متفاوتی تدوین کرده اند، که هر کدام درخور توجه اند، اما هیچ یک از دسته بندی ها و مرزبندی ها خالی از اشکال نیستند؛ زیرا عناصر و مؤلفه های این حقوق، تفاوت هایی با هم دارند، اما در عین حال ارتباط تنگاتنگ بسیاری از آنها با مسائل اجتماعی و سیاسی و در نتیجه، دو یا چند وجهی بودن برخی از این حقوق و ناتوانی انسان در تعریف دقیق از آنها و نیز به دلیل اعتباری بودن مفهوم آنها، همگی سبب شده اند هیچ یک از طبقه بندی ها دقیق نبوده و با دشواری هایی روبه رو باشند. ازاین رو، شیوه ای که در این نوشتار در تقسیم بندی حقوق مزبور، انتخاب شده است، خالی از اشکال نیست، اما سعی بر آن است وجه غالب حقوق مزبور در دسته بندی حاضر، ملاک قرار گیرد. در این نوشتار، مؤلفه ها و عناصر حقوق شهروندی با عناوین حقوق و آزادی های فردی و مدنی، قضایی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بررسی خواهند شد.

ص: ۷۶

۱. حقوق و آزادی های فردی و مدنی

اشاره

۱. حقوق و آزادی های فردی و مدنی

آزادی شخصـی، حقوق و منطقه آزاد شـهروندان است که دیگران از جمله حکومت نمی توانـد آن را تحدیـد یا سـلب کند؛ مگر با اصول و قوانین پـذیرفته شده است. آربلاستر در این باره می نویسد: «منظور از آزادی فرد معمولاً آزادی شخصـی است، در اینجا نیز مانند مفهوم فرد، تأکید بر شـخص انسانی واحد است»؛(۱) یعنی حقوق فردی و آزادی های مـدنی بیشتر جنبه فردی و شـخص دارد که شـهروندان کشـوری بایـد از آن برخوردار باشـند. این حقوق شامـل موارد متعـددی است، مثـل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیـان، مـذهب، برابری در برابر قـانون، ممنوعیت تبعیض بر اسـاس جنس، نژاد، منشـأ ملی یا زبانی حمایت از شـخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت مثل حبس (غیرقانونی) یا کار اجباری. در ادامه بر برخی از این حقوق تأکید می شود.

الف) امنیت

الف) امنیت

حق امنیت، مهمـترین حقی است که همه و به ویژه بیگانگـان و اقلیتهـا بایـد از آن برخوردار باشـند. پیـامبر، در پیمـانی که بـا یهود و دیگر ساکنان مدینه بست، تأکید داشت همه در مدینه در امنیت کامل هسـتند و هیچ کس حق تعرض به کسـی را ندارد. در صورت بروز جنـگ بـا کـافران، تنهـا دعوت آنـان به اسـلام لازم است و در صورت نپـذیرفتن، جنـگ مجـاز است، امـا درباره اقلیت ها، در صورت نپذیرفتن دعوت، در صورت امکان انعقاد پیمان هم زیستی، جنگ با آنها ممنوع است. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله خالد بن

۱- آنتونی آربلاستر، لیبرالیسم غرب؛ ظهور و سقوط، ترجمه: عباس مخبر، ص ۷۸.

ص: ۷۷

ولید را با لشکری به مقابله با دشمنان فرستاد. خالد به گروهی از اهل کتاب، برخورد کرد و پس از نپذیرفتن اسلام با آنان جنگید و عده‌ای را کشت. پیامبر از این موضوع ناراحت شد و دستور داد دیه کشته‌ها را از بیت‌المال به خانواده هایشان بپردازند.(۱)

به موجب اصل ۲۲ قانون اساسی، «حیثیت، جان، حقوق و مسکن اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می کند.» متن سؤال شورای عالی قضایی از بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و پاسخ ایشان، که مربوط به سال ۱۳۶۲ است، اهمیت لزوم حفظ امنیت برای غیر مسلمانان، حتی غیر اهل کتاب را در کشور نشان می دهد. سؤال: «آیا غیر مسلمانان که در مملکت ایران زندگی می نمایند، از اهل کتاب یا غیر آنها، اگر مرتکب جرمی بشوند که حد یا تعزیر دارند، مانند سرقت و زنا یا جاسوسی یا افساد یا محاربه یا قیام علیه حکومت و همانند اینها، مانند مسلمانان باید مجازات شوند یا آنکه مجازات آنها مانند جاسوسی احتیاج به اشتراط ترک دارد یا آنکه مثل جاسوس حربی شوند، به مانند کفاری که شرایط ذمه عمل نکنند، با آنان معامله گردد، یعنی برگرداندن به مأمن یا تخییر حاکم بین قتل یا فدیه یا استرقاق که حضرت عالی در مسئله ۸ تحریرالوسیله، ج۲، ص ۵۰۳، رد تخییر اشکال فرمودید؟»

امام جواب داد: «باسمه تعالی، کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمانهای دیگر درباره آنها جاری است و محقون الدم بوده و مالشان محترم است».(۲)

۱- روح الله شریعتی، حقوق اقلیت ها در حکومت نبوی، ص۱۳۱.

۲- صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۰۴.

ص: ۷۸

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله گویای احترام ایشان به اقلیتهاست، به گونه ای که حتی به جسد آنها نیز احترام می گذارد. منقول است که جنازهای را از کنار پیامبر عبور میدادند، ایشان به احترام او به پا خاست. اصحاب گفتند: «جنازه فردی یهودی بود. حضرت به آنان فهماند که از این مطلب مطلعند و فرمود: «آیا جنازه انسانی نبود.» این امر نشان میدهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای انسان فارغ از کیش و مرام وی، احترام قائل بودند.(۱) از جمله حقوق مدنی اشخاص، حق استقلال در احوال شخصیه است. اقلیتهای به رسمیت شناخته شده در کشور اسلامی آزادند که بر اساس دین خود در موضوعاتی مانند ازدواج، طلاق، ارث و وصیت عمل کنند و دادگاه اسلامی نیز باید در این امور، بر اساس مذهب خود اشخاص عمل کنند.(۲) در حقوق ایران نیز بر اساس اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی اقلیتهای کلیمی، زرتشتی و مسیحی در احوال شخصیه، مثل ازدواج، طلاق، ارث، وصیت، نسب، نفقه، مهریه تابع مذهب خودشان هستند. بر اساس قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه محاکم، مصوب ۱۳۱۲ و نیز رأی وحدت رویه ۳۷ ۱۹/۹/۱۳۶۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، دادگاهها موظفند برای ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنها به رسمیت شناخته شده است، مثل مذاهب اهل سنت، مذاهب مسیحی کاتولیک، پروتستان و ارتدکس، بر طبق قواعد و عادت مسلمه متدواله مذهب آنها رأی بدهند، مگر اینکه مخالف انتظامات عمومی باشد. در حمایت از اهل ذمه احادیث متعددی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است. برای

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۷۳؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- حقوق اقلیت ها در حکومت نبوی، ص ۲۳۵.

ص: ۷۹

نمونه، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا أَوْ انْتَقَصَهُ أَوْ کَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَیْئًا بِغَیْرِ طِیبِ نَفْسٍ فَأَنَا حَجِیجُهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ؛ آگاه باشید کسی که به غیر مسلمانی (که با مسلمانان پیمان و معاهده بسته است و مقررات پیمان را اجرا می کند و بر ضد منافع مسلمین فعالیت نمیکند) ستم روا دارد یا او را تکلیف بیشتر از طاقت کند یا مالی را بدون رضایت وی از او بگیرد، من در روز قیامت به او احتجاج کنم».(۱)

امام علی علیه السلام فرمود: «انسان ها دو دسته‌اند یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش با تو یکسان هستند».(۲)

ب) حق زندگی

ب) حق زندگی

حق زندگی از بنیادی ترین حقوق انسان و شهروندان جامعه سیاسی به شمار می آید. بدون آن حقوق معنا و مفهوم ندارد؛ زیرا در صورتی که حق حیات و زندگی شهروندی محترم نباشد، بهره برداری از دیگر حقوق نیز برای او ممکن نخواهد بود. ازاین رو، در قرآن کریم حق زندگی بسیار بااهمیت تلقی شده است، تا جایی که اگر کسی، فردی را بدون مجوز شرعی به قتل رساند، گویا همه انسان ها را به قتل رسانده است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَیْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِی الْأَرْضِ فَکَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِیعًا.»(۳) این آیه کنایه از این است که حقیقت انسان ها همگی یکی است و به همین دلیل، اگر کسی به یکی از انسان ها سوءقصد

۱- ابوداود، سنن ابوداود: کتاب الخراج، باب فی تعشیر اهل الذمه اذا اختلفوا بالتجارات ص ۳۰۵۲؛ بیهقی، ص ۱۸۵۱۱.

۲- جرج جرداق، نهج البلاغه، ترجمه: الامام علی۷، ج ۱، نامه ۵۳, ص ۱۱۷.

۳- مائده: ۳۲.

ص: ۸۰

کند، گویی به همه سوءقصد کرده است.(۱) آیات ذیل نیز همه بر حرمت کشتن انسان دلالت دارند و در شریعت اسلام برای صیانت از زندگی بشر، افزون بر مجازات اخروی، مجازات سنگین قصاص نیز معین و مقرر شده است: «وَلاَ تَقْتُلُواْ النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللّهُ إِلاَّ بِالحَقِّ» (انعام: ۱۵۱) «وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»؛(۲) «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا».(۳)

امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می نویسد: «إِيَّاكَ وَ الدِّمَاءَ وَ سَفْكَهَا بِغَيْرِ حِلِّهَا؛ بپرهیز از خون ها و ریختن آنها به ناروا.»(۴) همواره امام علی علیه السلام در جنگ ها تلاش می کرد، آغازگر جنگ نباشد.(۵) از سوی دیگر، در فقه حیات آدمی از مصالحی شمرده شده است که باید در آن احتیاط شود.

در اسلام حق حیات قابل اسقاط نیست و خودکشی، ممنوع و حرام شده است: «وَلا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا.»(۶) همین طور سقط جنین و «فتک» در اسلام حرام اعلام شده است. فتک به معنای کشتن طرف مقابل است، در حالی که غافل باشد(۷) و تقریباً مفهوم مشابه واژه

۱- تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۵۱۸.

۲- فرقان: ۶۸.

۳- نساء: ۹۳.

۴- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۵- گروهی از نویسندگان، حکومت علوی ساختار و شیوه های حکومت، ص ۲۳۲ ۲۵۰.

۶- انعام: ۱۴۰.

۷- عبدالله البحرانی، العوالم الامام الحسین، ص ۱۹۳.

ص: ۸۱

«ترور» را دارد. مردی به نام اباصالح از فردی سخن به میان می آورد که به امام علی علیه السلام دشنام می دهد و اباصالح از امام رضا علیه السلام اجازه می خواهد در کمین آن مرد قرار گیرد و او را بکشد. حضرت او را از این کار بازمی دارد: «ای اباصالح این کار فتک (ترور) است و رسول خدا صلی الله علیه و آله از فتک (ترور) نهی فرمودند، ای اباصالح اسلام مانع ترور است».(۱)

در فقه برای حق حیات محدودیت هایی وجود دارد و در مواردی به سلب آن حکم شده است، از قبیل قصاص، ارتکاب برخی گناهان و محارب و مفسد فی الارض.

ج) آزادی عقیده

ج) آزادی عقیده

آزادی عقیده یکی دیگر از حقوق و آزادی هایی است که در اسلام به آن توجه شده است. البته اسلام، داشتن هرگونه عقیده را حق انسان نمی داند، عقیده که منافی اندیشه باشد، نه تنها آن را جزو حقوق انسان نمی شمارد، بلکه آن را منافی اندیشه می داند. عقایدی که از روی تقلید و بر مبنای وراثت یا از روی جهالت باشد یا به دلیل فکر نکردن و تسلیم شدن در مقابل ضد فکر باشد، در اسلام محترم نیستند. برای نمونه، عقیده به گاوپرستی، شیطان پرستی و بت پرستی که همگی ضد فکر و اندیشه اند هرگز در اسلام محترم نیستند. در اسلام، بر خلاف دیگر ادیان، به ویژه مسیحیت، اصلی وجود دارد و یکی از امتیازهای مهم دین اسلام است که اصول عقاید، جز از راه اندیشیدن و تلاش

۱- محقق اردبیلی، مجمع البرهان و الفایده، ص ۱۷۳.

ص: ۸۲

فکری پـذیرفته نمی شود. ازاین رو، شـهید مطهری میان آزادی تفکر و آزادی عقیـده فرق می گـذارد و به نظر ایشان «عقیـده‌ای که ناشی از تفکر باشد، در اسلام محترم است و اسلام نیز آزادی این گونه عقیده را می پذیرد».(۱)

این رویکرد بر خلاـف رهیـافتی است که در لیبرالیسم و اعلاـمیه جهانی حقوق بشـر اتخاذ شـده است که هرگونه عقیـده را محترم و آزاد دانسـته اند؛ گرچه موجب انعقاد اندیشه و ناشـی از عدم تفکر باشد و فکر انسان را به اسارت خود قرار دهد. اسلام آیینی است کـه یکی از هـدف هـای آن، نجـات انسـان از اسـارت فکری و فیزیکی اسـت: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلاَلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ». (اعراف: ۱۵۷)

از دیدگاه اسـلام، اینکه داشتن هرگونه عقیده حق انسان نیست، به این معنا نیست که اسلام عقیده خاصی را بر انسان ها تحمیل کند یـا افراد را به دلیـل داشـتن عقیـده خـاص، تعقیب و مجـازات کنـد؛ زیرا بر اساس آیات قرآن کریم، تحمیل عقیـده و دین خاص، نه امکان دارد و نه به آن توصیه شده است. عقیده امری درونی است که اجباربردار نیست: «لاَ إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ.» (بقره: ۲۵۶) «اینکه قرآن می فرماید در دین اجبار نیست (لا اکراه فی الدین) نمی خواهد بگوید دین را می شود با اجبار تحمیل کرد و شـما تحمیل نکنید بگذارید مردم بدون اجبار دین دار باشند، بلکه از این باب است که دین را با اجبار نمی شود تحمیل کرد آنچه با اجبار تحمیل شود، دین نیست.»(۲) «وَلَوْ شَاء رَبُّكَ لآمَنَ مَن فِي الأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى

۱- مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، صص ۱۰۴ ۱۰۶.

۲- ۲مرتضی مطهری، ص ۱۶۶.

ص: ۸۳

یکُونُواْ مُؤْمِنِینَ.» (یونس: ۹۹) خداوند پیامبر را از اکراه و اجبار کردن مردم برای ایمان و اسلام بازمی دارد.(۱) خداوند به پیامبر می فرماید، نباید خود را در این راه خسته کنی، برای اینکه تو قادر نیستی مردم را مجبور به ایمان کنی و ایمان از روی اکراه، خواست ما نیست. «فَذَکِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَکِّرٌ لَّسْتَ عَلَیْهِم بِمُصَیْطِرٍ؛ ای پیامبر ایشان را به حقایق تذکر بده.» (غاشیه: ۲۰ و ۲۲) وظیفه تو تذکر دادن است، به امید اینکه دعوت را اجابت کنند و با طیب خاطر و بدون اجبار ایمان آورند. تو هرگز بر آنان مسلط نیستی که آنان را مجبور به ایمان کنی».(۲)

از سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز اجبار نکردن به خوبی پیداست. در نامه ای که حضرت برای والیان و کارگزاران خود نوشته است، بر همین نکته دلالت دارد: «هرکس بر آیین یهود یا مسیحیت باقی ماند، برای خروج از آیین خود اجبار نمی شود، بلکه تنها وظیفه پرداخت جزیه است».(۳)

در اسلام آزادی از تحمیل عقیده و آزادی از تفتیش عقیده و حق داشتن عقیده ناشی از تفکر، به رسمیت شناخته شده اند، اما اینکه انسان ها حق داشتن هر گونه عقیده ای را داشته باشند، گرچه ناشی از تقلید، عدم تفکر و فقط بر اساس وراثت باشد، مورد تأیید و احترام دین اسلام نیست و کوشش می شود از راه متفاوت به غیر از اجبار مقدماتی فراهم شود که صاحبان عقاید باطل متوجه اشتباه خود شوند و عقیده صحیح و مبتنی بر تفکر را بیابند.

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۹۰.

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۱۰.

۳- «من کان علی یهودیته او نصرانیته فإنه لا یفتن عنها و علیها الجزیه»، «و من کان علی یهودیته او نصرانیته فإنه لا یغیر عنها ...». احمد میانجی، مکاتیب الرسول، المجلد الثانی، صص ۵۵۸ و ۵۹۱.

ص: ۸۴

د) آزادی و حق اقامت و رفت وآمد

د) آزادی و حق اقامت و رفت وآمد

در تعریف این آزادی چنین آمده است: «انسان در انتخاب محل اقامت و زندگی خود مختار و آزاد است و در هر شهری و محلی که اراده نماید، می تواند رفت وآمد یا اقامت کند، که ره آورد آن نداشتن جواز توقیف یا سلب تابعیت و تبعید موقت یا دائم انسان است؛ مگر آن که دلیل قانع کننده قانونی وجود داشته باشد».(۱)

بر اساس قاعده «اصالت الأباحه» و «اصل حلیت»، اصل بر جواز و اباحه هر شیء است، مگر آن که خلاف آن ثابت شود: «کُلُّ شَیْ ءٍ هُوَ لَکَ حَلَالٌ حَتَّی تَعْلَمَ أَنَّهُ حَرَامٌ بِعَیْنِهِ.»(۲) مطابق این اصل، رفت وآمد و اقامت در شهری اعم از موقت و دایم، امری جایز و آزاد است، مگر دلیل خاص مانع آن شود.

در سنت پیامبر و ائمه نیز این آزادی مسلّم تلقی شده است: «الْبِلَادُ بِلَادُ اللَّهِ، وَالْعِبَادُ عِبَادُ اللَّهِ، فَحَیْثُمَا أَصَبْتَ خَیْرًا فَأَقِمْ؛ همه سرزمین ها متعلق به خداست و بندگان نیز بندگان اویند. پس هر کجا موجب خیر و سعادت شماست، اقامت کنید».(۳)

امام علی علیه السلام می فرماید: «لَیْسَ بَلَدٌ أَحَقَّ بِکَ مِنْ بَلَدٍ خَیْرُ الْبِلَادِ مَا حَمَلَکَ؛ هیچ شهری برای تو سزاوارتر از شهر دیگر نیست. بهترین شهر آن است که پذیرای تو باشد».(۴)

این حق بر اساس آیات و روایات، در فقه سیاسی شیعه، به حرمت

۱- محمدحسن قدردان قراملکی، آزادی در فقه و حدود آن ، ص ۶۳.

۲- وسائل الشیعه، جزء السابع عشر، ج ۴، ص ۸۹.

۳- نهج الفصاحه، ص ۲۲۳.

۴- محمد عبده، نهج البلاغه، شرح خطب امام علی٧، ج ۳، ص ۱۰۳.

ص: ۸۵

سکنی گزیدن در بلاد شرک، کفار و نواحی که فرد مسلمانی نتواند شعایر دینی خود را انجام دهد، محدود شده است.(۱) همین طور در مواردی از فقه حبس و توقیف با مدت معین وجود دارد که از محدودیت های حق اقامت و آزادی رفت و آمد، به شمار می آیند.(۲)

ه) حق تفریح و اوقات فراغت

ه) حق تفریح و اوقات فراغت

از دیگر حقوق مهم فردی، حق برخورداری از استراحت و تفریح و بهره مندی از اوقات فراغت برای همگان است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «اُلْهُوا وَ الْعَبوُا فَإِنِّی أَکْرَهُ أَنْ یُرَی فِی دِینِکُمْ غِلْظَهً؛ تفریح کنید و بازی کنید؛ زیرا دوست ندارم در دین شما خشونتی دیده شود.» یا «اِنَّ اللهَ لَا یواخِذُ الْمَزَّاحَ الصَّادِقَ فِی مَزَاحِهِ؛ خداوند شخصی را که بسیار شوخی می کند و در شوخی خود صادق باشد، بازخواست نمی کند.»(۳) حق برخورداری از تفریح و اوقات فراغت، یکی از حقوق ملت است و در هیچ یک از اصول قانون اساسی ذکر نشده است. بدیهی است، در صورت ذکر در قانون اساسی، قانوناً برای ارگان های دولتی تکلیف اجرای آن به وجود می آمد و تمامی مقررات و مصوبات هم زمان با ایجاد اشتغال و درآمد کافی برای همگان، امکانات و توان استفاده از اوقات فراغت و تفریح را فراهم می آورد.

و) حق حریم خصوصی

و) حق حریم خصوصی

لزوم وجود حریم خصوصی و رعایت آن، از سوی اشخاص حقیقی و

۱- جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۴.

۲- آزادی در فقه و حدود آن، صص ۶۸ ۷۱.

۳- نهج الفصاحه، صص ۸۷ ۱۲۲.

ص: ۸۶

حقوقی، در اسلام به رسمیت شناخته و به آن تأکید شده است. ازاین رو، فقه سیاسی اسلام، پیش از حقوق موضوعه غرب و مناسب تر و کامل تر از آن، به این حق اهمیت داده و از آن حمایت کرده است. تجسس به عنوان عام و ورود به مسکن افراد بدون اذن و گوش دادن به سخنان دیگران با عدم میل باطنی آنان در جهت حمایت از حریم خصوصی اشخاص در اسلام حرام و ممنوع است. از نمونههای رعایت حریم خصوصی شهروندان میتوان به این موارد اشاره کرد:

یک امنیت مسکن

از منظر قرآن کریم، خانه های مردم به معنای واقعی، «مسکن» یعنی محل آرامش، آسایش و سکون است: «وَاللّهُ جَعَلَ لَكُم مِّن بُيوتِكُمْ سَكَنًا.» (نحل: ۸۰) وارد شدن به خانه دیگران بدون اجازه مالک آن حرام و ممنوع شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لاَ تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَداً فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا». (نور: ۲۷ و ۲۸)

دو ممنوعیت استراق سمع

گوش دادن به سخنان کسانی که مایل به شنیدن آن نیستند، حرام و ممنوع است؛ زیرا مصداق تجسس است. در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «مَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ أَوْ يَفِرُّونَ مِنْهُ صُبَّ فِي أُذُنِهِ الْآنُكُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ؛ هرکس به مکالمه دیگران در حالی که آنان مایل

ص: ۸۷

نیستند، گوش دهد، در روز قیامت در گوش وی سرب گداخته ریخته می شود».(۱)

رویکرد اسلام درباره حریم خصوصی، رویکرد تحول گرایانه است؛ یعنی از ماهیت و محتوای حریم خصوصی حمایت شده است، بدون آنکه از مصادیق آن نام ببرد. ازاین رو، بسیاری از اموری که امروزه به عنوان حریم خصوصی مطرح می شود؛ از قبیل نامه ها، عکس ها، گفت وگوهای تلفنی، تلگراف، مراسلات، پست الکترونیکی و دیگر موارد شخصی، دیدن و اطلاع یافتن از آنها، به عنوان «تجسس» حرام خواهد بود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا». (حجرات: ۱۲)

تلاش برای دست یابی به امور پنهانی و مکتوم و عیوب اشخاص، با هر انگیزه که صورت گیرد، «تجسس» به شمار می رود و در آیه کریمه ممنوع شده است. همین طور گمان بد عاملی است، برای جست وجوگری و جست وجوگری عاملی است برای کشف اسرار و رازهای نهانی مردم و اسلام هرگز اجازه نمی دهد رازهای خصوصی آنها فاش شوند.(۲)

امام علی علیه السلام مالک اشتر را به کتمان اسرار مردم سفارش می کند و رهبر امت و حکومت را در پنهان داشتن اسرار مردم سزاوارتر می داند:

از رعیت، آنان را که عیب جوترند از خود دور کن؛ زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه

۱- جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۰۸؛ خصال، ج ۱، ص ۱۰۹، باب ثلاثه یعذبون یوم القیامه.
۲- تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۸۴.

ص: ۸۸

سزاوارتر است. پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه هویداست، بپوشانی که داوری در آنچه پنهان است با خدای جهان می باشد. پس چندان که می توانی زشتی ها را بپوشان تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا بر تو بپوشاند.(۱)

در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید(۲) آمده است: عمر شبی را به گشت زنی در مدینه مشغول بود که در برابر خانهای صدای زن و مردی را شنید و به شک افتاد. از دیوار خانه بالا رفت و وارد خانه شد. زن و مردی را دید که جلوی آنها ظرف شرابی قرار داشت. خطاب به آن مرد گفت: ای دشمن خدا، آیا میپنداری خداوند کار تو را مخفی نگه می دارد، در حالی که به معصیت او مشغولی؟ سپس آن مرد به عمر گفت: اگر من یک خطا مرتکب شدم، تو مرتکب سه خطا شدهای؛ زیرا خداوند در قرآن فرموده است: تجسس نکنید (وَلَا تَجَسَّسُوا) (حجرات: ۱۲) و تو به تجسس در کار ما پرداختی. خداوند فرموده از در خانه وارد شوید «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره: ۱۸۹) و تو از دیوار وارد شدی. خداوند فرموده تا از اهل خانه اذن نگرفتید، وارد نشوید و وقتی وارد شدید، سلام کنید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا حتی عَلَى أَهْلِهَا» (نور: ۲۷) و تو بی اذن وارد شدی و سلام نکردی. سرانجام عمر آنها را رها کرد و رفت.(۳)

در حقوق ایران، طبق اصل بیست و سوم قانون اساسی، «تفتیش

۱- محمد دشتی، صص ۵۶۹ و ۵۷۱.

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۹.

۳- حسین مهرپور، نظام بین المللی حقوق بشر، ص ۱۶۴.

ص: ۸۹

عقاید ممنوع است و هیچ کسی را نمیتوان به صرف داشتن عقیدهای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد».

در اصل ۲۰ قانون اساسی آمده است: «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون».

۲. حقوق و آزادی های اقتصادی

اشاره

۲. حقوق و آزادی های اقتصادی

در این جا منظور از حقوق اقتصادی، معنای محدود از حقوق اجتماعی است. با این تلقی، حقوق اقتصادی به حقوقی گفته می شود که فرد آن را به عنوان اینکه عضو جامعه است، داراست و با فعالیت های شخصی و حرفه ای خود یا به کارگیری دارایی خود، در اجتماع اثر می گذارد، مانند حق مالکیت، حق کسب و کار، صنعت و بازرگانی، آزادی کار شغل و نظایر آن.(۱)

هدف حقوق اقتصادی، تنظیم ساختار مالکیت خصوصی، مؤسسه های بازرگانی و صنعتی و برقراری نظم درست در امور اقتصادی است، در حالی که هدف حقوق اجتماعی، تنظیم روابط اجتماعی و کار و رفع بی عدالتی موجود در این زمینه هاست و همین طور برای حمایت از اقشار محروم جامعه و رفع مشکلات و نارسایی ها در امور اقتصادی و اجتماعی، دخالت مستقیم دولت، مطلوب است(۲) و دولت در برابر مردم و جامعه، وظایف اثباتی دارد.

زندگی برای شهروندان، در جامعه ای سیاسی به نام دولت کشور،

۱- آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۱۳۹.

۲- آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۱۴۲.

ص: ۹۰

بدون به رسـمیت شـناختن حقوق اقتصادی شهروندان، امری دشوار و ناممکن خواهد بود. ازاین رو، در نظام حقوقی اسلام به حقوق اقتصادی، همچون حق مالکیت، حق کسب و کار، صـنعت و تجارت و آزادی شغل اهمیت داده شده و این حقوق را که جزو حقوق طبیعی انسان است به رسمیت شناخته است.

الف) حق مالکیت

الف) حق مالکیت

اصل مالکیت فردی، به معنای مالکیت انسان بر اموال و دارایی ها و کار و کوشـش خود و صاحب اختیار بودن و نفی هرگونه سلطه و حق دیگران، از ضـروریات و مسلّمات فقه به شـمار می آیـد و قاعـده ای معروف در این زمینه وجود دارد: «اَلنَّاسُ مُسَـلَّطُونَ عَلی أَمْوالِهِمْ؛ مردمان، مالکان و مسلطان بر اموالشان هستند».(۱)

در مکتب علوی اصل مالکیت فردی به نحو احسن و اکمل به رسـمیت شناخته شده است و در حکومت پنج ساله حضرت اعمال می شـد. حضـرت، به دست آوردن اموال دیگران از راه ناحق را بزرگ ترین خطا می شـمارد: «اَعظَمُ الخَطایا اِقْتِطاع مال امْرِءٍ مُسلِمٍ بِغَیرِ حَقّ» یا در جای دیگری می فرماید: «أَلَا وَلَا یَحِلُّ لِامْرِئٍ مِنْ مَالِ أَخِیهِ شَیْءٌ إِلَّا بِطِیبِ نَفْسٍ مِنْهُ؛ مال هیچ کس برای فرد دیگر حلال نیست، مگر با رضایتش».(۲)

حضـرت به مأمور مالیات دسـتور می دهد، هنگام گردآوری مالیات، به مال احدی، خواه مسـلمان یا غیر مسلمان دست نزند. چنانکه به باور

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، کتاب علم، ج ۲، ص ۲۷۲.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۲۸.

ص: ۹۱

حلی، اموال اهل کتاب که شرایط ذمه را نقض و به دارالحرب فرار می کند، به صورت امانت در کشور اسلامی می ماند و پس از مرگ، میان ورثه او تقسیم می شود. از سوی دیگر، حتی ایشان تلف و تضییع اموال اهل کتاب را که در پناه حکومت به سر می برند و حتی اموالی که در نزد مسلمانان مالیت ندارند، موجب ضمان می داند.(۱)

البته حق مالکیت در اسلام برخی محدودیت هایی از قبیل اخذ مالیات شرعی و عدم اضرار به دیگران و امثال آن دارد، که باید در جای خود بررسی شوند.

در حقوق ایران، طبق اصل چهل و ششم قانون اساسی، «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمیتواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند».

ب) آزادی و حق کسب و کار

ب) آزادی و حق کسب و کار

آزادی و حق کسب و کار، از مسلّمات فقهی است و فقها با مسلّم انگاشتن آن، به مواردی استثنایی ممنوعیت کار و کسب و تجارت پرداخته اند، که در اصطلاح «مکاسب محرمه» نامیده شده است. در اسلام، افراد برای انجام کار و تلاش برای امرار معاش، تشویق شده اند: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ؛ پس چون نماز به پایان رسید، در زمین پراکنده شوید و از فضل خداوند طلب کنید». (جمعه: ۱۰)

امام علی علیه السلام برای آزادی کار و تلاش، با کار اجباری که امروزه

۱- شرایع الاسلام، صص ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱.

ص: ۹۲

معروف به «بیگاری» است، مخالف بودنـد. حضـرت در نامه ای کاری اجباری در نهری را که خشک شـده بود، شایسـته ندانسـتند و والی خود را نیز از اجبار مردم بر کار نهی کردند: «وَلَسْتُ أری أنْ أَجبرُ أَحَداً عَلی عَمَلٍ یَکْرَهُ».(۱)

جورج جرداق، نویسنده مسیحی در این زمینه چنین می نویسد:

در مـذهب و مرام علی بیگـاری گرفتـن از مردم جـایز و روا نیست. کـاری که از روی رغبت و بـدون اکراه و اجبـار امری است، که فرزنـد ابوطالب در هر موردی آن را ترغیب و تشویق و تأیید می نماید. با چنین روش عمیق و ژرفی در موضوع کار و احوال کارگر علی بیش از هزار سـال پیش از ایـن تـوانست، بر روشـنفکران مغرب زمیـن سـبقت بگیرد.»(۲) ایـن در حـالی است که بیگـاری برای دولت، در بسیاری از کشورها تا چند سال پیش، امری رایج و مرسوم بوده است.

در اسـلام، حکومت در صورتی می توانـد کسـی را وادار به کار و شـغلی کند، که بدون کار قادر به پرداخت مخارج زندگی زن و فرزندان خود نباشد.(۳)

ج) آزادی انتخاب شغل و حق صنعت و تجارت

ج) آزادی انتخاب شغل و حق صنعت و تجارت

در اسـلام، انتخاب شـغل و فعالیت در زمینه های گوناگون صـنعتی و تجاری، آزاد و از مسلّمات فقهی است و «اصل اباحه» به عنوان قاعده ای

۱- نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۴، ص ۵۳۹.
۲- جورج جرداق، الامام علی صوت العدالت الانسانیه، ص ۱۸۴.
۳- جواهر الکلام تهران، ص ۴۴۸.

ص: ۹۳

کلی وجود دارد که اصل در اشیا و اعمال حلیت است، مگر دلیل خاص بر حرمت آن اقامه شود. سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بر این امر دلالت دارند.

البته برخی مشاغل در اسلام، به دلیل مصالحی مشروع نیستند. شغل های همانند شراب فروشی، دایر کردن اماکن قماربازی و مراکز فساد فحشا و مانند آن، ممنوع شده است. همین طور موارد دیگری، که به عنوان مکاسب محرمه و تجارت های حرام، در فقه بررسی شده اند.(۱)

۳. حقوق اجتماعی

اشاره

۳. حقوق اجتماعی

حقوق اجتماعی به حقوق طبیعی هر فرد برای بهره مند شدن از حداقل حقوق استاندارد رفاه اجتماعی، گفته و حقوق اجتماعی به خدمات رفاهی مربوط می شود.(۲) امروزه دولت رفاه بدین معناست که سازمان های حکومتی برای کسانی که توانایی تأمین زندگی خود را به قدر کافی از طریق اشتغال مفید ندارند، (بیکاران، ازکارافتادگان و پیران) مزایایی مادی فراهم کند. به عبارت دیگر، حقوق اجتماعی نوع خاصی از سلسله تعهداتی است که دولت به نمایندگی از جامعه در برابر مردم عهده دارد؛ از قبیل فراهم کردن کار برای همه، بهبود شرایط کار و زندگی، تأمین اجتماعی، خوراک، مسکن، بهداشت و نظایر آن، که همگی این موارد، امروزه به عنوان حقوق اجتماعی، بررسی می شوند.(۳)

۱- شهید اول، شرح لعمه، کتاب المتاجر، ص ۹۲.

۲- آنتونی گیدنز، مبانی جامعه شناسی، ص ۳۲۸.

۳- آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۱۴۰.

ص: ۹۴

خوراک و پوشاک، مسکن، بهداشت و سلامتی، تشکیل خانواده و دیگر امور رفاهی، از جمله حقوقی است که جامعه وظیفه دارد نسبت به این حقوق به دیده احترام بنگرد و برای تأمین و تضمین آنها، یاری رسان افراد ناتوان باشد.

پذیرش حقوق اجتماعی در غرب، از آثار نفوذ اندیشه سوسیالیسم و افکار اصلاح طلبانه و عدالت خواهانه بود، برای کاهش بی عدالتی ناشی از مکتب لیبرالیسم، ارائه شد. بر اثر نهضت های فکری و اجتماعی، بالاخره لیبرالیست ها در برابر این اندیشه تسلیم شدند و پدیده ای به نام حقوق اجتماعی به دیگر حقوق شهروندی افزوده شد.

در متون اسلامی، به ویژه در بخش نظام مالی اسلام در راستای حقوق مزبور، مقررات بسیار جالب و سازنده وجود دارد، که در صورت عملیاتی شدن آنها، حقوق اجتماعی مردم، در بسیاری از جنبه ها اجرایی خواهند شد. در کلام و سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و شیوه حکومتی امام علی علیه السلام به حقوق اجتماعی، توجه ویژه ای شده است و به این دلیل منابع اسلامی، به ویژه نهج البلاغه، بسیار غنی است. امام علی علیه السلام راه کارهایی متناسب با آن زمان، برای اجرایی شدن مقررات اسلامی و دستگیری از طبقه فقیر و نیازمند جامعه، مطرح می سازند. محتوای مقررات اسلامی در این زمینه، در قالب و ساختارهای جدید می تواند بسیار راه گشا باشند.

الف) تأمین اجتماعی

الف) تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی در رفاه افراد نقش مهمی دارد. مجموعه اقدامات سازمان یافته‌ای که جامعه برای حمایت از اعضای خود هنگام تنگناهای

ص: ۹۵

اقتصادی و اجتماعی (مانند بیماری، بی کاری، حادثه ناشی از کار، پیری، از کار افتادگی و مرگ سرپرست خانوار) پیش بینی و انجام میدهد، تأمین اجتماعی نامیده میشود.(۱)

وقف، یکی از راهبردهای مترقی اسلام برای رفع نیازهای عمومی، به ویژه نیاز گروه های آسیب پذیر است. سنت وقف در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله با رهنمودهای گفتاری و رفتاری حضرت، به خوبی در رفتار مسلمانان جا باز کرده بود. ازاین رو، موارد متعددی از وقف در وصیت نامه امام علی علیه السلام دیده می شود(۲) که حضرت برای نیازمندان به جا گذاشته بود. موقوفات متعددی از سوی حضرت در دل تاریخ ثبت شده است. از سوی دیگر، از موارد مهم مصرف بیت المال، فقیران، مستمندان، بازنشستگان و ازکارافتادگان است. همین طور از موارد مصرف خمس و زکات در اسلام، ایتام و فقیران است: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِن شَیْ ءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَی وَالْیَتَامَی وَالْمَسَاکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ»؛ (انفال: ۴۱) «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاکِینِ...». (توبه: ۶۰)

پیامبر گرامی اسلام به امام علی علیه السلام فرمود: «امور طایفه دیگر از مساکین و نیازمندان را پایمال مکن و در بخشی از مال خدا و حق معینی را که خداوند از زکات برای آنان قرار داده است، بین آنها توزیع نما.»(۳) در حکومت علوی، حمایت ازکارافتادگان و بازنشستگان، اهمیت خاصی داشته است: «تیماردار یتیمان باش و غم خوار پیران و ازکارافتادگان که

۱- کورش استوار سنگری، حقوق تأمین اجتماعی، ص ۱۱.

۲- کلینی، کافی، ج ۷، ص ۲۱.

۳- حاجی نوری، مستدرک الوسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۵۸.

ص: ۹۶

بیمارند و دست سؤال پیش کسی دراز نکنند.»(۱) زمانی که حضرت در راه پیرمردی را دید که گدایی می کند، فرمود این مرد کیست؟ گفتند: مرد نصرانی است. فرمود: «در وقت توانایی او را به کار گرفتید و اینک که پیر شده و از کار افتاده، از کمک کردن به او دریغ می ورزید. خرجی او را از بیت المال مسلمین بدهید!» یا خطاب به مالک اشتر می نویسند:

خدا را! خدا را! در طبقه فرودست از مردم، آنان که چاره ندانند و از درویشان، نیازمندان و بینوایان و از بیماری بر جای ماندگانند که در این طبقه مستمندی است که خواهنده و مستحق عطای اوست که به روی خودشان نیاورند. برای خدا و حقی را که از خود به آنان اختصاص داده و نگهبانی آن را به عهده ات نهاده، پاس دار و بخشی از بیت المال خویش و بخشی از غله های زمین های خالص را در هر شهر برای آن قرار بده».(۲)

سیره امام علی علیه السلام برای دستگیری از سالمندان، بیماران و ازکارافتادگان و بی سرپرستان و تأمین حقوق آنان، بسیار راه گشا و کارآمد است. البته نباید از ساختار و قالب های امروزی و منطبق با معیارهای اسلامی غافل ماند؛ زیرا اسلام افزون بر ابتکار سازوکارهای خاص، باب شیوه های جدید را برای اجرایی شدن تأمین اجتماعی طبقات مزبور به طور کلی نبسته است. ازاین رو، با ایجاد ساختار و شیوه های متفاوت و جدید و سازگار با احکام اسلام، می توان مقررات فقهی مربوط را اجرایی کرد.

در حقوق ایران، برای حقوق تأمین اجتماعی اقدامات بسیاری انجام

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- نهج البلاغه نامه، ص ۲۸۸.

ص: ۹۷

شده است، اما هنوز کاستیهای بسیار مهمی هست که از یک طرف بسیاری از ایرانیان از این حقوق، به طور جزیی یا کلی محرومند و از طرف دیگر، غیر ایرانی های ساکن ایران، تقریباً به کلی از حقوق تأمین اجتماعی محروم هستند و این تبعیض، ناروا و توجیه ناپذیر است. در ماده ۸۸ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بند ه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف شده است در این مورد اقدام کند: «طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات سلامت شهروندان ایرانی.» بنابراین، صراحتاً غیر ایرانی ها از نظام جامع اطلاعات سلامت جامعه خارج شدهاند. در تبصره ماده یک قانون بیمه بی کاری، مصوب ۲۶/۶/۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی، اتباع خارجی صراحتاً از شمول این قانون مستثنی شدهاند. در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب ۲۱/۲/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی، بر اساس تبصره ۳ ماده یک آن، بهره مندی شهروندان خارجی مقیم ایران، منوط به رعایت شرط عمل متقابل و نیز در چارچوب مقاوله نامهها و قراردادهای بین المللی مصوب شده است.

در مجموع به نظر میرسد با وجود اینکه اصل ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی بر برخورداری همگان از تأمین اجتماعی دلالت دارد (۹)، قوانین عادی، در بهره مندی از تأمین اجتماعی بین ایرانیان و خارجیان مقیم ایران تبعیض قائل شده است.

ب) پرداخت بدهی

ب) پرداخت بدهی

در کلام معصومان علیهم السلام پرداخت دین بدهکاران، یکی از حقوق اجتماعی شهروندان است: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل می کند که همواره

ص: ۹۸

امام علی علیه السلام می فرمود: «بدهی بدهکاران از صدقه و زکات پرداخت می شود، به شرط آن که در قرض کردن زیاده روی نکرده باشند.»(۱) در جای دیگری وقتی از امام رضا علیه السلام پرسیده می شود، مردی مالی را قرض و آن را خرج اهل و عیالش کرده و راهی برای پرداخت هم ندارد. حضرت در جواب می فرماید: «وقتی این مال را در راه خدا صرف کرده باشد و خبر آن به گوش حاکم و امام برسد، بر اوست که از سهم غارمین بدهی او را ادا کند، اما اگر در راه معصیت صرف کرده، چیزی بر عهده امام نیست».(۲)

ج) افزایش رفاه

ج) افزایش رفاه

بهبود زندگی مردم و افزایش درآمدها، از وظایف مهم دولت در اسلام است. دولت اسلامی باید برای تأمین نیاز کارافتادگان و بازنشستگان بکوشد. همچنین باید تلاش کند که جامعه اسلامی از رفاه شایسته در شأن خود برخوردار گردد. امام علی علیه السلام افزایش درآمدهای مردم را حق مردم بر دولت می شمارد: «أَیهَا النَّاسُ، إِنَّ لِی عَلَیکُمْ حَقّاً، وَلَکُمْ عَلَی حَقٌّ: فَأَمَّا حَقُّکُمْ عَلَی فَالنَّصِیحَهُ لَکُمْ، وَتَوْفِیرُ فَیئِکُمْ عَلَیکُمْ؛ ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آنکه از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم».(۳)

حضرت در جای دیگری می فرماید: «باید در آبادی زمین بیش از گرفتن خراج و مالیات، اهتمام ورزی که اخذ خراج، جز با آبادانی میسر

۱- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، جزء تاسع، کتاب الزکوت و الخمس، ص ۵۶.

۲- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، جزء تاسع، کتاب الزکوت و الخمس، ص ۵۶.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

ص: ۹۹

نشود و آن که خراج طلبد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند و بندگان را هلاک سازد و کارش بسیار اندک است».(۱)

د) حمایت از خانواده

د) حمایت از خانواده

خانواده از واحدهای بنیادین جامعه اسلامی است که در اسلام با شیوه های متفاوت از آن حمایت شده است. در اسلام به خانواده های بی سرپرست و شهیدان توجه ویژه ای شده است. چنانکه امام علی علیه السلام در این باره خطاب به مالک اشتر می نویسد: «اگر یکی از سربازانت و کسانی که با دشمنان تو مبارزه می کنند، به شهادت رسید؛ مانند یک ولی دلسوز و مورد اعتماد جای او را پر کن به گونه ای که اثر فقدان او در چهره آنان مشاهده نشود».(۲)

امام علی علیه السلام تنها به گفتار بسنده نکرد، بلکه برای رسیدگی به خانواده های فقیر، به حمایت های گوناگونی پرداخت. داستان زنی که شوهر او در رکاب امام علی علیه السلام به شهادت رسیده بود و حضرت از حال آنان خبر نداشته و به محض اطلاع، شخصاً برای آنان نان و غذا تهیه کرد، در تاریخ ثبت شده است.(۳)

۴. حقوق فرهنگی

اشاره

۴. حقوق فرهنگی

حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت ها، حق دست یابی به فرهنگ و زبان اکثریت، حق داشتن سنت ها و شیوه های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین المللی، احترام به تفاوت های قومی و فرهنگی و

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۵۲.

ص: ۱۰۰

برابری در آموزش، از مهم ترین حقوق فرهنگی است.(۱) حقوقی از قبیل آموزش و پرورش، مالکیت معنوی، تلاش دولت برای حفظ و تقویت زبان و فرهنگ بومی و راه اندازی مراکز فرهنگی، از مصادیق حقوق فرهنگی شهروندان یک جامعه است. در این نوع حقوق نیز دولت تعهدات ایجابی دارد و باید هزینه هایی را برای این گونه موارد در نظر گیرد.

الف) آموزش و پرورش

الف) آموزش و پرورش

در دین اسلام بر تعلیم و تربیت تأکید شده است. عبارت های ذیل می تواند به خوبی حاکی از این امر باشد: «علم را طلب کنید، هرچند در دوردست ها باشد»، «طلب علم بر هر مسلمانی واجب است»،(۲) «علم، گم شده مؤمن است» و «علم و حکمت را فراگیرید، هرچند از اهل نفاق».(۳)

تعلیم خواندن و نوشتن برای بی سوادان، آموزش حرفه ها، آموزش قرآن کریم و احکام و آموزه های دینی، از جمله برنامه های آن حضرت برای باسواد کردن مردمان بود.(۴)

حق آموزش و پرورش جزو حقوقی است که امام علی علیه السلام برای مردم نسبت به حکومت بر می شمارد: «حق شما بر من است که... شما را آموزش دهم تا از نادانی نجات یابید و تربیت نمایم تا فرا گیرید.»(۵) یا در

۱- مریم السادات گلدوزیان، حق دارا بودن تابعیت به عنوان حق بشری و چگونگی اعمال آن در حقوق داخلی ایران، صص ۵۶ ۷۰.

۲- وسائل الشیعه، الجزء الثامن عشر، ابواب صفات قاضی، باب ۱، ح ۲۰، ص ۱۴.

۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، الجزء الثامن عشر، ص ۲۲۹.

۴- حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، ص ۵۱۴.

۵- نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

ص: ۱۰۱

جای دیگری حضرت می فرماید: «بر امام [حکومت] واجب است که حدود اسلام و ایمان را به افراد جامعه بیاموزد».(۱)

در حقوق ایران در بند سوم اصل سوم قانون اساسی «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه و تمام سطوح و تسهیل و تصمیم آموزش عالی» پیش بینی شده است.

ب) مالکیت معنوی

ب) مالکیت معنوی

از مالکیت هایی که در سده اخیر به صورت برجسته و جدی مطرح شده است، حقوق پدیدآورندگان است که شامل پدیدآورندگان کتاب و مقاله، فیلم، دیسکت و لوح فشرده، اختراع ها، ابتکارها و فرمول های آنها می شود. به موجب مالکیت مزبور، پدیدآورندگان اولیه این آثار، مالک واقعی شناخته می شوند و هرگونه چاپ و نشر و تکثیر و کپی برداری، بدون اجازه مالک اصلی و اولیه، ممنوع و غیرمجاز است.

از نظر بسیاری از فقیهان، در فقه نیز مالکیت مزبور به رسمیت شناخته شده است. شهید مطهری، حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، محمدصادق حسینی روحانی و حسین علی منتظری، همگی از موافقان مالکیت معنویند.(۲) آیت الله مکارم شیرازی، افزون بر استناد بر عقلایی بودن حقوق پدیدآورنده، تجاوز به آن را مصداق ستم می داند: «حق التألیف یک حق عقلایی است که در میان عقلای جهان به رسمیت شناخته شده است و تجاوز به آن مصداق ظلم و ممنوع می باشد و نشر

۱- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۳۱۸.

۲- آزادی در فقه و حدود آن، صص ۸۸ و ۸۹.

ص: ۱۰۲

آثار مؤلفین و شعرا، بـدون اجازه آنان جایز نیست.»(۱) دربـاره مالکیت معنوی در قانون اساسـی آمـده است: «دولت حقوق مؤلف، مخترع و کاشف را تضـمین می نمایـد و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها، تشویق و حمایت می کند و اسـتفاده مؤثر از نتایج آن را مطابق به احکام قانون تعمیم می بخشد».

ج) حق و آزادی اعمال دینی عقیدتی

ج) حق و آزادی اعمال دینی عقیدتی

از جمله حقوق فرهنگی، برخورداری از حق عمل به آموزه های دینی و عـدم ایجاد محـدودیت برای اقلیتهای دینی و داشـتن عبادت گاههای خاص خودشان است. پیامبر صـلی الله علیه و آله از همان آغاز که به مدینه هجرت کرد، یهود مدینه را در پیمان هم زیستی شرکت داد و آنـان و مسـلمانان و همه هم پیمانان را یک امت خوانـد و همان طور که مسـلمانان در مسـجد مـدینه نماز میخواندنـد، یهودیان نیز در معابـد خویش به عبادت میپرداختنـد و کسـی حق تعرض به آنها یا به معابـد آنها را نداشت. بعدها مسـیحیان نجران و برخی مناطق دیگر نیز به هم پیمانان مسلمانان افزوده شدند. زمانی که گروهی از مسیحیان نجران برای بررسی و تحقیق درباره اسلام به مـدینه آمدنـد، پیامبر، آنان را در مسـجد به حضور پـذیرفت و به آنان اجازه داد تا در همان جا عبادت کننـد و مسـیحیان به سوی مشرق ایسـتادند و عبادت خویش را به جای آوردنـد. این مفاد پـذیرش حقوق اقلیتها در عرصه مـذهبی و دینی است. تاریخ نگاران نقل کردهاند که لشکریان اسلام در جنگ ها، به معابد اهل کتاب هیچ تعرضی نداشتند.(۲) در حقوق ایران

۱- مکارم شیرازی، مجموعه استفتائات جدید، ج ۲، س ۱۶۲۴، ص۱۲۵.

۲- حقوق اقلیت ها در حکومت نبوی، صص ۱۳۲ ۱۳۳.

ص: ۱۰۳

نیز طبق اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی، مذاهب دیگر اسلامی، غیر از جعفری اثنی عشری و نیز دیگر مذاهب اهل سنت، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی و نیز ایرانیان زردتشتی، کلیمی و مسیحی در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل میکنند.

د) حفظ زبان و فرهنگ

د) حفظ زبان و فرهنگ

در فقه نیز حفظ زبان و فرهنگ های گوناگون در صورتی که مغایر با احکام و ارزش های اسلامی نباشند، منعی نسبت به آن وجود ندارد، زیرا اصل بر اباحه است؛ مگر دلیل خاص بر منع وارد شده باشد. دولت برای حفظ فرهنگ ها و هویت ها از راه حفظ زبان مادری، تعهد داشته و مکلف است برای تقویت و توسعه همه زبان های مادری برنامه ریزی و آن را اجرا کند.

۵. حقوق قضایی

۵. حقوق قضایی

بهره مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله قضایی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی، حق انتخاب وکیل، از مهمترین حقوق قضایی شهروندی است. یکی از حقوق لازم شهروندی، حقوق ناشی از عدالت قضایی است. این حقوق شامل دادخواهی، حق تساوی افراد در برابر دادگاه، حق دفاع، برخورداری از وکیل و دیگر لوازم اجرای عدالت قضایی است. در سیره نبوی، تأکید بر اجرای عدالت برای همگان، نقش برجستهای دارد.

ص: ۱۰۴

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «اِنَّما اَهلَکَ الَّذینَ مِن قَبلِکُم اَنَّهُم کانوا اِذا سَرَقَ فیهِمُ الشَّریفُ تَرَکوهُ وَ اِذا سَرَقَ فیهِمُ الضَّعیفُ اَقاموا عَلَیهِ الحَدَّ؛ هلاک پیشینیان شما از آنجا بود که دزد معتبر را رها میکردند و دزد ضعیف را مجازات میکردند».

درباره اهمیت رفع ستم میفرماید: «شش صفت را برای من تعهد کنید تا بهشت را برای شما تعهد کنم... شر ظالم را از مظلوم دفع کنید.» در باب اصل برائت گفتهاند: «أدْرؤا الحُدود بِالشُّبَهات؛ در صورت تردید، مجازات را رها کنید.» «اِذا حَکَمْتُمْ فَاعْدِلوا؛ وقتی که حکم میکنید به عدل رفتار کنید».(۱)

وقتی برای شفاعت در اجرای حد بر فردی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله مراجعه کردند، فرمود: اگر دخترم فاطمه هم دزدی کند، دستش را قطع خواهم کرد.(۲)

در حقوق ایران نیز در اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی حق مسلّم همگان است. طبق اصل ۱۵۶، قوه قضاییه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و نیز احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع قرار داده شده است. قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی در ۱۵/۲/۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. عنوان این قانون (حفظ حقوق شهروندی) کلی است، اما مواد آن برای حفظ حقوق قضایی شهروندی است و از مواد آن برمیآید که میان ایرانی و غیر ایرانی، این قانون قائل به تبعیض نشده و شامل همه است، مانند لزوم رعایت اصل برائت، حق دفاع متهم، فرصت بهره مندی از وکیل و کارشناس، اصل منع دستگیری و بازداشت افراد، منع شکنجه و عدم ایذای متهمان.

۱- نهج الفصاحه، صص ۱۴۳ ۴۲.

۲- ۲حقوق اقلیت ها در حکومت نبوی، ص ۱۲۸.

ص: ۱۰۵

۶. حقوق سیاسی

اشاره

۶. حقوق سیاسی

حقوق و آزادی های سیاسی عبارتند از: حق حاکمیت، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، رأی دادن، عضویت در احزاب سیاسی و آزادی احزاب و تصدی مشاغل سیاسی، آزادی اجتماعات تظاهرات و امثال آنها.

الف) حق حاکمیت

الف) حق حاکمیت

در نظام حقوقی و ارزشی اسلام، حق حاکمیت ذاتاً و اصالتاً از آن خداوند است و اصل اولی در روابط انسان ها بر این است که احدی بر دیگری حق حاکمیت ندارد، مگر با اذن خداوند. در اینکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله حق مالکیت الهی داشته و مأذون از جانب خداوند بوده، بین مسلمانان اجماع نظر وجود دارد، اما در فقه سیاسی اهل سنت، پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، حکومت با رأی و بیعت مردم مشروع است و در فقه سیاسی شیعه، بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حق حاکمیت از آن ائمه معصومان علیهم السلام است و در عصر غیبت حق حاکمیت از آن فقهای جامع الشرایط است، اما اینکه حق چگونه برای فقها وجود دارد، مشهور اندیشمندان و فقهای شیعه که در باب ولایت فقیه نظر داد ه اند، قائل به نصب عام فقها از سوی معصوم علیهم السلام به این سمت هستند.(۱) در مقابل آن، اقلیتی از فقها، قائل به نظریه انتخابند و مشروعیت ولایت فقیه را به انتخاب مردم منوط می دانند. نظریه دوم را شاید بتوان دیدگاه جدید دانست که از سوی تعداد اندکی از فقها ابراز شده است و سابقه زیادی ندارد.(۲) هر یک از دو نظریه، دلایل و تبیین های متفاوتی دارند، که در جای خود باید بررسی

۱- محمدمهدی آصفی، ولایت الأمر، ص۷۸؛ محمدتقی مصباح یزدی، پرسش ها و پاسخ ها، ج۱ و ۲، ص۵۰.

۲- از طرفداران این دیدگاه حسین علی منتظری در کتاب دراسات فی ولایت الفقیه و محمدمهدی آصفی در کتاب ولایت الامر می توان نام برد.

ص: ۱۰۶

شوند؛ زیرا در این بخش از نوشتار رویکرد نویسنده به دلیل پرهیز از زیاد شدن حجم تحقیق بر اختصار و فشرده نویسی است. منبع عمده در این زمینه، روایاتی است که از ائمه معصوم علیهم السلام رسیده است. به هر حال، نقش مردم بنا بر نظریه «انتصاب» در کارآمدی و عینیت حکومت فقیه تجلی می یابد و فقیه حق ندارد با زور بر مردم حکومت کند، گرچه بدون رأی مردم حق حاکمیت را دارد و در صورت عدم اقبال مردم، آن قسمت از احکام ولایی که امکان اجرا دارد، باید از آن بهره گیرد.(۱) بنا بر نظریه «انتخاب» رأی مردم، در اصل حق حاکمیت فقیه و مشروعیت آن نقش خواهد داشت و بدون رأی مردم، فقیه نقش ندارد و صرفاً در تحقق و عینیت آن نقش خواهد داشت. بنا بر هر دو نظریه، حق حاکمیت (با توجه به صفات و شرایطی که برای حاکم در فقه معیّن شده است) در فقها تجلی پیدا می کند. مردم پس از بیعت با ولی فقیه و رأی آنان به حاکمیت فقیه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، حق نقض بیعت و رأی را نداشته و به اطاعت از ولی فقیه و حکومت اسلامی ملزمند. در صورت نبود فقیه عادل، عادلی از میان مؤمنان حق حکومت خواهد داشت.

ب) آزادی بیان

ب) آزادی بیان

در قرآن کریم در این باره چنین آمده است: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.» مفاد آیه این است که بندگان خدا طالب حق و رشدند و به هر سخنی گوش می دهند، بدین امید که در آن حقی بیابند و می ترسند بر اثر گوش ندادن به آن، حق ایشان فوت شود.(۲) تفسیر نمونه

۱- پیشینه فرد، صص ۴۵۵ و ۴۵۶.

۲- ترجمه تفسیرالمیزان، ج۱۷، صص ۳۸۰ و ۴۱۳.

ص: ۱۰۷

و المیزان، اختصاص «قول» را به بعضی مصادیق آن، از قبیل قرآن و غیر قرآن و گوش دادن به قرآن یا گوش دادن به اوامر خداوند و پیروی کردن از بهترین آنها، مردود و قول را شامل هر سخن و گفتاری دانسته اند.(۱) آزادی بیان در شکل های گوناگون، دامنه و گستره ای وسیع دارد و فقط در محدوده حقوق سیاسی خلاصه نمی شود، اما مهم ترین و کاربردی ترین بخش آن، آزادی بیان در امور سیاسی است و وجه غالب آن نیز سیاسی است؛ زیرا وجود آزادی بیان در امور غیر سیاسی، اصولاً مشکل زیادی به وجود نمی آورد، اما در حکومت های اقتدارگرا و استبدادی، بیان مطالب در مقابل حکومت کار آسانی نیست و اهل قلم، بیان و مطبوعات با تنگناهایی روبه رو خواهند بود. این در حالی است که اسلام این شیوه اختناق آمیز را نمی پذیرد. چنانکه امام علی علیه السلام می فرماید: «با من سخنانی را که برای «خوش آمد» گردن کشان گفته می شود، نگویید و خشم خود را از من پنهان ننمایید و به مدارا و چاپلوسی با من آمیزش نکنید. گمان مبرید اگر درباره من حقی را بگویید، بر من دشوار آید... پس از گفتن حق و مشورت به عدل از من خودداری ننمایید».(۲)

حضرت در جایی دیگر به مالک اشتر سفارش می کند: «با تشکیل جلسات با نیازمندان، به آنان فرصت داده شود تا به دور از حضور نیروهای مسلح سخنان شان را بی هیچ لرزش و لکنتی بیان کنند. شنیدم رسول خدا بارها فرمود: که در آن با صراحت و بی لکنت حق ناتوان از زورمند بازگرفته نشود، از ستم پاک سازی نخواهد شد».(۳)

۱- ترجمه تفسیرالمیزان، ج۱۹، ص۴۱۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷.

۳- نهج البلاغه، نامه۵۳.

ص: ۱۰۸

امام علی علیه السلام نه تنها در گفتار که در رفتار و عمل نیز، به وجود آزادی بیان توجه داشتند. برای نمونه، خوارج در اظهار عقیده خود آزاد بودند، به گونه ای که در مسجد در سخنان حضرت وقفه و به اصطلاح امروز، «پارازیت» ایجاد می کردند و حتی به حضرت ناسزا می گفتند، اما حضرت معترض نمی شد و آنان را رها می کرد. به اصحاب خود نیز سفارش می فرمود که معترض آنان نشوند. شاید این مقدار آزادی برای مخالفان، در دنیا بی سابقه باشد.(۱) با وجود این، در فقه سیاسی، آزادی بیان محدودیت هایی نیز دارد. ایمان، اعتقاد دینی، اجرای احکام و قوانین الهی، حریم شخصی، غیبت، تهمت و افترا و مسخره کردن دیگران و فاش کردن اسرار مردم، از جمله محدودیت های آزادی بیان، قلم و مطبوعات است. همین طور ممنوعیت نشر و حفظ کتب، نشریات و فیلم های گمراه کننده، حقوق و مصالح جامعه، از دیگر موارد محدودیت آزادی بیان است.

ج) آزادی احزاب

ج) آزادی احزاب

در فقه سیاسی شیعه، برای به سامان رساندن مبانی فقهی آزادی احزاب سیاسی، راه های متفاوتی طی شده است که در این جا جای بررسی آنها نیست، اما در مجموع، بسیاری از اندیشمندان سنی و شیعه معتقدند حزب به مفهوم مدرن آن در چارچوب احکام اسلام می تواند آزاد باشد، اما هریک از آنها رهیافت های متفاوتی را در این زمینه اتخاذ کرده اند. برخی با طرح کارویژ ه ها و کارکردهای مثبت احزاب سیاسی، آنها را با منع فقهی مواجه ندانسته اند(۲) یا برخی با طرح عنوان امر به معروف و مقدمه واجب،

۱- مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه امام علی۷، ص ۱۴۰.

۲- سید محمد شیرازی، الفقه السیاسی، صص۳۷۳ ۳۸۴.

ص: ۱۰۹

خواسته انـد مبنای فقهی تحزب را به سامان رسانند.(۱) در یک نگرش دیگر، بـا تبیین پیش بایسته هـای تحزب در درون فرهنگ دینی، مقتضی تحزب موجود و مانع آن مفقود تلقی شده است.(۲) برخی اندیشمندان دینی، نه تنها آزادی احزاب سیاسی را مشروع دانسته اند که چون تک حزبی به استبداد می انجامد، مردود دانسته و تعدد احزاب سیاسی را برای پیشرفت سیاسی ضروری شمرده انـد. در مجموع، آزادی احزاب سیاسـی نیز ماننـد هر پدیـده مـدرن جـدا از برخی ویژگی هـای خاص غربی آن که مغایر با فرهنگ اسـلامی است بـا توجه به کارکردهـای مثبت آن مشـروع است و سـیره معصومـان علیهم السـلام در برخورد بـا مخالفان نیز می تواند دلیلی بر این مـدعا باشـد، امـا آزادی احزاب تـا جـایی مشـروع است که اهـداف و عملکرد آنهـا مغایر با ارزش های اسـلامی و نظم عمومی نباشند و بر ضد دولت مشروع و اسلامی توطئه نکنند.

با توجه به قانون و مقررات انتخابات و نیز قانون فعالیت احزاب در جمهوری اسـلامی ایران، میتوان گفت بیگانگان از حق رأی دادن یا انتخاب شدن و نیز از حق تشـکیل احزاب یا انجمنهای سیاسـی و نیز فعالیتهای سیاسـی ممنوع هستند. بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقـوق بشـر میگویـد: «هر کس حـق دارد که در اداره امـور عمـومی کشور خود، خواه مسـتقیماً و خواه بـا وسـاطت نماینـدگانی که آزادانه انتخاب شده باشـند، شـرکت جوید.» با توجه به عبارت «کشور خود» میتوان گفت، اختصاص حق فعالیتهای سیاسی به اتباع و محرومیت خارجیان از آن، در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.

۱- حسین علی منتظری، رساله استفتائات، ص۲۶۷.

۲- عبدالقیوم سجادی، مبانی تحزّب در اندیشه سیاسی اسلام، صص ۵۶ ۱۶۹.

ص: ۱۱۰

د) آزادی اجتماعات و تظاهرات

د) آزادی اجتماعات و تظاهرات

از دیگر موارد حقوق سیاسی که شهروندان یک جامعه باید از آن برخوردار باشند آزادی تجمع و تظاهرات است. آزادی اجتماعات و تظاهرات، یکی از راه های مهم بیان خواست ها و مطالبات مردمی بوده و راهکاری برای مهار استبداد و عملکردهای غیر قانونی دولت است. ازاین رو، جنبه سیاسی تظاهرات و اجتماعات، بیش از دیگر جنبه های آن قابل توجه است و از نظر سیاسی و حقوقی اهمیت زیادی دارد. در فقه سیاسی نیز آزادی اجتماع و تظاهرات تا جایی که به نظم، مصالح عمومی و امنیت مردمی خدشه وارد نسازد و اقدام مسلحانه بر ضد حکومت مشروع اسلامی نباشد، امری پذیرفته شده است. چنانکه نوع رفتار امام علی علیه السلام در برابر گروه های مختلف عصر خود، از جمله خوارج، دلیلی بر این مدعاست. تا هنگامی که خوارج به قیام مسلحانه بر ضد حکومت اسلامی دست نزده و به قتل و غارت مردم رو نیاورده و راه ها را ناامن نکرده بودند، امام معترض آنان نشد.(۱) حضرت درباره ناکثین نیز همین رویه را داشت.

در حقوق ایران بر اساس اصل بیست و ششم، «احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمیتوان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

۱- وهبه الزحیلی، حق الحریه فی العالم، ص ۱۳۰.

ص: ۱۱۱

بخش سوم: رسانه و حقوق شهروندی

اشاره

بخش سوم: رسانه و حقوق شهروندی

زیر فصل ها

ص: ۱۱۲

ص: ۱۱۳

مقدمه

مقدمه

رسانهها همچون ابزاری برای آگاهیبخشی، نظارت بر محیط و آموزش شهروندان عمل میکنند. بدین ترتیب، تصدیقکننده وظایف شهروندی همچون مشارکت، نقد و رأی دادن هستند. شهروندان آگاه میتوانند بهتر و فعالانهتر در فرآیندهای تصمیمگیری جوامع شرکت کنند.

تحولات تاریخی رسانهها، بیانگر وابستگی شدید رشد تفکر و آگاهی انسان به ابزارهای ارتباطی است. چنانکه گسترش معرفت و تفکر، سبب توانمندیهای متعددی می شود که امروزه شاهد آن هستیم. انسان ها در کسب، گسترش و انتقال معرفت از راه پیام، مدیون رسانهها بوده و هستند. هدف اساسی رسانهها در کنار دیگر پدیدههای اجتماعی، ایجاد زمینههای تسلط انسان بر سرنوشت خویش در استفاده بهینه از امکانات موجود است.

رسانهها در جامعه امروز، با توجه به تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، در افزایش آگاهیهای گوناگون و ضروری نقش زیادی را به عهده میگیرند و جامعه را در رسیدن به رشد و ترقی همه جانبه یاری

ص: ۱۱۴

میکننـد. رسانهها در زمینه توسـعه فرهنگی میتوانند عامل آمیختگی، توازن و پیوند دادن به باورهای اصـیل اعتقادی و سـنتهای بارور جامعه باشـند و باعث پویایی افکار شونـد. در دنیای امروز، سـیاست، حکومت و جوامع، بیش از گذشـته رسانهای و حیات بشـری به شکل شگفتآوری با رسانهها، عجین شده است.

گسـتره و حوزه شـمول رسانههـا هر روز فراگیرتر میشود و به شـیوهها و شـکلهای گونـاگون، در عرصه خبر و اطلاعرسـانی، ظهور و بروز داشـته و نسـبت به بازتاب رویـدادها و اخبار گوناگون اقـدام می کننـد. با توجه به پیچیدگی و گستردگی وظایف دولت ها در برابر شـهروندان و نقشـی که در حیـات سیاسـی، اجتمـاعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه دارنـد، ضـروری است که میان شـهروندان و نهادهای مدنی و کارگزاران عرصه مدیریت شهری، تعامل و همفکری بیشتری وجود داشته باشد تا از دانش، توان و تجربه گروهی، در ساماندهی و حل و فصل امور و مشکلات شهروندی استفاده شود.

عملکرد رسانهها نسبت به مسائل شـهروندی، از یک سو بازتاب دهنـده نیازها و تقاضاها و مطالبات مردم است و از دیگر سو، عامل اطلاعرسانی فعالیتهای انجام گرفته از سوی مسـئولان است که سبب آگاهی مردم از این فعالیتها و بهره مندی از خدمات ارائه شده یا مشارکت آنها میشود.

رسانههای جمعی در عصـر جدید، قدرت شگرفی را در فرآیند ساخت و بازتولید افکار عمومی و تبدیل آن به گفتمان مسلط جامعه ایفا میکنند. بر کسی پوشیده نیست که امروزه همه افراد جامعه، افزون بر زندگی عادی و روزمره خود با رسانههای جمعی سر و کار

ص: ۱۱۵

دارند. بنابراین، رسانهها میتوانند در تعامل دوسویه با شهروندان جامعه به عنوان ابزار توسعه و پیشرفت و حتی در سطح وسیعتر، رشد تفکر انتقـادی جمعی جـامعه، مؤثر و در پیشبرد و هـدایت امور سیاسـی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه، کمک حال حکومتها باشـند. از جنبه ای دیگر، اگر رسانهها آن جایگاه مطلوب خود را در خدمترسانی به شـهروندان نداشـته باشـند و ارزشهای تجاری بر نظـام رسانهـای حکمرانی کنـد، آن گـاه رسانههـا به عنوان آلتی در دست صاحبـان قـدرتهای سیاسـی و اقتصادی، برای منافع خاص خودشان درمیآیند.

رسانههـای جمعی موجود در جـامعه امروز ایران به نوعی توانسـتهاند پل ارتباطی میان شـهروندان و دولت باشـند و ما شاهـد بازتاب افکار عمومی از راه رسانههای جمعی در سطوح گوناگون تصمیمگیریهای دولتی باشیم.

در این فصـل، پس از بررسـی جایگـاه رسـانه در تفکر اسـلامی و تفکر سـکولار، به جایگاه آن در نظام جمهوری اسـلامی ایران می پردازیم و در ادامه به طور مفصل از جایگاه مخاطب، به بررسـی سواد رسانهای شـهروندان در مواجهه به حقوق شهروندی ارائه شده در رسانههـا اشـاره می کنیم؛ چراکه سواد رسانهـای به شـهروندان، فهم انتقـادی دربـاره رسانههـا می دهـد و آنهـا را به رمزگشایی، فهمیدن، برقراری ارتباط و تولید محصولات رسانهای، قادر میکند. سواد رسانهای توانایی افراد را در گفت وگوهای آگاهانه و آزاد افزایش می دهد.

در ادامه با توجه به اینکه رسانه، نقش آموزشدهنده و آگاهکننده

ص: ۱۱۶

دارد و میتواند با پرداختن و آموزش حقوق شهروندی، گروههای به حاشیه رانده شده را توانمند سازد و بیشتر شهروندان را به مشارکت در زندگی عمومی تشویق کند، به نقش رسانه در آموزش حقوق شهروندی خواهیم پرداخت.

ص: ۱۱۷

فصل اول: رسانه در تفکر اسلامی و سکولاریستی

اشاره

فصل اول: رسانه در تفکر اسلامی و سکولاریستی

زیر فصل ها

۱. جایگاه رسانه در تفکر سکولار و اسلامی

۲. چالش های تفکر سکولار و دینی در رسانه های ایران

۳. رسانه در ایران

۴. رسانه و تغییر سبک زندگی

۱. جایگاه رسانه در تفکر سکولار و اسلامی

اشاره

۱. جایگاه رسانه در تفکر سکولار و اسلامی

به طور کلی، هر رسانهای برای تحقق اهداف جامعه خویش، که از راه پیام رسانی جذاب و اثرگذاری بر مخاطبان، جامه عمل میپوشد، شیوه معیّنی را برمی گزیند. در دنیای معاصر، سازمانها و بنگاههای بزرگ رسانهای در پس فعالیتهای خود اساسنامهها، هدف ها، سیاستها، استراتژیها و ضوابط خاصی دارند که به فعالیتهای گوناگون آنان جهت میبخشد، گرچه استراتژیهای مشخص، مبتنی بر شناخت اوضاع محیط و قدرتها و ضعف های سازمان، تکمیل میشوند، این استراتژی های رسانهای، در کلیترین سطح سازمان و در شکل عام خود، یعنی فارغ از وضعیت زمانی و محیطی خاص از نظر تأثیر دو بینش و مکتب کاملاً متفاوت (بینش دینی و سکولار) قابل مقایسهاند.

در وصف وضعیت کنونی جهان، میتوان گفت که دنیا عرصه رویارویی میان تفکر اسلامی، از یک سو (که در انقلاب اسلامی ایران بیشترین تجسم را یافته) و تفکر سکولار، از سوی دیگر (با محوریت

ص: ۱۱۸

استکبار جهانی) است. یکی از قلمروهای بسیار مهم و بلکه مهمترین قلمرو این ستیز در دوره کنونی، همانا عرصه جنگ رسانهای است و تلویزیون، رادیو و شبکههای تعاملی، به عنوان صورت مهم رسانه دیداری شنیداری روزگار ما، به ویژه در وضعیت خاص فرهنگی و سیاسی ایران، بایـد فعالانه در این جنگ رسانه ای، به نفع آرمانهای انقلاب اسلامی و جنبش جهانی ضـد استکباری (به ویژه ضد اغراض سلطهگرانه امریکا) در پرتوی آموزه های اسلامی عمل کند.

برای تحقق این امر مهم باید در گام نخست، در قلمروهای نظری و زمینههای عینی و عملی و برای بهره مندی از این رسانه در مسیر پیشبرد هـدف هـا و آرمانهـای اسـلام و انقلاب اسـلامی و مقابله علیه تهاجم فراگیر اسـتکباری، صورتها و فرمولهای اجرایی و عملی مشخص، طراحی، تنظیم، تدوین و اجرا شود.

روشن است بـا توجه به تضـاد بین آرمانهـای انقلاب اسـلامی و نظـام سـلطه جهـانی، بایـد تئوری اداره رسانه در انقلاب اسـلامی از کپیبرداری و اتکا بر مبانی فرضیات رایج، مبرا باشد و مبتنی بر شریعت مقدس اسلام و جایگاه رسانه در جمهوری اسلامی، طراحی و ارائه شود.

الف) رسانه در تفکر سکولار

الف) رسانه در تفکر سکولار

رویکرد کلی رسانه به جذب مخاطبان از راه پاسخگویی امیال و لذت بخشی به آنان از هر طریق ممکن، رویکردی است که بیشتر با شعـار مخـاطبمحوری (مشتری مـداری) و در حقیقت، در جهت تـأمین اهـداف و منـافع صاحبان و گردانـنـدگان به دست بسـیاری از رسانهها، اعمال میشود و در بینشی سکولار و دنیاگرایانه ریشه دارد؛ چراکه در این بینش

ص: ۱۱۹

(سکولار) ارزش اصلی و یگانه، بهرهمندی یا لذت است و چنانچه دین و خداپرستی را از نظام ارزشی حذف کنیم، چیزی برتر از لذت نمیماند. در این استراتژی بسیار عام، لذت بردن مخاطبان از دیدنیها و شنیدنیها، مقصود اصلی مخاطبان فرض میشود و رسانه در پی ایجاد جذابیتها، پاسخگویی به امیال یا تحریک آنهاست. به همین دلیل، بهرهگیری هرچه بیشتر از انواع جذابیتهای مادی، مانند سکس آشکار و پنهان، خشونت و ترس، به گونهای روزافزون اعمال میشود و این حقیقت را آشکار میسازد که این رسانهها بنا بر اصل، نه تنها مسئولیت و رسالتی در برابر تعالی و کمال مخاطبان برای خود قائل نیستند، که درباره گسترش ناهنجاریهای اخلاقی و اجتماعی نیز دغدغهای ندارند.

البته پاسخگویی به تمایلات مخاطبان، سرگرمسازی یا تحریک هوسها و امیال در آنها، نه به انگیزه لطف یا خدمت، بلکه تنها وسیلهای برای تأمین منافع گردانندگان آنهاست که باید در دیدگاه سکولار به جز منافع خود به چیز دیگری نیندیشید.

این گونه رسانهها ناچارند برای حفظ یا جذب مخاطبان، بیشتر جذابیت های غلیظتری را طرح کنند و مرزهای جدیدی را درنوردند و برخی هنجارها و ساختارهای پیشین را زیر پا گذارند. نتیجه طبیعی این مرزشکنی های مداوم، ابتذال اخلاقی، فساد و گسترش جرائم و تخریب اصالت فرهنگی است.

ب) رسانه در تفکر دینی

ب) رسانه در تفکر دینی

رسانه در جوامع اسلامی و به ویژه جمهوری اسلامی، مفهومی فراتر از ابزاری ارتباطی دارد. کارکرد رسانهها در این گونه جوامع، به دلیل

ص: ۱۲۰

ارزش ها و هنجارهای دینی حاکم، از یک سو، و نوع ارتباط آنها با منابع پیام و حتی نوع پیامی که منتقل میکنند، از سوی دیگر، با دیگر جوامع متفاوت است. به عبارت دقیقتر، مفهوم رسانه در جوامع اسلامی با دیگر جوامع که البته منظور ما جوامع غربی است تفاوت و تشابه دارد. تفاوت مفهوم آنها به این دلیل است که جوامع اسلامی، رسانههایی مانند مسجد، حسینیه و تعزیه در اختیار دارند که دقیقاً در جوامع دیگر به همان شکل و شمایل وجود ندارد. تشابه آنها نیز ازاین روست که رسانههای جدید ارتباطی، مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره، موبایل و اینترنت، امروزه در همه جوامع وجود دارند.

در جوامع اسلامی نیز رسانههای مرتبط با مسائل دینی، اهمیت و احترام خاصی دارند و کارکرد آنها فراتر از رسانههایی است که مشروعیتشان، خاستگاه دینی ندارد. بنابراین، هنگامی که رادیو یا شبکه ای تلویزیونی، برنامهای با محوریت دین پخش میکند، قطعاً نزد مخاطبان اهمیت بیشتری می یابد.

رسانه در جامعه ای دینمحور مانند جامعه اسلامی، میتواند بهترین فن آوری و ابزار ارتباطی برای فریضه امر به معروف و نهی از منکر باشد؛ زیرا با بهره مندی از قابلیتهای خود این امکان را دارد، معروف را طراحی کند، به تصویر بکشد، معرفی کند و حتی امر به آن را نیز انجام دهد؛ یعنی هر دو نقش ساخته شدن و مشهور شدن، و همچنین نقش اعمال کنترل غیررسمی را در کنار هم ایفا کند. گذشته از این، رسانه دینی در آگاهیبخشی و دانش آموزی، باید ضوابط دینی و اخلاقی میان خود و مخاطب را رعایت کند. با توجه به این مباحث میتوان گفت، رسانههای اسلامی در مقایسه با دیگر رسانهها،

ص: ۱۲۱

کارکردهای مشابه، با مبنایی متفاوت که همان آموزه اسلام است دارند. بدین معنا که در رسانههای اسلامی، مبنای همه کارکردها آموزههای دینی است و اگر دین را به معنای راه و رسم زندگی بدانیم، هیچ امری خارج از دین معنا ندارد. در این معنای اعم، اگر علوم اسلامی را به معنای علوم مورد نیاز جامعه اسلامی بدانیم، آن گاه نشریههای هنری و ورزشی را نیز میتوانیم در معنای عام علوم دینی، جای دهیم و بگوییم در کشوری اسلامی، هدفها و برنامهها باید حول محور دین به معنای عام آن شکل بگیرد. از سویی، دین معنای خاصی نیز دارد؛ مانند مناسک، احکام، معارف و اخلاق دینی. رسانه در این بخش هم میتواند با پژوهش ها، اولویتبندیها و سیاستگذاریهای مناسب، پاسخگوی نیازها و سلیقههای گوناگون مخاطبان خود باشد. برای نمونه، اگر در جامعهای، تقاضای آشنایی عمیقتر با آموزه های دینی وجود داشته باشد، رسانه باید به آن بپردازد؛ چه در قالب شبکه اختصاصی دینی، چه در قالب برنامههای متفاوت در شبکه های عمومی.

بدین صورت، به نیازهای تخصصی مخاطبان و نیازهای عمومی آنها در قالب شادی، غم، داستان، سریال و نظایر آن، پاسخ داده می شود.

۲. چالش های تفکر سکولار و دینی در رسانه های ایران

۲. چالش های تفکر سکولار و دینی در رسانه های ایران

مطالعه تاریخ معاصر نشان می دهد که همواره در ایران، علما در مقام متولیان دین و جامعه مسلمانان و شاه در مقام متولی حکومت و دولت، دو جریان قدرتمند بودند. علما با توجه به دیدگاههای تشیع

ص: ۱۲۲

که دین را از سیاست و حکومت جدا نمیداند، همواره نسبت به حکومت و دولت از خود حساسیت و واکنش نشان میدادهاند. در دورههایی مانند حکومت صفویه، با توجه به باورهای خاص شیعی شاهان، عالمان توانستند به بدنه حکومت وارد شوند که این مهم به صورت محدودتری در دوره قاجار ادامه یافت. در این دوران، شاهان با تکیه بر عوامل مذهبی می کوشیدند مشروعیت خود را از این راه اثبات کنند.

در حالی که رهبران دینی، سلطه خود را بر ارتباطات اجتماعی از خلال نفوذ در نهادهای آموزشی (مدارس علمیه)، مساجد، بازار و دیگر جمعیتها حفظ میکردند. این موضوع با بحران مشروعیت سلسله قاجار تشدید شد و عالمان به طور جدی درصدد برآمدند مستقل از حکومت، شبکههای ارتباطی خود را تقویت کنند. ظهور رسانههای نو، این تفاوتها را میان حکومت و جامعه شفافتر ساخت. پیدایش رسانههای چاپی در دهه نخست قرن نوزدهم، با سلطه حکومتی قرین شد و حکومت قاجار، به ویژه در دوره ناصرالدین شاه کوشید تا با اعمال انحصار، کنترل و سانسور در این رسانهها، از آنها به عنوان ابزار ارتباطی خود بهره گیرد. ظهور تلگراف در آغاز دهه ۱۸۶۰ در ایران سبب تحولات بسیاری شد. این شبکه ارتباطی که برای تحقق اهداف امپریالیستی بریتانیا در ایران توسعه یافت، توانست ایران را به دیگر کشورها متصل کند و امکان بهره گیری از اطلاعات و اخبار دیگر کشورها را در کوتاه ترین زمان فراهم آورد. این رسانه در بعد داخلی نیز به تقویت حکومت مرکزی کمک های شایانی کرد. به این ترتیب در پایان قرن نوزدهم، دو رسانه

ص: ۱۲۳

مهم جدید ارتباطی، یعنی مطبوعات و تلگراف در اختیار حکومت قرار داشتند و وابستگی آن به خارج نیز امکان بهره‌گیری بیگانگان از این کانالهای ارتباطی را فراهم ساخت.

روی کار آمدن حکومت پهلوی در سال ۱۹۲۵، روند سکولاریسم در ایران و جدایی حکومت از جامعه و مهجور ساختن علما را روزافزون ساخت. رضا شاه کوشید نظام مدرن دولت ملت را در ایران پایه گذاری کند و از فن آوری های نوین ارتباطی همچون رادیو به نفع دولت و برای مقاصد خود بهره برداری کند.

این سیاستها در دوره محمدرضا شاه نیز ادامه یافت و تقویت شد، اما حرکتهای ضد حکومتی از سوی رهبران دین، همچون آیت الله کاشانی و امام خمینی (سال ۱۳۴۲) با بهره‌گیری از کانالهای سنتی نشان داد که دولت با وجود چیرگی کامل بر رسانههای مدرن در دست یابی به اهداف خود ناموفق مانده است.

بر پایه آنچه بیان شد، میتوان سه عنصر اثرگذار بر فرآیند ارتباطات و حکومت در ایران پیش از انقلاب اسلامی را تشخیص داد: نخست، مفهوم سکولار دولت ملت در ایران بود که به واسطه تعارض با ایده های اسلام، هیچگاه به طور کامل پذیرفته نشد. دوم، مداخله نظام مند قدرتهای بیگانه در امور مربوط به دولت و ارتباطات بود که موجب فرسایش مشروعیت دولت ها و مانع استقرار حکومت دینی سیاسی، به عنوان الگویی برای جامعه اسلامی شد. سوم، به حضور دو جریان متعارض و رقیب ارتباطی مربوط میشود که یکی به وسیله دولت هدایت می شد و دیگری در سنت سیاسی مذهبی ایران ریشه داشت. جریان نخست را باید در مسیر نوگرایی دولتی تعریف کرد که

ص: ۱۲۴

مجموعه‌ای از تلاشها همچون توسعه نظام مدیریتی، نظام دانشگاهی، ارتش، ارتباطات را دور و وسایل ارتباط جمعی را دربرمی گرفت، در حالی که عالمان و رهبران مردمی جامعه سلطه خود را بر نظام های پیچیده، گسترده و عالی فرهنگ و ارتباطی حفظ کردند، دولت با برخورداری از شبکههای جدید ارتباطی نتوانست در جریان تحولات روزافزون جامعه و توسعه نظامهای ارتباطی به اهداف غیر دینی خود دست یابد.

پس از انقلاب اسلامی ایران، تلاشهای بدیعی صورت پذیرفت تا الگوی جدیدی از حکومت و ارتباطات عمومی ارائه شود. امام خمینی رحمه الله با عنایت به اینکه تعارض با اسلام به عنوان فرهنگ مردم ایران، سبب سرنگونی رژیم گذشته شد، اسلام را به عنوان محور همه قوانین و نظام اجتماعی تعیین کرد. او بر نقش ارتباطات بر اساس اصول اسلامی تأکید داشت. در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز ابزارهای قانونی الگوی جدید پیشبینی شد و رادیو و تلویزیون به عنوان ابزارهای تبلیغ اسلامی و انتقال ارزشهای فرهنگی، دارای وظایف جدیدی شدند. در طول دهه گذشته، بسیاری از رهبران انقلاب که در فرآیند ارتباطات سنتی تعلیم و تخصص یافته بودند، با وسایل ارتباط جمعی، همکاریهای نزدیکی را آغاز کردند و آنها را در فرآیندی همگرا با کانالهای ارتباطی سنتی، همانند مساجد و نماز جمعه تقویت و تحکیم کردند.

به طور اجمالی، فرآیند رسانهای جمهوری اسلامی ایران را میتوان در محورهای زیر خلاصه کرد: اسلامی کردن رسانههای مدرن، پیوند رسانهها با کانالهای ارتباط سنتی، ایجاد نظامی دولتی مردمی در زمینه

ص: ۱۲۵

وسایل ارتباط جمعی و همراهی آن با اصول اخلاقی اسلامی، رسیدن به خودکفایی در عصر جهانی شدن.(۱)

۳. رسانه در ایران

اشاره

۳. رسانه در ایران

زیر فصل ها

الف) شاخصه های رسانه دینی در جمهوری اسلامی ایران

الف) شاخصه های رسانه دینی در جمهوری اسلامی ایران(۲)

همان گونه که در بخش پیشین بحث شد، رسانههای دین محور تفاوت های عمدهای با رسانههای سکولار دارند. رسانههای دین محور شاخصهایی دارند که به این قرار است:

۱. فراتر از ابزاری ارتباطی، با توجه به منبع پیام و نوع پیام (اسلام)؛

۲. مشروعیت به واسطه خاستگاه دینی؛

۳. بهترین ابزار برای:

امر به معروف و نهی از منکر

انتقال ارزشهای دینی از نسلی به نسل دیگر

تقویت وحدت ملی و دینی؛

۴. اخلاقی بودن؛

۵. رعایت ضوابط دینی و اخلاقی در آموزش، اطلاع رسانی و پرکردن اوقات فراغت.

در نتیجهگیری کلی بایـد گفت ضـرورت دارد دین را به زبـان رسـانه و ابزار رسـانه برای مخاطبان نقل کرد و لزوم تبیین این مسـئله، بسیار مهم است. همچنین نباید فراموش کرد به دلیل فطری بودن اصل دین، هیچ

۱- حمید مولانا، گذر از نوگرایی، ترجمه: یونس شکرخواه، صص ۱۵۵ و ۱۵۶.

۲- علی دارابی، رسانه ملی و بایستههای دینی، مجموعه مقالات دومین همایش دین و رسانه، ص۱۶۶.

مفهوم والای انسانی، خارج از دایره دین قرار نمیگیرد. بنابراین، آنچه حول ارزش های انسانی از رسانه پخش میشود، دینی است و با این نگاه، جداسازی برنامه دینی از غیردینی معنا ندارد.

ب) مقتضیات زندگی در یک نظام اسلامی

ب) مقتضیات زندگی در یک نظام اسلامی(۱)

یکی دیگر از حوزههایی که رسانه ملی در برنامههای خود باید به آن توجه کند، مقتضیات حضور در نظامی اسلامی است. مطابق با اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به:

خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛

وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛

عدل خدا در آفرینش و تشریع؛

امامت و رهبری مستمر، و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی؛

کرامت و ارزش والای انسان و آزادی آمیخته با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه

۱. اجتهاد مستمر فقهای جامعالشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومان علیهم السلام ،

۲. استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

۳. نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطهپذیری،

۱- علی دارابی، رسانه ملی و بایستههای دینی، مجموعه مقالات دومین همایش دین و رسانه، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

ص: ۱۲۷

قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین میکند.

ج) رسانه از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ج) رسانه از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

رسانهها بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، باید در انجام دادن وظایف تخصصی خویش، به رسالتهای دینی، اخلاقی و انقلابی شان پای بند باشند. در مقدمه قانون اساسی که در حقیقت عهدهدار بیان پایههای فکری آن است به عنوان «وسایل ارتباط جمعی» آمده است: «وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون) باید در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی، در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشههای متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلتهای تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند».

در ادامه همین بخش از مقدمه قانون اساسی، مبنای فکری پذیرش چنین تکلیفی برای رسانهها، این گونه توجیه شده است: «پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابنای بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را میگشاید، بر عهده همگان است».

ذکر «رادیو تلویزیون» در پرانتز و پس از «وسایل ارتباط جمعی» را با توجه به مشروح مذاکرات مجلس در بررسی نهایی قانون اساسی درباره اصل ۱۷۵، متن این اصل و اصلاحی که در بازنگری سال ۱۳۶۸ صورت گرفت، باید به معنای تأکید بر اهمیت و کارآیی خاص صدا و سیما از نظر نویسندگان قانون اساسی دانست. به بیان دیگر، سیاق مقدمه قانون اساسی، بیان خاص بعد از عام است، نه تخصیص

ص: ۱۲۸

و محدود کردن مقصود از وسایل ارتباط جمعی در «رادیو تلویزیون».(۱)

به همین دلیل، در اصول مربوط قانون اساسی، رسالت گرا بودن رسانهها، هم از جنبه اثبات و هم از جنبه نفی، برای همه انواع وسایل ارتباط جمعی مطرح شده است، نه فقط صدا و سیما.

از نظر ایجابی، بند دوم اصل ۳، «بالا ـ بردن سطح آگاهیهای عمومی در همه زمینهها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانههای گروهی و وسایل دیگر» را از جمله وظایفی معرفی میکند که «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است... همه امکانات خود را» برای نیل به آن، به کار گیرد.(۲)

از نظر سلبی نیز، به طور روشنتر، قانون اساسی، در اصل یکصد و هفتاد و پنجم «صدا و سیما» را به رعایت موازین اسلامی مکلف و تأکید میکند، آزادی رسانهها تا جایی پذیرفته میشود که در چارچوب قابل قبول شرعی باشد.

بر اساس این اصل، «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار، با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور، باید تأمین گردد».

برای اجرای همین اصل، قوانین رسانهای، به تشریح و تفصیل رسالتهای عقیدتی و اخلاقی نیز همت گماردهاند.

۱- برای توضیح بیشتر در این زمینه، نک: محسن اسماعیلی، «تعامل دین و رسانه از دیدگاه حقوق»، فصل نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق۷، بهار ۱۳۸۳، ش ۲۱.

۲- برای توضیح بیشتر در این زمینه، نک: محسن اسماعیلی، «تعامل دین و رسانه از دیدگاه حقوق»، فصل نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق۷، بهار ۱۳۸۳، ش ۲۱.

ص: ۱۲۹

د) قانون اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

د) قانون اداره صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ماده ۹ قانون «اساسنامه سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۲۷/۷/۱۳۶۲ تأکید میکند:(۱) «هدف اصلی سازمان به عنوان یک دانشگاه عمومی نشر فرهنگ اسلامی، ایجاد محیط مناسب برای تزکیه و تعلیم انسان و رشد فضایل اخلاقی و شتاب بخشیدن به حرکت تکاملی انقلاب اسلامی در سراسر جهان میباشد. این هدفها در چارچوب برنامه های ارشادی، آموزشی، خبری، و تفریحی تأمین میگردد. مشروح هدفها و برنامههای سازمان در زمینههای گوناگون، در قانون خطمشی و اصول برنامه های سازمان، مصوب مجلس شورای اسلامی، ذکر شده است».

«صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران باید از طریق دادن آگاهیهای مکتبی، سیاسی و اجتماعی و ایجاد احساس مسئولیت در مردم و افشای توطئهها و نقشههای دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، برای حفظ و تداوم انقلاب تلاش کند و زمینه را برای رشد و شکوفایی استعدادها و باروری خلاقیتهای انسان، تا مرز خلیفهاللهی آماده سازد. رسالت ارشادی و پیامبرگونه این رسانه عمومی، حضور فعال در کلیه جریانات اجتماعی و ایجاد روحیه امید و اعتماد در جامعه است. همچنان که باید واقعیتهای تلخ و خطرهایی که امت را تهدید میکند، پیشگویی کند، به موقع هشدار دهد، مردم را به سوی خیر و کمال مطلق فراخواند و در تنگناها و دشواری ها، راه گشای روشنیبخش باشد. بدیهی است، صدا و سیما هرگز نباید خود را مرجع حل مشکلات بداند، بلکه باید تنها با

۱- رسانه ملی و بایستههای دینی، صص ۱۷۴ و ۱۷۵.

ص: ۱۳۰

ایفای نقش ارشادی و آگاهی دهنـده، زمینهساز حرکتی انقلابی در متن جامعه اسـلامی باشـد. در این راه باید رویدادها را آن گونه که هست، به اطلاع مردم برسانـد و با بهرهگیری از نوآوری های هنری و اندیشـههای پربار، به آموزش فرهنگی، سیاسـی، اجتماعی، علمی، فنی و هنری و افزایش سـطح آگـاهی و دانش جـامعه بپردازد. همچنین بـا ارائه انـدیشه و فرهنـگ اسـلامی در سـطح جهانی، صدور انقلاب را عینیت بخشد.

رسـالت دیگر رسانه ملی، پاسـخگویی به نیازهای تفریحی جامعه و بارور ساختن اوقات فراغت عمومی از راه اجرای برنامههای سالم تفریحی است تا در سایه شادابی تن و روان، سلامت و آرامش فکری جامعه تأمین شود».

۴. رسانه و تغییر سبک زندگی

۴. رسانه و تغییر سبک زندگی

در دنیـای امروز، حضور رسانه در زنـدگی مردم اتفاقی بسـیار عادی است. فرآینـد عادی شـدن رسانهها به این معناست که مردم در زنـدگی روزمره، وجود این پدیـده را ضـروری و طبیعی فرض میکننـد و اکنون رسانهها بخشـی از محیط و زندگی روزمره شدهاند. امروزه مردم وقت زیادی از زنـدگی روزمره خود را صـرف بهره منـدی از رسانههای جمعی گوناگون میکنند. رسانهها از این راه به زندگی روزمره ما شکل می دهند.

وسایل ارتباط جمعی میتوانند در عرصـههای فرهنگی، نقش و کارکردهای اثرگذاری داشـته باشـند، از فرهنگسازی گرفته تا ترویج، تقویت و نهـادینه سـازی آموزههـا، باورها و رفتارهای خاص و مطلوب در جامعه. در میان وسایل ارتباط جمعی تلویزیون، اینترنت و سینما،

ص: ۱۳۱

ظرفیت و توان فوق العاده‌ای در تولید و مصرف الگوهای فرهنگی دارند و می توانند مخاطبان خود را از راه تولید و نشر برنامه‌های خاص، در حرکتهای فرهنگی جامعه، به راحتی جهتدهی کنند. ترویج انواع سبکهای زندگی، مدهای لباس، چگونگی تعامل و رفتار متقابل شهروندان، طرز حرکات و حرف زدن، شیوه مصرف و زندگی کردن، خودباوریهای فردی و اجتماعی، تقویت روحیه هم بستگی و اتحاد، تشویق شهروندان به تطبیق و رعایت مقررات جامعه، تلاش برای بارور ساختن فرهنگ بومی و خرده فرهنگهای موجود در جامعه، مواردی هستند که در عمل آثار آن از راه این وسایل، تجربه و درک شده است.

به اندازه ای جایگاه رسانههای ارتباط جمعی در فرهنگسازی و تغییر سبک زندگی برجسته است که این امر به یکی از دغدغههای اصلی سیاست مداران و سیاستگذاران فرهنگی کشورهای مختلف تبدیل شده است. سرازیر شدن انبوه محصولات فرهنگی کشورهای شمال به دیگر کشورها و از بین بردن فرهنگ بومی و محلی، امری است که در جریان است و این چالش به یکی از نگرانیهای جهانی تبدیل شده است. نگرانی و ناخرسندی از فرآیند همسانسازی جهانی و پی آمدهای فرهنگی و سیاسی ارتباطات بینالمللی، روز به روز عمیقتر میشود. در کشورهایی که ارزش های غربی مهاجمان ناخوانده و ناپسند تلقی میشوند، نخبگان حکومتی و متولیان فرهنگ ملی در این اندیشه اند که چگونه میتوانند مرزهای سرزمین (فرهنگی) را تسخیرناپذیرتر سازند. تنها حکومتها نیستند که از پی آمدهای جهانی شدن میهراسند، بلکه شهروندان عادی نیز ممکن است خودشان را

ص: ۱۳۲

قربانی آن چیزی احساس کنند که منتقدان جهانی شدن، امپریالیسم فرهنگی یا امریکایی شدن مینامند.

برای بیشتر مردم، اقتباس از یک شیوه زندگی خاص با عناصر رسانهای و دیگر کالاهای نمادین آن، بخشی طبیعی در مسیر رشد و شکل دادن به علایق، سلایق و رفتارهاست. همین فرآیند در سطح جمعی نیز عمل میکند. مفهوم شیوه زندگی به فهمیدن راههای بسیار متفاوتی کمک میکند که از راه آنها رسانهها به گونه ای معنادار با تجربه های اجتماعی و فرهنگی مرتبط می شوند.(۱) مفهوم شیوه زندگی، غالباً برای توصیف و طبقهبندی الگوهای گوناگون، استفاده از رسانهها به عنوان بخشی از منظومه رفتارها و گرایش های متفاوت به کار برده شده است.(۲) در دوره کنونی، شمار رسانهها و تنوع خروجی آنها بسیار افزایش یافته است. این بدان معناست که امکان بهره مندی از رسانهها به روشهای خاص و فردی بیش از پیش شده است. هرکس بر اساس سلیقه خود برنامه ای از رسانهها را انتخاب میکند. این مورد احتمالاً ـ به صورت بخشی از فرآیند «فردی شدن» تفسیر می شود که مردم در آن به طور روزافزونی آن نوع زندگی را انتخاب میکنند که خود صرف نظر از سنت میخواهند. بنابراین، رسانههای جمعی به مثابه عاملان جامعهپذیری و انتقال دهندگان ارزشها و هنجارها و نگرشها نقش مهمی را ایفا میکنند.

دگرگونیهای مهم چند دهه اخیر، که از خصوصیسازی و آزادسازی ارتباطات دور و ارتباطات رادیویی و تلویزیونی و پیشرفت

۱- دنیس مک کویل، مخاطب شناسی، ترجمه: مهدی منتظر قائم، ص ۱۳۹.

۲- دنیس مک کویل، مخاطب شناسی، ترجمه: مهدی منتظر قائم، ص ۱۳۷.

ص: ۱۳۳

و گسترش فن آوری های جدید اطلاعات و ارتباطات سرچشمه گرفته است، تعدد و تنوع بسیار گسترده و روزافزون امکانات و تجهیزات، استفاده از انواع برنامه های تلویزیونی و به ویژه فیلمهای سینمایی و سریالهای سرگرم کننده و برنامههای موسیقی پخششده از طریق ماهوارهها و نوارها و لوح های ویدئویی و اینترنتی است، به گونه ای که بر اثر گوناگونی و فراوانی فرآورده های فرهنگی و ارتباطی جدید، نیازهای مخاطبان در سطح داخلی کشورها و همچنین در سطح جهانی، پیوسته در حال افزایش و گسترش است و این نیازهای فزاینده، شرکتهای بزرگ فراملی را تشویق کرده است تا برای دست یابی به بازارهای گسترده و مخاطبان تازه، به نوعی جهانیسازی فرهنگی بپردازند.

این وضعیت جدید جهانی، برای فراگیری «فرهنگ عامه» غربی در سراسر جهان، زمینه بسیار مناسبی پدید آورده است. چنانکه در سال های اخیر، فرآوردههای فرهنگی امریکا، دومین مجموعه صادرات این کشور، پس از فن آوریهای هواپیمایی را تشکیل داده است و حتی برخی پژوهش گران معتقدند، «... رؤیاهای امریکایی منعکس شده در فیلمهای سینمایی و سریال های آن، در میان صادرات کمّی ایالات متحده، مقام اول را دارا هستند.» برای شناخت اهمیت جایگاه خاص محصولات فرهنگی در اقتصاد امریکا، به نمایش درآمدن سریالهای امریکایی در ۱۱۴ کشور در سال ۱۹۹۷، نمونه جالبی است. به همین دلیل، تحت تأثیر گسترش جهانی فرهنگ پرجاذبه امریکا، عنوانهای سه گانه «سرزمین فیلم»، «سرزمین تلویزیون و ویدئو» و «سرزمین موسیقی»، به ایالات متحده امریکا داده شده است.

ص: ۱۳۴

ص: ۱۳۵

فصل دوم: شهروند و سواد رسانه ای

اشاره

فصل دوم: شهروند و سواد رسانه ای

زیر فصل ها

مقدمه

مقدمه

در عصر حاضر، شاهد فراگیری و بمباران اطلاعاتی رسانههای گوناگون در جهان هستیم. مردمان ساکن دنیای جدید در دهههای اخیر با پدیده فراگیر شدن رسانههای جمعی و پیشرفت فن آوری جدید ارتباطی در جامعه مواجه شدند؛ پدیدهای که توانسته بخشی از زندگی روزانه آنها را دربر بگیرد و مهم ترین کانال ارتباطی آنها با جهان پیرامون باشد و به همه حوزههای خصوصی و عمومی زندگی آنها، اعم از اخلاقی، دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی نفوذ کند.

اهمیت روزافزون رسانهها در زندگی مدرن، نهادهای سیاستگذاری در کشورهای گوناگون دنیا را بر آن داشته است تا با تدابیر مناسب، شهروندان خود را در برابر تأثیرات ویرانگر پیامهای رسانهای، هرچه بیشتر در امان نگه دارند. توجه به سواد رسانهای از مهمترین راه کارهای موجود است. با وجود توجه چشمگیر کشورهای گوناگون به موضوع سواد رسانهای، مسئولان و تصمیمگیران در ایران از آن غافل ماندهاند.

ص: ۱۳۶

اصطلاح «سواد رسانهای» برای افراد گوناگون معانی متفاوتی دارد. به طور سنتی، سواد رسانهای به توانایی تحلیل و ارزیابی آثار مربوط و به طور گستردهتر، به ایجاد ارتباط مؤثر از راه نگارش خوب گفته میشود. در نیم قرن گذشته، سواد رسانهای شامل توانایی تحلیل شایسته و به کارگیری ماهرانه روزنامهنگاری چاپی، محصولات سینمایی، برنامههای رادیویی و تلویزیونی و حتی اطلاعات و مبادلات رایانهای (از جمله تعاملات زمان واقعی از طریق شبکه جهانی اینترنت) شده است.

به نظر میرسد، آموزش سواد رسانهای به شهروندان، یعنی آشنا کردن و آموزش دادن آنها با رویکردهای انتقادی در مطالعات ارتباطی و رسانه ای، برای درک و فهم ژرف ساختها و گذر از سطح به عمق است. این آموزش به توانمند شدن آنها برای قرائت و رمزگشایی متضاد و مقاومتآمیز متون رسانهای میانجامد که البته این رمزگشایی مقاومت آمیز یا به عبارتی، تعبیر و تفسیر جای گزین و بدیل از محتوای رسانهای، در گروی دسترسی مخاطبان به گفتمانهای متضاد و داشتن موضع و جایگاهی متفاوت در جامعه است. بر این اساس، سواد رسانهای نظام تفسیری و مرجع، متأثر از داوریهای ذهنی و اخلاقی است که مواجهه فرد را با پیامهای رسانهای شکل میدهد.

۱. شهروندی و هدف سواد رسانه ای

۱. شهروندی و هدف سواد رسانه ای

در واقع، هدف سواد رسانهای این است که به مردم کمک کند تا به جای آنکه مصرفکنندگانی فرهیخته باشند، شهروندانی فرهیخته شوند. بنابراین، به دنبال راهی برای گسترش مردمسالاری در جامعهای است که مفهوم مردم سالاری در آن جامعه به طور مبسوط، تعریف و نوشته شده

ص: ۱۳۷

باشـد. به طـور خلاـصه، سـواد رسانهـای چیزی بیش از تجزیه و تحلیـل پیـام هـاست. سواد رسانهـای؛ یعنی شـناخت و درک چرایی پیامهـای خـاص و بایـد برای درک اهمیت رسانههـای کنونی، فلسـفه تولیـد هر پیـام، وضـعیت و محـدودیتهای حاکم بر آنها و حتی سازنده هر کدام از پیامها را بشناسیم.(۱)

برای نمونه، از نظر اقتصـاد سیاسـی، رسانههای دیـداری شـنیداری موضوعاتی را دربر می گیرنـد که سـطح تحلیل نسـبتاً آسانتری در مقایسه با تحلیل متون و تک نگاشـتهای مطبوعاتی (نشریات ادواری) دارد. نوجوانان بارها شاهد پخش پیامهای بازرگانی با موضوع خـودرو از طریـق تلویزیـون هـای خـانگی بودهانـد. همیشـه تلویزیـون ماشـینها را در جادههـای خلـوت و خـالی و بـدون مزاحمت و ترافیکهـای معمول نشـان میدهـد. در این تبلیغـات، آسـمان آبی، فـارغ از دود و غبـار و چشـماندازهای طـبیعی و بکر، جلوه میکنـد. تلویزیـون در مقـام تبلیغ، هیچگـاه پس زمینهـای از دود، آلـودگی هـوا و ترافیـک ناشـی از حضور روز افزون خودروهـا را برجسـته نخواهد کرد؛ زیرا علاقه عمومی برای دیدن خودرو به مثابه نماد آزادی و وسـیلهای سیاحتی، بیشتر از تماشای تخریب محیطزیست و چشم اندازهای طبیعی و بکر است. در اینجا مدیر رسانه نیز همانند فروشندهای است که به فروش کالایش می اندیشد.

اهـداف رسانههـای جمعی، بـه ویژه رسانههـای تلهماتیـک کـه زیر ساختهـای گستردهـتر ماهوارهـای و شـبکههای رایانهـای را برای مخاطبان خود دسترس پذیر کرده اند، همیشه به این شفافیت و وضوح

۱- Lewis Jhally, the Struggle over Media Literacy. Journal of Communication. ۴۸(۱), pp. ۱ ۷.۱.

ص: ۱۳۸

نیست. در واقع شبکه های ارتباط جمعی، دو جنبه متفاوت دارند. آنها ورودی متغیر دارند که بدین وسیله حتی فرآیند تصمیمگیری سیاست خارجی را تحت نفوذ قرار میدهند و هم زمان، به محیط رسانه، به مثابه یک خروجی، خدمترسانی می کنند. یک «وسیله پخش» از این نظر سخنگوی کار دولتهاست که رهبران را وادار میکنند تا تصمیماتشان را بازگو کنند. شاید به همین دلیل، سواد رسانهای، در تحلیل نقشهای رسانه، اهمیتی دوچندان مییابد؛ زیرا این تأثیرات دوگانه و همزمان، عمدتاً از برجستهسازی و شکلگیری دیدگاههای سیاسی در رسانهها ناشی میشوند که درک آن برای مخاطبی که به سواد رسانهای مجهز نیست، ناممکن است.(۱)

۲. شهروندی و سواد رسانه ای در عصر رسانه ها

۲. شهروندی و سواد رسانه ای در عصر رسانه ها

چرا باید به مطالعه رسانههای جمعی پرداخت؟ فراتر از ارزش انتقال مهارت های یادگیری مرتبط با تفکر انتقادی، ما با پدیده فراگیر بودن رسانه های جمعی در جامعه معاصر روبه رو هستیم. در ده ههای اخیر، مواد چاپی و فیلم، جای خود را به رادیو و تلویزیون، به عنوان اشکال غالب، انتقال برنامههای سرگرمکننده و اطلاعات به توده مردم داده است. تلویزیون به تدریج در حال افزایش نفوذ خود بر نحوه بهره مندی افراد و جامعه از اوقات فراغت، آگاهی از واقعیات سیاسی و اجتماعی و شکل دادن به ارزشهای شخصی در قلمروی فرهنگ و اخلاق است.

به میزان محتوای رسانهای، حضور فراگیر رسانهها و نقش آنها در

۱- حسین بصیریان جهرمی، درآمدی به سواد رسانهای و تفکر انتقاد، صص ۳۳ ۵۵.

ص: ۱۳۹

زنـدگی روزمره، بخش اعظم «پیام» برای جامعه را تشـکیل میدهد: تأثیر رسانهها بر اوقات فراغت، برداشت و داوری درباره جامعه و محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. بیان موجز مارشال مکلوهان، مبنی بر اینکه «رسانه، پیام است» در پایان دهه ۱۹۶۰، پیشبینی شده بود. گربنر با تکرار گفتههای مکلوهان، یادآور شد که تلویزیون تنها یک جانشین دیگر برای دیگر رسانههای مکانیکی الکترونیکی نیست، بلکه احیاگر انتقال اسـطوره و داستان به وسیله قبایل است. شیوهها، نظام نمادها، قراردادها و مداخله مستمر تلویزیون، همواره در پیش روی شـرکت کننـده بیننـده قرار دارد. ازایـن رو، یـادگیری برای درک و ارزیـابی تلویزیـون در زنـدگی روزمره، فراتر از مهارتهای دیدن می رود و هنرهای آزاد را با رهایی فرد از وابستگی بیچون و چرا، به محیط فرهنگی بلافصل تقریباً بازسازی میکند. تلویزیون فرآیند اصلی جامعه پذیری به شمار میرود.(۱)

بنـابراین، هـدف عمـده آموزش رسانهـای، کمک به گیرنـدگان ارتباطات جمعی است تا به شـرکتکنندگانی فعال و آزاد در فرآیند تبـدیل شونـد، نه اینکه حالتی ایسـتا، منفعل و تابع نسبت به تصاویر و ارزشـهایی داشـته باشـند که در یک جریان یک طرفه از منابع رسانهای انتقال می یابنـد. آلواردو، گاچ و وولن، به جنبههای معرفتشـناختی رسانهها توجه کردنـد، «تا به یادگیری درباره روشـهایی بپردازند که دانش ما انتقال پیدا می کند.»(۲) برای نمونه، چگونه ما جهان، دیگران، خودمان و ارزشها را می شناسیم.

۱- براون، جیمز ای، رویکردهای سواد رسانهای، ترجمه: پیروز ایزدی، ص ۵۵.

۲- Alvardo, M., Gutch, R., Wollen,T. (۱۹۸۷). Learning The Media: An Introduction To Medie Teaching. P. ۴.

ص: ۱۴۰

هدف اثباتی و عملی عبارت است: از پرورش بینندگانی که توانایی گزینش داشته باشند، به جستوجوی برنامهریزی کیفی و متمایز و ارزیابی آن بپردازند و نسبت به شکل، قالب و محتوا در رسانههای جمعی حس انتقادی داشته باشند. بیشتر پژوهش گران، منتقدان و دست اندرکاران بر نقش زیبایی شناختی و انسانگرای برنامههای آموزشی رسانهای تأکید میکنند.

مستر من، در این باره که چرا آموزش رسانهای از «بالاترین اولویت» برخوردار است، دلایل دیگری را نیز برمیشمرد و نفوذ رسانهها در قالب «صنعت آگاهی» و تولید و پخش اطلاعات تأکید میکند. او به آموزش سواد رسانهای از این دیدگاه مینگریست که به شهروندان کمک میکند بیاموزند، چگونه بازنماییهای رسانهای میتواند بازتاب و تغییردهنده یا تحریف کننده جنبههایی از واقعیت باشند و چگونه نظامهای نمادین (قراردادها، رمزگان) وسیلهای برای کسب دانش درباره جهان به وسیله ما هستند. هدف از این نوع پژوهش تمایزدهنده و عملگرا، ایجاد چیزی است که مستر من آن را «استقلال انتقادی» میخواند. این امر مانع از آن میشود که دانشآموزانی تربیت شوند که «احتمالاً در بقیه عمر خود یا به صداقت تصاویر و بازنمایی های رسانهای به صورتی کاملاً بیپایه ایمان بیاورند یا به شیوهای به همان اندازه خطرناک دچار شکاکیتی بدون داشتن قوه تشخیص شوند و رسانهها را منشأ هرگونه شری به حساب آورند».(۱)

افراد انتظارات خود را به رسانه منتقل میکنند و بر آن اساس، تصمیم می گیرند از کدام رسانه بهره ببرند. این امر درباره زمان صرف شده و

۱- رویکردهای سواد رسانه ای، ص ۵۶.

ص: ۱۴۱

همچنین در زمینه انواع برنامههایی که برای دیـدن و شـنیدن انتخاب می کننـد، سـطح دقت و توجه و قابلیت پـذیرش محتوا، مصداق دارد. افزون بر این، بیننـدگان به برداشت گزینشـی دست میزننـد و بـدین ترتیب به شـکل دادن معنا و تفسـیر آن میپردازنـد، به جای آنکه بگذارند معنا به سوی آن هجوم بیاورد. پیام رسانهای به وسـیله هریک از گیرندگان به صورت شخصی درمی آید و تفسیر می شـود؛ معنـایی که هر شـخص، خـود آن را شـکل میدهـد و تفسـیر میکنـد، به صـورت ذهنی، از محتوا و شـکل رسانههـا و نیز تجربه زندگی گرفته میشود. این معنا پیچیده است و حالتی شخصی دارد.(۱)

۳. حیطه های موضوعی سواد رسانه ای

اشاره

۳. حیطه های موضوعی سواد رسانه ای

سواد رسانهای از چهار حیطه شناختی، حسی، اخلاقی و زیباییشناختی، تکوین یافته است. این حیطه چهارگانه در پیوستاری تعاملی و به هم وابسـته قرار دارنـد. شـمول شـناختی یا ادراکی، حیطهای است که به فرآینـدهای ذهنی و فکری محـدود میشود. شایسـتگیهای ادراکی، مجموعهای از شـناخت ساده نشانهها تا درک پیچیدهترین پیامها و کشف علل نحوه ارائه خاص آنها به وسیله یک رسانه را دربر میگیرد. این همان جنبه اخلاقی است که به ایجاد مضـمونی غنی در فرآینـد ساختن معنا می انجامـد. به تعبیر دیگر، این جنبه را میتوان ناظر بر این تعریف از ارتباطات به شـمار آورد. ارتباطات عبارتند از: فراگرد تفهیم و تفاهم و تسهیم معنی مشروط بر مشابهت معنی بین فرستنده و گیرنده پیام.(۲)

۱- رویکردهای سواد رسانه ای، ص ۵۶.

۲- علیاکبر فرهنگی، ارتباطات انسانی، ص۸.

ص: ۱۴۲

حیطه حسی، جنبه دیگری است که لایه بیرونی ادراک را شکل می بخشد. جایی که مخاطب از راه یکی از حواس پنجگانه در معرض پیامهای رسانهای قرار میگیرد، اما این موضوع تداعیکننده نظریات مکلوهان است که می گوید: «هر رسانه در امتداد یکی از این حواس پنجگانه است.» در این میان، برخی مخاطبان در ارتباطات حسی با پیام های رسانهای بسیار قوی هستند؛ پیامهایی که برخی از آنها آثار مثبت و پارهای دارای آثار منفی هستند. برای نمونه، کودکانی که به تماشای فیلمهای ترسناک و خشونتبار می نشینند، چنان مغلوب حس ترس می شوند که ساعتها منفعل میمانند.(۱)

افزون بر این، مطالب ارتباطات حسی یا احساس برانگیز در تبلیغات سیاسی و تجاری در وضعیت مختلف از طرف سیاستمداران و سرمایه داران مورد استفاده جدی قرار میگیرد. ازاین رو، سواد رسانهای تلاشی در کشف جنبه های حسی نهفته در پیامهای رسانهای است.

سومین حیطه، جنبه زیباییشناختی است که به توانایی درک و شناخت مفاهیم رسانهای از دیدگاه هنری اشاره دارد. این مقوله به نوع و میزان هنر و مهارت تولید پیام در رسانههای مختلف بستگی دارد. سبک هنری منحصر به فرد یک نویسنده، تولیدکننده و کارگردان برنامه ای رادیویی و تلویزیونی، مصداق برجسته این جنبه از سواد رسانهای است. بیشتر شبکههای ماهوارهای فارسیزبان، مخالف نظام جمهوری اسلامی هستند و در برانگیختن اشتیاق روانی مخاطب، از این

۱- صدیقه ببران، سواد رسانهای در برخورد با خشونت رسانهای، ص۸۸.

ص: ۱۴۳

جنبه بهره می جوینـد. بازبینی و بررسـی برنامه این شـبکهها نشان میدهد که بهر ه مندی از «پلانهای برهنگی، خشونت و سـکس که ایـن موضـوع جـذابیت روانشـناختی دارد، در افزایش جـذب مخـاطب بی تـأثیر نیسـت. در حقیقت میتـوان گفت، افزایش گرایش به شبکههـای تلویزیونی فارسـی زبـان در سـطح روانشـناختی بـا بروز تغییر ذهنی مخاطبـان در رشـد تمایلاـت لـذتجویانه در میـان آنها مناسبت دارد».(۱)

آخرین حیطه، یعنی حیطه اخلاـقی به توانایی درک و دریافت ارزش های نهفته در پیامها اشاره دارد. در سـبک کمـدی، ارزشـهایی که در پیامهـا نشـان داده میشونـد، بیـانگر این موضوع است که مزاح و شوخی، در حـل و فصـل مشـکلات ابزاری مهم تلقی میشود. امروزه بسیاری از نامزدهای انتخاباتی کشورمان، پاشنه ارتباطیشان را بر همین مدار می چرخانند تا در فرآیند تغییر نگرش به موفقیتی دلخواه دست یابند. آن سوی این سـکه چالشـهای حاصله، پنجه در پنجه مخاطب میافکند. بهرهگیری هدفمند از این حیطه در برنامه های منفی و گمراهکننده از جمله این چالشهاست. برای نمونه، افزون بر پورنوگرافی و سکس گرافیکی، ارزشهایی که در یک درام منتقل می شونـد، بیشتر این نکته را القا میکنند که توسل به خشونت موفق ترین و کوتاهترین راه رسـیدن به خواسـتهها در این جهان خطرناک است.(۲)

تومن (۱۹۹۶) برای کسب «سواد رسانه ای» کافی، به چهار مرحله اساسی اشاره کرده است:

۱- طهمورث قاسمی، سواد رسانهای؛ رویکردی جدید به نظارت، ص ۸۹.

۲- طهمورث قاسمی، سواد رسانهای؛ رویکردی جدید به نظارت، ص ۸۹.

ص: ۱۴۴

الف) داشتن آگاهی کامل در خصوص استفاده از رسانه ها

الف) داشتن آگاهی کامل در خصوص استفاده از رسانه ها

در این مرحله، سواد رسانه ای شامل کسب هوشیاری و حساسیت نسبت به میزان و شرایط رویارویی افراد با انواع پیام های رسانه ای است. فعالیت های مورد نظر در این مرحله عبارتند از: اندازه گیری میزان استفاده از افراد از رسانه ها، کشف رضامندی های کسب شده از پیام های رسانه ای و یادگیری راهبردی لازم برای مدیریت استفاده از رسانه ها.

ب) برخورد منتقدانه با محتوای رسانه ها

ب) برخورد منتقدانه با محتوای رسانه ها

در این مرحله فرد می آموزد با پیام های رسانه ای برخورد انتقادی داشته باشد و مهارت های یادشده در بخش مربوط به تماشای منتقدانه را به دست آورد. تحلیل انتقادی، از راه کشف لایه های درونی پیام های رسانه ای، مجموعه مهارت ها و توانایی های فرد را برای مفهوم پردازی پیامها و اطلاعات ارائه شده به چالش فرا می خواند. نحوه بازنمایی واقعیت های اجتماعی در رسانه های گوناگون می تواند بر شکل گیری مفهوم شهروندی و رفتارهای مدنی تأثیر زیادی داشته باشد. کشف لایه های درونی پیام های رسانه ای و جهت دهی آنها به ادراک مخاطبان، فرد را یاری می دهد تا از اغراض و اهداف پنهان، انگیزه ها، نگرش ها، سازوکارهای اثرگذاری و نحوه استفاده پیام رسان از امکانات و تمهیدات رسانه ای آگاهی یابد.

ج) تحلیل زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محیط رسانه

ج) تحلیل زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محیط رسانه

این مرحله دربرگیرنده کسب دانش کافی درباره زمینه های تاریخی، اقتصادی و سیاسی رسانه ها و منافع و علایق آنها در این حوزه هاست.

ص: ۱۴۵

بی گمـان، رسـانه هـای گونـاگون، هـدف هـا، سـیاست هـا و برنـامه هـای خود را بر حسب منافع و اولویت های سیاسـی، اجتماعی، فرهنگی و به ویژه اقتصادی، تـدوین و اجرا می کننـد. این مسـئله در حوزه رفتارهای مـدنی و ارزش های سیاسـی، مانند دموکراسـی اهمیـت فراوانی می یابـد. اگر بیننـدگان دانش و مهـارت کـافی برای کشـف و پی گیری زمینه هـای فرهنگی، سیاسـی، اجتمـاعی و اقتصادی پیام های رسانه ای داشـته باشـند، به گونه ای فعال آنها را پردازش کرده و از پذیرنده منفعل به گزینش گر فعال تبدیل می شوند.

د) جانبداری از رسانه و استفاده از آن برای تغییرات اجتماعی

د) جانبداری از رسانه و استفاده از آن برای تغییرات اجتماعی

این مرحله از سواد رسـانه ای، شامـل مشـارکت فعـال افراد در بسـیج افکـار عمومی برای تـدوین سـیاست هـا و خط مشـی های کلی اصـلاح رسانه ای ویژه، برای اثرگـذاری بر مسائل و مشـکلات اجتماعی است. در این مرحله فرد به اندازه ای از مهارت می رسد که می توانـد در سـیاست گـذاری هـای رسانه ای فعالانه شـرکت جویـد. یکی از نمونه های شاخص در این گستره، اقـدام ۲۵۰۰ تن از معلمان و دانش آموزان دبیرسـتان ها و کالـج های ماساچوست در بهره مندی از ظرفیت و توانایی رسانه های گروهی برای مبارزه با مصـرف دخانیـات بـود که در سـال ۱۹۹۴ صـورت گرفـت. این عمـل را می تـوان در حـوزه هـای گونـاگون فرهنـگ شهرنشـینی و رفتارهای مدنی نیز به کار بست.

به هر حـال سواد رسـانه ای، مهـارتی شـناختی است که آثار رسانه های گروهی را تعـدیل می کنـد و به مخاطبان امکان می دهـد با آگاهی کامل، پیام های رسانه ای را پردازش کنند. این مسئله، به ویژه

ص: ۱۴۶

درباره رسانه های فراملی و پیام های فرافرهنگی اهمیت بیشتری دارد. مفهوم شهروندی و ارزش های سیاسی همانند دموکراسی، احترام به حقوق دیگران و حفظ نظم و انضباط اجتماعی در جهان پیشرفته، تعابیر کم و بیش یکسانی دارد، اما در بسیاری از جوامع، به ویژه در کشورهای در حال توسعه به شدت تحت تأثیر فرهنگ و ایدئولوژی قرار می گیرد. بنابراین، پیام های فرافرهنگی که از راه رسانه های فراملی در این جوامع انتشار می یابند، ممکن است آثار و پی آمدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نامطلوبی به دنبال داشته باشند. مهارت و توانایی مخاطبان در کشف اهداف و اغراض پیدا و پنهان، سازوکارهای اثرگذاری و تفاوت های فرهنگی پیام های رسانه ای، در تعدیل اثرگذاری رسانه ها و اثرپذیری مخاطبان عامل بسیار مهمی به شمار می رود. بر این مبنا مخاطبان ماهر به طور فعال، آثار مطلوب یا نامطلوب را تشخیص می دهند و آثار منفی را طرد و آثار مثبت را جذب می کنند.

۴. تلویزیون و آموزش رسانه ای به شهروندان

۴. تلویزیون و آموزش رسانه ای به شهروندان

آموزش رسانهای را میتوان این گونه تعریف کرد: «آموزش فعالیت هایی که هدف آنها توسعه کفایت رسانهای، فهم نگرش انتقادی و تیزبینانه به رسانه برای شکل دادن شهروندان متعادل، شهروندانی که بتوانند بر اساس اطلاعات موجود خود قضاوت کنند.» آموزش رسانهای، شهروندان را توانا میسازد که به اطلاعات مورد نیازشان دست یابند، آن را تحلیل کنند و در پس آنها منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی را تشخیص دهند. آموزش رسانهای به

ص: ۱۴۷

افراد میآموزد، پیام را تفسیر و تولید کنند. مناسبترین رسانه را برای ارتباط انتخاب کنند و سرانجام در محصول و برونده رسانهها نقش بیشتری داشته باشند.(۱)

به گفته کومار، هدف اصلی آموزش رسانه، هوشیار کردن، اختیاربخشی و آزادسازی در کل جامعه است. آموزش رسانه، ترویج مساوات، عدالت اجتماعی، دموکراسی، آزادی، کرامت انسانی و جامعه انسانیتر را مورد توجه قرار میدهد و راهبردهایی را به کار میگیرد که گفت وگو، بازتاب و اقدام را شامل میشود.(۲)

سه دیدگاه عمده در بررسی آموزش رسانهای در تلویزیون، وجود دارد. گروهی آموزش رسانهای را با آموزش رسمی از طریق رسانه برابر میدانند، گروه دیگری آموزش رسانه را به مفهوم تأثیر رسانه(۳) نزدیک میدانند؛ یعنی آن را اعم از انواع تأثیرات آموزشی میدانند که رسانه بر مخاطبانش می گذارد، برخی هم بحث آموزش برای استفاده از رسانه را مطرح میکنند، یعنی به بحث سواد رسانهای نزدیک میشوند. وقتی از آموزش رسانهای نام برده میشود، گویی مجموعهای از آموزشهاست که فرد را برای استفاده از رسانه آماده میکند.

آموزش رسانهای، مفهومی کلی است که در هر جامعهای با توجه به وضعیت و نیاز آن جامعه تعریف میشود. آیا رسانه میخواهد جامعه جوان متقاضی آموزشهای مستمر در کشوری پهناور و مردم کشور را تحت پوشش انواع آموزش قرار دهد؟

۱- شورای اروپا، گزارش، ۲۰۰۰.

۲- شورای اروپا، گزارش، ۲۰۰۰.

۳- Media Effect.

ص: ۱۴۸

۵. الگوهای موضوعی در آموزش رسانه ای شهروندان

۵. الگوهای موضوعی در آموزش رسانه ای شهروندان

اغلب آموزش و نقد رسانهای در سالهای اولیه، موضعی اخلاقگرایانه داشت. این امر به ویژه درباره سازمانهایی مصداق داشت که به اشاعه دیدگاهها و دستور کارهایی میپرداختند که سود عمومی را در نظر داشتند. گروههای شهروندان ذیربط و گاه کل اعضای کلیساها، در پی حذف محتوای رسانهای قابل ارائه از طریق کتابخانهها و دکههای روزنامهفروشی، سپس سینماها و در مرحله آخر، برنامههای رادیو و تلویزیونی و سی دی فروشیها برمیآمدند. آموزشگران، و پژوهش گران به تدریج وارد حوزه تحلیل رسانهها، با دیدگاهها و مقاصد عینیتر و بی طرفانهتر شدند. نقد رسانهای به شکل فزایندهای تکثرگرا، غیر جهت دار و غیر ارزشی شد. موجی از نگرانیها درباره رسانهها، در بخشهایی از جهان در بافتهای اجتماعی و اقتصادی نومیدکننده ایجاد شد که همراه با داوریهای ارزشی محکمی بود که بر ضد «امپراتوری های» رسانهای صورت میگرفت و اغلب آنها را با منافع اقتصادی و سیاسی خاصی مرتبط میدانست. دیدگاههای مذهبی که نسبت به زبان و رفتار (به ویژه مواردی که به فعالیتهای جنسی و خشونت مربوط میشدند) نگرانی داشتند، در مراحل بعدی، تحلیلهای فرهنگی زیباییشناختی، جای خود را به نقد رسانهای دادند که بر واکنش، مسئولیت و پاسخ گویی نسبت به ساختارهای رسانهای برای رهایی عامه مردم از سلطه فرهنگی، اقتصادی یا طبقاتی تأکید میکرد. الگوها طی دهها همپوشی پیدا کردند، اما به ترتیب بر ارزشهای مذهبی و حقانیت اخلاقی (رهیافت مصونیتساز)، سپس پاسخگویی توأم با تشخیص و حساسیت (بیننده منتقد) و در دورههای اخیر، به ویژه

ص: ۱۴۹

در کشورهـای جهـان سوم، بر مقـاومت و شورش ضـد رسانهای، حتی انقلاب مصـرفکنندگان و در موارد افراطی، ماننـد رسانه های اجتماعی تأکیـد میورزیدند. این سه الگو در آموزش رسانهای (۱۹۸۴) در یک بررسـی به وسیله سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) منعکس شده است.

البته زمینه نظری تکوین رهیافتهایی که نسبت به رسانهها وجود دارد، در الگوهای ارتباطی پیدرپی بازتاب یافته است: محرک پاسخ مستقیم (تأثیر تزریقی)؛ استفاده و رضامندی (آنچه مردم با رسانهها انجام میدهند)؛ نظریه کاشت، مطالعات فرهنگی و نشانهشناختی (نمادها، تصاویر، اسطورهها) و نظریه مارکسیستی (هژمونی و ایدئولوژی به عنوان نیروهای محرک در رسانهها).(۱)

۶. مسئولیت مشترک رسانه ها و شهروندان

۶. مسئولیت مشترک رسانه ها و شهروندان

به دلیـل اینکه فرآینـد رسانههـای جمعی، دو قطبی و نیازمنـد وجود فرسـتنده و گیرنـده است، مسـئولیت مشترک دربـاره آنچه اتفاق میافتـد، هنگام استفاده تودههای مردم از رسانهها وجود دارد. این نظر مورد تأکیـد آلتایـدو اسـنو (۱۹۷۹) قرار گرفـت که بر فرآیند تعاملی در تجربه رسانهای انگشت نهادنـد. نباید رسانهها را بر اساس شـرطی شدن، بر پایه محرک پاسخ که جنبه جبرگرایانه دارد یا اظهـاراتی مبنی بر توطئه رسانههـا، علیه تودههای مردم داوری کرد. به دلیل اینکه هر رسانه جمعی، بازتاب رفتار در جامعه است و به ایجاد معانی مشترک کمک میکند. استفادهکنندگان از رسانهها به نوعی آگاهی یا «منطق رسانهای» دست مییابند که بر

۱- رویکردهای سواد رسانهای، ص ۵۴.

ص: ۱۵۰

چگونگی پیوندشان با محیط و درک آن اثر میگذارد. تجربه رسانهای به چارچوبی تبدیل میشود که بر اساس آن افراد جهان خود را درک می کنند و به تفسیرهایی دست میزنند که از این طریق به دیدگاهی برای داوری دست مییابند. با این تعامل نمادین، فرد آزادانه به ایجاد معنا در هماهنگی با دیگران میپردازد. در همان زمان، افراد و خانوادهها، میراث های فرهنگی و مذهبی گوناگونی را اغلب با آرمانهای مشترک، اما با تأکیدات گوناگون و بیان ارزشها، به صورتهای متفاوت بازتاب میدهند.(۱)

۷. راهبردهای شخصی برای ارتقاء سواد رسانه ای شهروندان

اشاره

۷. راهبردهای شخصی برای ارتقاء سواد رسانه ای شهروندان

در این فصل به تفصیل درباره سواد رسانهای، بحث و آگاهی نسبتاً خوبی از توانمندیهای سواد رسانه ای ایجاد شد. حال وقت طرح این پرسش است که چگونه شهروندان می توانند سطح سواد رسانه ای خود را افزایش دهند. پاسخ به این پرسش مستلزم آن است که راهبردی منسجم را بسط دهید. هر شهروندی باید با در نظر گرفتن نیازهای خاص خود، راهبردی شخصی را شکل دهد و بپرورانـد. هدف از بسط راهبردی شخصی برای سواد رسانه ای این است که بر فرآیند اثرگذاری، کنترل بیشتری داشته باشید؛ فرآیندی که در حال حاضر زیر سلطه رسانه هاست. این، هدفی غیرواقعگرایانه است. در عوض، این راهبرد باید به گونه ای باشد که به یاری آن بتوانید به تدریج، آگاهی خود را نسبت به فرآیند اثرگذاری ارتقا دهید و در پی آن، به تدریج، کنترل بیشتر و بیشتری بر این فرآیند به دست آورید. در ادامه،

۱- رویکردهای سواد رسانهای، ص۶۲.

ص: ۱۵۱

ده پیشنهاد(۱) ارائه می شود که هریک به شما در مسیر بسط راهبرد شخصی در عرصه سواد رسانه ای یاری می رسانند.

الف) جایگاه شخصی خود را تقویت کنید

الف) جایگاه شخصی خود را تقویت کنید

به خاطر داشته باشید که جایگاه شخصی شما ترکیبی از آگاهی از اهداف خود همراه با انگیزه و انرژی لازم برای جست وجوی اطلاعات و تجربه های مورد نیاز برای رسیدن به این اهداف است. بنابراین، باید اهداف خود را تحلیل کنید. واقعاً چه چیزی شما را خرسند می کند؟ واقعاً در زندگی می خواهید به چه چیزی برسید؟ آیا پاسخ به این پرسش ها همان چیزهایی هستند که رسانه ها برنامه ریزی کرده اند؟ به نظر شما، این پاسخ ها از کجا ریشه گرفته اند و تا چه میزان از پاسخ هایتان راضی هستید؟

همچنین باید فعالیت ذهنی تان را افزایش دهید. همه ما درباره میزان تلاش ذهنی لازم برای مطالعه کتاب، گوش سپردن به سخنرانی یا تماشای تلویزیون، انتظاراتی داریم. در مقایسه با متون چاپی، هنگام رویارویی با تلویزیون، از تلاش ذهنی انتظار کمتری داریم. میزان تلاش ذهنی صرف شده هنگام تماشای برنامه های تلویزیونی، موضوعی اختیاری است. از آنجا که بر تلاش ذهنی خود تسلط داریم، می توانیم میزان یادگیری خود را نیز کنترل کنیم. هرچه تلاش ذهنی بیشتری به کار گرفته شود، درک مطلب، یادگیری و در نهایت، حافظه نیز در سطح بالاتری قرار خواهد گرفت.

۱- جیمز پاتر دبلیو، بازشناسی رسانههای جمعی با رویکرد سواد رسانهای، ترجمه: امیر یزدیان، ص ۵۷۹ ۵۷۲.

ص: ۱۵۲

ب) به عنوان یک هدف بر مفید بودن امور تمرکز کنید

ب) به عنوان یک هدف بر مفید بودن امور تمرکز کنید

برای رویارویی با رسانه ها، دلایل گوناگونی وجود دارد. همه این دلایل ممکن است منطقی و بسیار کارآمد باشند. با این حال، باید توجه داشت که کاربردها تفاوت دارند. در هر مرتبه رویارویی با رسانه ها، باید اهداف خود را به طور صریح، مشخص سازیم. باید به خاطر داشت که اگر بدون آگاهی از اهداف، در معرض پیام های رسانه ای قرار بگیریم، خطر اثرات ناخواسته را بالا برده ایم. به عنوان یک تمرین همواره از خود بپرسید: «آیا برنامه ام را برای رویارویی با رسانه ها، با اهداف کاملاً مشخص که نسبت به آنها آگاهی دارم هماهنگ ساخته ام یا اینکه بدون هیچگونه برنامه ریزی، خود را در معرض پیام های رسانه ای دریافتی، قرار داده ام؟» اگر از سر عادت و بدون هیچ هدف شخصی مشخصی در معرض رسانه ها قرار بگیرید، بازیچه رسانه های جمعی خواهید شد.

ج) برای رویارویی با رسانه ها، آگاهی دقیقی را بپرورانید

ج) برای رویارویی با رسانه ها، آگاهی دقیقی را بپرورانید

به طور دوره ای (شاید سالی یک مرتبه) کاربردهای رسانه ای خود را در طول یک هفته یادداشت کنید. با تکرار این تمرین می توانید تغییر علاقهمندی خود نسبت به رسانه ها، مجاری و پیام های رسانه ای را کنترل کنید. همان طور که تغییرات را زیر نظر دارید، این چیزها را از خود بپرسید:

آیا گستره رویارویی من با رسانه های گوناگون افزایش یافته است یا تنها به یکی دو رسانه پای بند مانده ام؟

آیا گستره رویارویی من با مجاری گوناگون رسانه ای بسط یافته

ص: ۱۵۳

است؟ (اگر در گذشته، برنامه های ورزشی و اکشن را از تلویزیون تماشا می کردید، آیا اکنون به ژانرهای تلویزیونی دیگری نیز علاقهمند شده اید؟)

طیف گسترده ای از وب سایت ها، هنرمندان جدید در عرصه موسیقی، نمایش های جدید تلویزیونی و مجله های متنوع را واکاوی کنید. لازم نیست از رویارویی با تمام آنها لذت ببرید. در واقع، شاید از بسیاری از آنها متنفر باشید. با این حال، با آزمودن مجاری رسانه ای تازه، این فرصت را برای خود فراهم می کنید تا پیام هایی را به دست آورید که حتی از آنچه تاکنون به واسطه رویارویی عادت گونه با رسانه ها به دست می آورید، بهترند.

د) اصول ذهنی خود را بررسی کنید

د) اصول ذهنی خود را بررسی کنید

در رویارویی عادت گونه خود با رسانه ها، مرتب از خود بپرسید: «چرا چنین عادت هایی دارید؟ تا چه اندازه برای برآوردن نیازهای خویش، عادت هایتان را برنامه ریزی کرده اید؟ رسانه های جمعی در جهت تأمین خواسته های خود تا چه اندازه، عادت های شما را برنامه ریزی کرده اند؟» پس از یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش ها، اصول ذهنی تان را بازاندیشی کنید. این اصول را برای منافع خود بازتعریف کنید. وقتی به رویارویی روزانه تان بازگردید، خواهید دید این اصول ذهنی در جهت اهداف شما قرار گرفته اند، نه اهداف رسانه ای.

ه) بنیانی وسیع از دانش مفید کسب کنید

ه) بنیانی وسیع از دانش مفید کسب کنید

نکته اساسی دانش، مفید بودن آن است. به دست آوردن دانشی که سودمند نباشد، به شما کمک نخواهد کرد. این سخن بدان معناست که

ص: ۱۵۴

بایـد دربـاره نیازهـای خود در زمینه دانش، آگاهی کاملی داشـته باشـید. همواره میان دانشـی که در اختیار داریم و دانشـی که برای درک بهتر جهان بدان نیاز داریم، شـکاف وجود دارد. ما می توانیم این شکاف را پر کنیم. این کار باید بر مبنای حرکت موضوع به موضوع صورت پذیرد. ابزار لازم برای پر کردن شـکاف موجود در زمینه ای مفروض، در اختیار ماست، چون شکاف دانش پیش از آنکه با سـطح کلی تحصـیل ما رابطه داشـته باشـد، تحت تأثیر میزان علاقهمنـدی ما به آن موضوع قرار دارد. اگر به موضوعی علاقه زیـادی داشـته باشـیم، برای دست یابی به اطلاعات لازم درباره آن موضوع خاص، رسانه ها و منابع متعـددی را جسـتوجو می کنیم. اگر علاقه ما به موضوعی چشمگیر نباشد، رسانه ها، میزان اطلاعات ما درباره آن موضوع را تعیین می کنند.

و) درباره پیوستار واقعیت خیال بیندیشید

و) درباره پیوستار واقعیت خیال بیندیشید

همواره دربـاره واقعی یـا خیـالی بودن امری، سؤال کنیـد. این فعـالیت، یـک پیوسـتار است. به راحتی برخی برنامه ها را می توان در قالب خیالی دسـتهبندی کرد. دسـتهبندی برخی دیگر از برنامه ها، کار چندان ساده ای نیست. برخی از این برنامه ها، فضا و موقعیت های واقع گرایانه دارنـد، ولی همچنان فانتزی به شـمار می آیند. برخی دیگر ممکن است با اینکه فضایی خیالی دارند، موقعیت های واقع گرایانه ای داشـته باشـند. در دنیای رسانه ای، تمییز واقعیت از خیال، کار دشواری است. چنین اقدامی نیازمند اندیشـیدن درباره ویژگیهای گوناگون یک پیام است. بنابراین، باید تفکری تحلیلی داشـته باشـید و پیام های رسانه ای را به اجزای تشکیل دهنده آنها تجزیه کنید. آن گاه واقعی یا خیالی بودن هر بخش را

ص: ۱۵۵

ارزیابی کنید. تلاش نکنید پیام ها را فقط خیالی یا واقعی دستهبندی کنید. همواره پیام های رسانه ای، عناصری از واقعیت و خیال را دربرمی گیرند.

فقط برای پرهیز از امور خیالی به تحقیق نپردازید، چون بهره مندی از عناصر خیالی در انتظارات خود از دنیای واقعی، خطرناکند. در لذت رسانه ای، امور خیالی، جایگاه مشخصی دارند. ممکن است پیام های رسانه ای بسیار سرگرم کننده باشند، چون کششی خنده دار یا خیال پردازانه دارند. این عناصر می توانند به طور خلاقانه، تفکر ما را تحریک کنند. با این حال، باید دانست این عناصر، ابزاری برای تحریک هستند، نه الگویی برای تقلید. نکته مهم این است که بدانیم چه زمانی در معرض امور خیالی قرار گرفته ایم. آن گاه خواهیم توانست به گونه ای متفاوت این پیام ها را پردازش کنیم. اگر هنگام رویارویی با پیام های خیالی، به اندازه کافی رویکرد تحلیلی نداشته باشید، پیام های بسیاری که در بطن خود، عناصر خیال را جای داده اند، برای شما واقعی به نظر می رسند. اکنون که برنامه های تلویزیونی متعددی با عنوان «واقع نما» برای مخاطبان پخش می شوند، آگاهی از اهمیت پیوستار واقعیت خیال از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تمام این برنامه ها، عناصری از واقعیت را دربرمی گیرند که عناصر خیالی متعددی را شامل می شوند. ممکن است برخی از این نمایش های «واقع نما»، ترکیبی از عناصر واقعیت و خیال را در بربگیرند که در مقایسه با برخی برنامه های داستانی، آنها را کمتر واقعی جلوه می دهند، تمایز میان برنامه های واقع نما و داستانی، کاملاً مشخص نیست. در پذیرش این نامگذاریها، بسیار مراقب باشید.

ص: ۱۵۶

ز) مجاری رسانه ای مختلف را مقایسه کنید

ز) مجاری رسانه ای مختلف را مقایسه کنید

سواد رسانه ای، مفهوم عمومی است که رسانه ها را شامل می شود، ولی مجاری رسانه ای مختلف، چالش های متفاوتی را مطرح می سازند. برای نمونه، مطالعه مقاله ای در نشریه، نیازمند مهارت هایی است که ممکن است هنگام تماشای نمایشی کمدی موقعیت در تلویزیون، چندان مورد نیاز نباشند. البته این نکته مشخص است، ولی ماهیت تمایزها چندان آشکار نیست. برای ترسیم بهتر این موضوع، داستانی خبری را در یکی از وب سایت های اینترنتی بخوانید. سپس همان داستان را در یکی از روزنامه ها یا شبکه های تلویزیونی محلی پیگیری کنید. تمایزها و تشابه های آنها را تحلیل کنید. آیا مهم است؟ وقتی بخواهید پیامی را برای مجاری رسانه ای مختلف تولید کنید، این تمایزها آشکارتر نیز می شوند. مطلبی خبری را برای سایتی بنویسید که هر ساعت به روزرسانی می شود. آن گاه همان مطلب را برای یک ماه نامه بنویسید. بکوشید پیامی تولید کنید که مردم هنگام گوش دادن به آن بخندند.

حال همان شوخی را برای مرورگرهای اینترنتی و روی صفحه رایانه به زبانی ساده برگردانید. طراحی پیام های رسانه ای خود، به ویژه پیام خندهدار، کار دشواری است. چنین تمرینهایی به رشد درک زیبایی شناختی شما کمک خواهد کرد.

ح) دیدگاه هایتان را بررسی کنید

ح) دیدگاه هایتان را بررسی کنید

از خودتان بپرسید: «آیا دیدگاه های من، پایگاه منطقی مناسبی دارند؟» برای نمونه، امریکایی ها می گویند با وجود فراوانی، از مادیگرایی

ص: ۱۵۷

رضایت ندارند. در نظرسنجی تازه ای، ۸۲٪ از مردم امریکا با این موضوع موافق بودنـد که بسـیاری از آنها بیش از آنچه نیاز دارند، به خرید کالاها و مصرفگرایی رو آورده اند. ۶۷٪ معتقد بودند، امریکایی ها، بسیاری از مشکلات محیطی جهان را پدید آورده اند؛ زیرا بیش از هر ملتی در دنیا، منابع را مصـرف و زباله تولیـد می کننـد. همچنین با اینکه تنها ۸٪ از جمعیت جهان در امریکا زندگی می کننـد، هر سال، ۳۰٪ از منـابع و خـدمات کره زمین در ایالاـت متحـده مصـرف می شود. برای هر بار خریـد، بیش از چهل هزار گزینه در فروشگاه ها وجود دارد. آیا واقعاً به تمام این کالاهای مادی نیاز داریم؟

ط) رفتارهای خود را تغییر دهید

ط) رفتارهای خود را تغییر دهید

تا چه انـدازه رفتار شـما در جهت عقایـد شـماست؟ برای نمونه، اگر معتقد باشـید که جامعه بیش از اندازه مادیگراست، آیا از خرید کالای مادی متعدد پرهیز می کنید؟ اگر مصرف کالاهای مادی خود را در سطحی پایین نگه دارید، آن گاه میان رفتار و عقیده شما همـاهنگی وجود دارد. بـا این حال، افراد زیادی هسـتند که مـدام از اسـراف در زنـدگی مادیگرایانه شـکایت می کننـد، ولی باز هم کالاهایی را می خرنـد که به آنها نیازی ندارنـد. گام نخست در تغییر رفتار، ارزیابی واقعبینانه از میزان سازگاری عقایـد با رفتارهای موجود است. تغییر رفتار در جهت همخوانی با عقایـد، به معنای تعهد داشـتن به مسـئولیت اخلاقی در پیروی از عقاید است، به جای آنکه صرفاً دیگران را سرزنش کنیم و اقدامی نکنیم؛ راهبردی که متأسفانه در برابر بسیاری از معضلات جامعه فراگیر شده است.

ص: ۱۵۸

ی) مسئولیت پذیری شخصی داشته باشید

ی) مسئولیت پذیری شخصی داشته باشید

این کار شاید سختترین مورد باشد. امریکایی ها شیفته آن هستند که دیگران را سرزنش کنند. چنین دیدگاهی سبب می شود فرد تصور کند مشکل در جایی دیگر است. بنابراین، حل آن بر عهده شخص دیگری است. برای نمونه، معضل پرخوری را در نظر بگیرید. انجمن پزشکی امریکا معتقد است یک سوم امریکایی ها، چاق هستند و یک سوم دیگر، اضافه وزن دارند. چنین به نظر می رسد که این موضوع، مشکلی شخصی است. پس گروه زیادی همچنان به پرخوری و ورزش اندک، ادامه می دهند. آنها منتظرند تا دولت راه حلی بدهد. در بهار ۲۰۰۲، مجمع قانون گذاری کالیفرنیا، پیشگیری از چاقی کودکان کالیفرنیا را تصویب کرد. به موجب این قانون، فروش نوشابه های گازدار در مدارس عمومی ممنوع شد. با آغاز تابستان ۲۰۰۲، هشت ایالت فروش تنقلات را محدود و دوازده ایالات دیگر، قوانین مخصوص به خود را تصویب کردند. افزون بر این، مردم برضد رستوران های زنجیره ای فست فود اقامه دعوا کردند. آیا واقعاً مردم آن قدر بی اراده اند که برای توقف مصرف محصولات زیان بار، نیازمند اقدامات دولتی هستند؟ بسیاری از مردم تا این اندازه ضعیف هستند. آیا شما جزو این افراد هستید؟

ص: ۱۵۹

فصل سوم: رسانه و آموزش شهروندی

اشاره

فصل سوم: رسانه و آموزش شهروندی

زیر فصل ها

مقدمه

مقدمه

با توجه به اینکه هر جامعهای با عنایت به زمینههای فرهنگی و ارزشـی خود، شـهروندان خاص با خصوصـیات ویژه پرورش میدهد و

این امر ضامن بقا و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه هر کشوری است، باید برای تمام اقشار جامعه، به طور وسیع، آموزشهای شهروندی حساب شده‌ای را در نظر گرفت.

آموزش به شهروندان و تربیت آنها در گسترش رفتار شهروندی، دارای اهمیت اجتماعی و جامعه شناسی است. «به تعبیر تورنی، منظور از آموزش شهروندی در حوزه جامعه شناسی، عبارت است از: فرآیند انتقال دانشها، ارزشها و نگرشهای لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر. این انتقال شامل موارد مختلفی، نظیر آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزشهای بنیادی، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارتهای لازم برای فهم سیاستهای عمومی و نظارت بر آنها میشود».(۱)

۱- محمود شارع پور، جامعهشناسی آموزش و پرورش، ص ۳۱۷.

ص: ۱۶۰

آموزش شـهروندی و تربیت شـهروندان در یک جامعه سبب این شده است که سه عنصر اصلی شهروندی، چون نظام حقوقی، حس عضویت ملی و حس تعلق و وابسـتگی اجتماعی، در وضـعیت ارتباطات بینفرهنگی هر جامعهای اثر گـذار باشـد. بر این اساس، نقش ارتباطات، آموزش و قانون، که معطوف به تفاهم و تعامل با یکـدیگر است، از اثر گـذارترین پیوندهای اجتماعی برای کاهش مسائل و پی آمـدهای اجتمـاعی و فرهنگی در شـهر، جـامعه و حتی جهـان میتوانـد باشـد. آموزش شـهروندی چنـد لایه است که این مؤلفه چنـدین جنبه خواهـد داشت. این جنبه هـا بیشتر حول محورهـای حقوق فردی و اجتمـاعی سوق یـافته و به شـناخت عوامل احساسـی شهرونـدی و حقوق متقابل آنها نسبت به یکدیگر انجامیده است. آموزشـهای شـهروندی، قدرتی است که به صورت چتر پهن شده است که تمام افراد یک جامعه را که احساس تعلق و عضویت در یک جامعه را میکننـد، تحت پوشـش قرار میدهـد. همچنین سـطح تعلق به فرهنگ و دولت را بازگو میکند.

شنـاخت خود، دیگران و شـهر در آحـاد جـامعه، درون مایه آموزش های شـهروندی است و می بایـد در ارائه آن به نحو شایسـته از دانش برنامه ریزی آموزشی، تولید و تدوین محتوا و طراحی معمول بهره برد.

«آموزش و تربیت شـهروندی سـرمایهگذاری برای آینـده مورد نظر کشور در تمـامی ابعـاد است، برای اینکه شـهروندان جامعه را به حقوق شـهروندی شـان آشـنا کنیم و از شـهروندان جـامعه انتظار داشـته باشـیم که متعهـد و مسئول باشـند، از همان دوران کودکی مشارکت کردن در

ص: ۱۶۱

زمینه هـای مختلف را ترویـج دهیم یـا به طور کلی، در هر جامعهـای ارزش هـا، طرز تلقیهـا، بینش هـا و مهارتهـا، به همراه الگوها و روشـهای مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی به شکل ویژهای منتقل کنیم. پس نیازمند آموزش شهروندی و تربیت شهروندمداری میباشیم».(۱)

آموزش و تربیت شـهروندان می توانـد در قـالب مهارت های زنـدگی فردی و جمعی و به صورت برنامه ریزی آشـکار و پنهان ارائه شود. به وسیله این آموزش ها، افراد فرهنگ شهروندی را به دست می آورند و برای زندگی شهری آمادگی لازم را پیدا می کنند.

جهتگیری کلی جریان آموزشـهای شـهروندی، به سوی ایجاد و توسعه مشارکتهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در راستای بازیابی و بازسازی هویت اسـلامی و ایرانی است و در برشـهای زمانی و مکانی خاص بایـد به روند رو به رشد هویتبخشـی دینی و ملی، توجه کافی داشت که رسانه ملی به عنوان یکی از اثرگذارترین نهادهای فرهنگی کشور، میتواند در این زمینه نقشی برجسته داشته باشد.

۱. شهروندی و مشارکت

۱. شهروندی و مشارکت

مفهوم شـهروندی، پیونـدهای میـان فرد و جـامعه را در قـالب حقوق، تعهـدها و مسـئولیت هـا، بیـان و بر روابـط دولت و اعضای آن نظارت می کند. حقوق و مسئولیت ها و شیوه های کاربرد آن در روابط میان افراد و جامعه، دارای ارتباط متقابل با مشارکت است. در حقیقت، مشارکت از یک سو، شـیوه هایی را که افراد حقوق و مسئولیت هایشان را در جامعه درك می کنند، بازتاب می دهد و از دیگر سو، رشد توانایی ها و پذیرش

۱- ۲.نازیلا خطیب زمانی، آموزش شهروندی نیاز جامعه امروز، ص ۱۰.

ص: ۱۶۲

مسئولیت ها در زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را سبب می شود که دقیقاً به شهروندی پیوند خورده است.

در سالهای اخیر، به منظور تحلیل و تبیین اخلاقی و عمل مشارکتی، به ویژه در حوزه های مشارکت اجتماعی و سیاسی و تأثیر آن بر دگرگونی های دموکراتیک جوامع، چارچوب شهروندی به کار گرفته شده است. شهروندی معرف عضویت سیاسی، اجتماعی است که رابطه متقابل میان فرد، دولت و نهادهای مختلف در هر جامعه را مشخص می کند و بر اساس یک سلسله حقوق، تعهدها و مسئولیت های متقابل تحقق می یابد. عمدتاً این حقوق و مسئولیت ها به واسطه نهادهای جامعه مدنی تعیین شده و در قوانین حقوقی، اجتماعی و سیاسی که هر دو سوی رابطه شهروندی ملزم به رعایت آن هستند، انعکاس می یابد.(۱) به اعتباری می توان شهروندی را از چشماندازهای نظری مختلف درک کرد. در رویکرد اول، شهروندی بر حقوق افراد در اجتماع عام تمرکز یافته است که به واسطه برتری و اولویت فرد بر اجتماع به او تعلق می گیرد. طبق این سنت فکری، مردم خود را به عنوان جزیی از موجودیت سیاسی بزرگتر در نظر می گیرند که به آنان امکان دسترسی برابر به حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی اعطا کرده است. این حقوق از افراد در مقابل تهدیدها و نیروهای بیرونی حمایت می کند. یکی از حقوق اساسی شهروندان مربوط به حق فعال شدن سیاسی و مشارکت است. در حقیقت، افراد یا اعضای جامعه، شهروندی خود را از طریق فعالیت های مشارکتی که تقویت کننده حقوق آنان است، مطرح می کنند.(۲) البته

۱- turner Hamilton, Citizenship: Critical Concepts.

۲- marshall, Class, citizenship, and social development.۲.

ص: ۱۶۳

شهروندان مختار به انتخاب فعالیت ها و مشارکت هستند و می توانند در فعالیت های جامعه شرکت نکنند.

در رویکرد دوم، شهروندی بر مسئولیت های فردی نسبت به جامعه تمرکز یافته است.(۱) این رویکرد استدلال می کند که افراد عضو یک جامعه خود را بخشی از اجتماع مشترک و عام می بینند و نسبت به آن احساس مسئولیت می کنند. در واقع، افراد بر حسب احساس مسئولیت نسبت به جامعه و دست یابی به اهداف مشترک در فعالیت ها و امور مربوط به جامعه مشارکت می کنند. در این رهیافت، شهروندی موقعیتی ساده نیست، بلکه یک عمل یا فعالیت است که با انجام وظایف و مسئولیت ها محقق می شود.(۲) بنجامین باربر،(۳) یکی از صاحبنظران، شهروند شدن را مشارکت کردن می داند و استدلال می کند که شهروندی چیزی است که از پی مشارکت می آید؛ یعنی شهروندی شرط مشارکت نیست، بلکه یکی از غنیترین ثمره های آن است.(۴)

مشارکت اجتماعی را می توان بستر شکوفایی و خلاقیت های انسان دانست که از یک سو، مفهوم شهروندی بر آن ساخته می شود و از دیگر سو، جزیی از حقوق و مسئولیت های شهروندی به شمار می رود. ازاین رو، برای برقراری جامعه ای سالم باید اصلاحات سیاسی و اجتماعی، با هدف بهبود فرصت هایی برای اعضای جامعه جهت اعمال حقوق و مسئولیت هایشان، با

۱- miller, Citizenship and Pluralism.

۲- oldfield, citizenship and community: civic Republicationism and modern world.

۳- Barber.

۴- oldfield, citizenship: an unnatural Practice?

ص: ۱۶۴

ترویج اخلاق مشارکتی صورت پـذیرد. چنانکه گفتهاند: مشارکت نه فقط ابزار دست یابی، بلکه هدف توسـعه انسانی است. محور توسـعه انتخاب انسان و پرورش ظرفیت ها و توانایی های اوست. اساسـیترین ظرفیت ها برای توسـعه انسانی، هدایت به سوی زندگی سـالم و طولا‌نی، آموزش، دسترسـی به منابع مورد نیـاز در حـد اسـتانداردهای منـاسب زنـدگی و مشـارکت در زنـدگی اجتمـاعی است.(۱)

بنـابراین، ویژگی کلیـدی معروف شـهروندی که آن را از تـابعیت (۲)متمـایز می کنـد، وجود نوعی اخلا‌ق مشارکتی است.(۳) این مسـئله نشان دهنده آن است که مشارکت فعال، پایه و اساس شـهروندی، تعریف کننده شـهروندی، رمز انجام شـهروندی و جزیی از حقوق و وظایف شهروندی است.(۴)

افزون بر پیونـد میـان شـهروندی و مشـارکت در قـالب حقوق و وظـایف، تحلیلهـا و تبیینهـای این مفـاهیم حـاکی از پویایی حقوق و مسئولیت ها و ارتباط آن با مشارکت است. دیوید می لر(۵) یادآور می شود که شـیوه های تصمیمگیری در جامعه می تواند ماهیت شهرونـدی را دگرگون سـازد. اگر تصـمیمگیری هـای سیاسـی به گونه ای جـامع و تمامشـمول اتخـاذ شود، توافق و اجماع بر اساس ارزشها و ایده های تمام مشارکت کنندگان را به وجود خواهد آورد. در این حالت، افراد احساس می کنند که حقوق آنان

۱- United Nations development programme, Human development report: p. ۱۳.

۲- Subjecthood.

۳- faulks, Citizenship: p. ۴.

۴- ۱۰ پرویز پیران، برنامه جامع آگاهسازی همگانی: به سوی پایداری و شهروندمداری ، ص۳.

۵- miller, Citizenship and Pluralism.

ص: ۱۶۵

به وسیله اعضای جامعه شناخته و پذیرفته شده است و آن گاه به تعهدها و انجام وظایفشان نسبت به جامعه ادامه خواهند داد. پس می توان نتیجه گرفت که اگر ساختارهای نهادی جامعه به گونه ای طراحی شود که اکثر افراد از درگیری در مسائل و امور محروم شوند و شرایط برای مشارکت آنان فراهم نشود، روابط آنان با جامعه به ویژه در عمل به تکلیف، دستخوش دگرگونی خواهد شد.

حقوق، مسئولیت ها و مشارکت افراد در جامعه می تواند بر اساس انجام تعهدهای جامعه و نهادهای آن نیز متفاوت باشد. با وجودی که ارسطو در سیاست، شهروند را فردی مسئول نسبت به اجتماع تعریف کرده که وظایفی در جهت اهداف مشترک و منافع جمعی بر عهده دارد و شهروندی مشارکت فعال در مسائل عمومی دولت شهر است، متفکران دیگری چون روسو(۱) معتقدند که فقط مردم وظیفه مشارکت در جامعه را ندارند، بلکه جامعه نیز باید بازخوردی برای افراد داشته باشد تا زمینه های احساس تعلق و انجام تعهد وظایف در آنان، ایجاد شود و تداوم یابد. بر اساس قرارداد اجتماعی، افراد به یکدیگر، اعتماد و برای رسیدن به اهداف مشترک با کمکهای متقابل در امور و فعالیت ها، مشارکت می کنند. قرارداد اجتماعی و دریافت بازخورد برای مشارکت کنندگان، آنان را برای انجام تکالیفشان تشویق می کند.

بنابراین، تنظیم قراردادهای اجتماعی مشارکتی و بازگشت منافع آن برای مشارکت کنندگان، اهمیت دارد. برخی صاحب نظران چون الدفیلد،(۲)

۱- Rousseau.

۲- Old field.

ص: ۱۶۶

در زمینه پدیـد آوردن وضـعیت مناسب برای مشارکت اجتماعی و اعمال شـهروندی، بر ایجاد انگیزه و آموزش تأکید کردند. به نظر وی، شـهروندی عملی غیرطبیعی برای انسـان هـاست که بایـد آموزش داده شود. بایـد توجه داشت، در این گونه تعلیمـات، وظـایف شهرونـدی آموزش داده و در کودکی این آموزش هـا آغـاز شود.(۱) آموزههـای شـهروندی در دوره کودکی به گونهای است که کودک را درگیر مشـارکت همه جـانبه بـا اجتمـاع و محیـط پیرامون خود میکنـد. همچنین تصـمیمگیری و داوری عادلانه در روابط اجتماعی را آموزش میدهـد و برای فرد، احترام متقابل را در هویتهای قومی، زبانی، نژادی، فرهنگی و جنسیتی به وجود میآورد. این فرآینـد در نهادهـای آموزش رسـمی جـامعه به پرورش شـهروندی فعـال منجر می شود که این مهـارت در این عرصه، شامل تقویت شیوههـای همکـاری و کـارگروهی، تصـمیمگیری به شـیوه شـورایی، توانـایی بخشـیدن به افراد برای اسـتدلال و نقـد کردن، تقویت مهارتهای مؤثر ارتباطی، مدیریت مشترک فعالیتها و کارهای محلی، تقویت گفت وگو و مهارت های مشارکتی است.

وضعیت اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، نوع دید و نگاه مسئولان و برنامه ریزان، خلقیات و روحیات مردم و تجربیات و واقعیات گذشـته جامعه، بر پذیرش، عدم پذیرش و نحوه اجرای مشارکت اجتماعی افراد متأثر می باشد؛ افرادی که به عنوان سرمایه اجتماعی جامعه در پیشبرد اهـداف توسـعه به شـمار می آیند. بنابراین، لازمه توسـعه پایا و همه جانبه، گسترش روزافزون انگیزش و مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم در تصمیم گیریها و تعیین خط مشی مرتبط با زندگی اجتماعی

۱- Oldfield, citizenship: an unnatural Practice? ، P. ۱۹۸.

ص: ۱۶۷

آنهاست. سه جزء مهم مشارکت را می توان درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت در نظر گرفت.(۱)

۲. دامنه آموزش شهروندی

۲. دامنه آموزش شهروندی

برای آنکه بتوان از مفهوم شـهروندی شـناختی کلی داشت و به نوعی، میان برنامههای موسوم به آموزشـهای شهروندی و برداشتهای مختلف از این مفهوم ارتباط برقرار کرد، به تأسی از برخی نویسندگان، برای مفهوم شهروندی طیفی، در نظر گرفته میشود که در دو سر این طیـف، دو تعریـف گسـترده و فشـرده از این مفهوم وجود دارد که بـا دو نوع متفـاوت از آموزش هـای شـهروندی یـا مـدنی متناسب است. تعریف فشرده، ناظر بر وضعیت قانونی و شامل حقوق و تکالیفی است که از عضویت شخص در اجتماع محلی یا ملی نشئت می گیرد. بر این اساس، شـهروند مطلوب کسـی است که قوانین را رعایت کنـد، نیکوکار باشـد و از راه رأی دادن و انتخاب نماینـده، در حیات سیاسـی مشارکت کند. شـهروندی با اعطای این وضـعیت حقوقی، تحقق می یابد. این تلقی از مفهوم شـهروندی، منجر به رویکردهای محدود و رسمی به آموزش شهروندی میشود که به آموزش های مدنی معروف است.

عمدتاً این آموزشـها مبتنی بر متون آموزشـی و تعلیمات رسمیند. در برنامههایی که برای این آموزشها در نظر میگیرند، در صدد آن هسـتند که در زمینه تاریخ و جغرافیای کشور، ساختار و عملکرد دسـتگاه حکومت و قانون اساسـی به دانشآموزان، اطلاعات مختلفی ارائه دهند. هدف غایی همانا آگاهسازی از راه ارائه و انتقال اطلاعات است. این

۱- علی رضا علوی تبار، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، ص۱۵.

ص: ۱۶۸

برداشت مبتنی بر رویکردهای مستقیم در آموزش است که در آن معلم نقش مسلط و محوری ایفا میکند و دانشآموزان، مجال و انگیزه کمتری در ابتکار و مشارکت دارند.

در سوی دیگر این طیف، تعریف گسترده ای از مقوله شهروندی وجود دارد. بر اساس این تعریف، شهروندی به مفهوم آگاهی از خود به عنوان عضوی از جامعهای مردمسالار است که شهروندان باید به طور فعال در عرصه زندگی حاضر شوند و حقوق خود را به دست آورند. مقامات حاکم نیز باید وضعیت لازم را برای این مقصود فراهم سازند. این تلقی از مفهوم شهروندی به رویکردی منجر میشود که آمیزهای از روشهای رسمی و غیررسمی است که به آن آموزش شهروندی می گویند. در این آموزشها، متون و تعلیمات با رویکرد فشرده به کار گرفته میشود، اما شهروندان را به تحقیق و تفحص در بسیاری از مؤلفه های آن تشویق میکنند. در اینجا هدف غایی فقط آگاهسازی نیست، بلکه شهروندان باید با کمک این اطلاعات مهارتهای خود را نیز ارتقا بخشند و به ارزشهای عالی باور داشته باشند. روشهای آموزشی که برای این مقصود در نظر گرفته میشود، متنوع است و روشهای مستقیم معلممدار و غیرمستقیم مشارکتی را در داخل و خارج از کلاس های رسمی دربرمیگیرد.(۱)

باید در همه تعاریف و تعالیم، افزون بر تکالیف، حقوقی هم برای اشخاص در سطح محلی و ملی در نظر گرفته شود. وقتی این حقوق و تکالیف مصداق پیدا میکند که جامعه ظرفیت آن را داشته باشد. درباره ارکان آموزش شهروندی، محققان این رشته به اجماع، سه رکن را برای

۱- پدرام سعیدی، نگرش شورا و شهرداری به آموزش شهروندی، ص ۴۵.

ص: ۱۶۹

آموزش های شهروندی برشمردهاند که شاکله این آموزشها را تشکیل می دهد. این سه رکن عبارتند از:

الف) دانش شهروندی همچون حقوق اساسی، ساختار حکومت، نحوه شرکت در انتخابات و مانند اینها؛

ب) مهارتهای شهروندی همچون تفکر خلاق، توان استفاده و تحلیل از اطلاعات رسانهها، توان مشارکت در کارهای گروهی، مهارت های تحقیق و برقراری ارتباطات و نظایر اینها؛

ج) و بالاخره طرز فکر یا ارزشهای شهروندی همچون امر به معروف و نهی از منکر، احترام به حقوق دیگران، اهتمام به امور جمعی و عمومی، نظم و تعهد شخصی و نظایر آن.(۱)

۳. اهداف آموزش شهروندی

۳. اهداف آموزش شهروندی

اهداف آموزش شهروندی، ارتقای داناییها، خواستهها و توانمندیهای شهروندان در جهت زندگی سالم و حیات اجتماعی مطلوب با تأثیر در جنبه های زیر است:

بینش (ژرفاندیشی، جامعنگری، تعادل در واقعبینی و آرمانگرایی در امور شهری و نظایر آن)

دانش (افزایش اطلاعات و آگاهیها و مانند آن)

منش (درک متقابل، انصاف، پذیرش، انعطافپذیری، وفای به عهد، صرفهجویی، وجدان کار و نظایر آن)

روش (همیاری، تعاون و مشارکت)

۱- پدرام سعیدی، نگرش شورا و شهرداری به آموزش شهروندی، ص ۴۶.

ص: ۱۷۰

کنش و رفتار (رعایت نظم، انضباط اجتماعی، دقت عمل، انجام صحیح وظایف و مسئولیتها و امر به معروف و نهی از منکر)

۴. الگوهای آموزش شهروندی

۴. الگوهای آموزش شهروندی

آموزش شـهروندی و الگوهای آن در جامعه این گونه است: «اول، آموزشـهای شـهروندی منجر به شـناخت زندگی فردی اجتماعی فرهنگی ملی دینی مـدنی در کشور میشود که جزء اولین اصول مهارتهایی است که باید آموزش و پرورش و آموزش عالی به دانش آموزان و دانشـجویان فرا دهد. دوم، بخش دیگری از این مهارتها شامل سلامت جسمانی و بهداشت فردی و زیست محیطی است تا از این طریق رضایت از زنـدگی را برای افراد یک جامعه علیالخصوص در یک جامعه شـهری که پی آمدها و مشـکلات آنان رو به افزایش است برای فرد و دیگران آسان کند. سوم، باید افراد یک جامعه یاد بگیرند که به نظم و قانون مداری و عدالت در همه حال توجه کننـد و در تمام امور که انجام آن را برعهـده دارنـد، احساس مسـئولیت نماینـد. چهارم، در این گروه بایـد آموزش و پرورش مناسـبات اجتمـاعی، هم دلی، هم دردی، کمـک رسـانی، رشـد مهارتهـای زبـانی و سـایر ارتباطـات انسـانی را جهت تعامـل مـؤثر و ثمربخش به صورت برابرگونه بین افراد یک جامعه تقویت و بسط دهد. پنجم: در این بخش نهاد آموزش و پرورش و آموزش عالی باید شـهروندان جامعه را با هویت و شخصـیت فردی، خانوادگی و اجتماعی از همان کودکی نوجوانی و جوانی آشنا کنند، فرزندان ما را به مهارت های شغلی و آیندهنگری تشویق کنند که این مسئله باعث نهادینه گردیدن دقت، نظم و مسئله پیگیری و نوآوری در

ص: ۱۷۱

افراد شده که منجر به شکل گیری هویت اجتماعی و اقتصادی افراد می گردد. ششم، حکومت و دولت باید شرایطی را فراهم کنند که شهروندان بتوانند به درستی خود را بشناسند و بر اساس شناختی که از استعدادها و خلاقیت های خود دارند، شیوه زندگی خود را در قالب اهداف کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت، در راستای تحقق آرزوها، سعادت انسانی و توسعه همه جانبه پیریزی نمایند. هفتم، بخش دیگری از مهارتهای شهروندی بدین گونه در زندگی اجتماعی است که شهروندان را به تفکر درست، واقع بینانه، منطقی و هوشیارانه، همچنین خلاق و انتقادی، جهت توانایی حل مسائل مجهز کند. هشتم، وظیفه دولت این است که برای اینکه شهروندان را به آموزش مهارتهای زندگی شهروندان در یک جامعه دموکراسیگونه تشویق و ترغیب نماید، از مشارکت خانواده، بهره گیرد؛ زیرا تأثیرات انکارناپذیری این نهاد بر چگونگی دست یابی مهارتهای زندگی و شکلگیری هویت و شخصیت افراد از همان دوران کودکی اثرگذارست».(۱)

۵. نقش رفتاری آموزش شهروندی

۵. نقش رفتاری آموزش شهروندی

نقش رفتاری آموزش شهروندی به شهروندان یک جامعه در پنج جنبه خلاصه میشود که عبارتند از:

الف) نوعدوستی که شامل رفتارهای یاریدهنده و کاملاً داوطلبانه به منظور کمک به شهروندان است؛

ب) جوانمردی که در این جنبه، شهروندان همراه با رفتارهای

۱- ۱.لطف آبادی، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان، صص ۱۹ و ۲۰.

ص: ۱۷۲

جوانمردانه خود می کوشند خردهجوییها و خردهگیریها را نسبت به یکدیگر کاهش دهند؛

ج) خوشخویی نمونه دیگری از آموزش رفتارهای شهروندی نسبت به یکدیگر است که باید به صورت مشارکت فعالانه و مسئولانه بین شهروندان توسعه داد؛

د) ادب و مهربانی، جنبه دیگری از رفتارهای شهروندمدارانه نسبت به یکدیگر است. این رفتارها مانع ایجاد مشکل و مسئله در محیط های مختلف زندگی شهروندان خواهد شد. در واقع، نقش و احترام و تکریم یکدیگر و رعایت حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر در گسترش این نقش رفتاری، بسیار اثرگذار است؛

ه) وظیفه شناسی، بخش دیگری از رفتارهای شهروندمداری است که باید در قالب برنامههای درسی و غیردرسی به دانش آموزان و دانشجویان و دیگر افراد جامعه آموزش داد. این جنبه دینی، تلاشی فراسوی الزامات رسمی است که هر فردی باید در جهت همیاری همکاری و توسعه همه جانبه خود، در خود به وجود آورد.(۱)

۶. آموزش شهروندی در بعد تربیتی

۶. آموزش شهروندی در بعد تربیتی

به نظر امیل دورکیم، آموزش شهروندی از جنبه تربیتی «از طریق اکتساب دانش، مهارتها و ارزشهای منتقل شده از نسلهای بزرگسال به نسل های نرسیده و ناپخته برای زندگی اجتماعی تلقی میکند و بر این باور است که مجموعه خصلتهای آموزشی که برای تربیت شهروندان

۱- رضا هویدا و ناهید نادری، بررسی سطح رفتاری شهروندی سازمانی کارکنان، صص ۱۰۵ و ۱۰۶.

ص: ۱۷۳

در جوامع مختلف، اولاً ـ در دوره‌های مختلف از نظر فلسفه، روش و محتوا متفاوت است. ثانیاً این گونه تربیت با توجه به ساختار اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هر جامعه صورت می‌پذیرد و برنامه‌ریزی آن باید به دست نوابغ و صاحبنظران در عرصه سیاست، فرهنگ، و اقتصاد صورت پذیرد. ثالثاً این آموزش شهروندی را در درسهای ملموس و عینی مدرسه باید به گونه‌ای گنجاند که فرد شهروند پس از آن آموزش بتواند با الزامات و نیازهای زندگی در جهان فردا، هم سازی داشته باشد و اهم این تواناییها را چنین ردهبندی میکند: ۱. توانایی در برخورد منطقی و سنجیده در جهت حل و فصل رضایتبخش معضلات و دشواریها؛ ۲. توانایی در کار کردن با دیگران به صورت همکاری و پذیرفتن مسئولیتهای اجتماعی خویش؛ ۳. توانایی درک و تفاهم و تحمل تفاوتهای فرهنگی؛ ۴. توانایی تفکر انتقادی در سامان بخشی و سازندگی؛ ۵. توانایی حل تعارضات خود با دیگران با روشهای مسالمت آمیز؛ ۶. توانایی درک و شناسایی هنجارهای فرهنگی خود در جهت غنیتر ساختن توسعه فرهنگ بومی و قومی؛ ۷. توانایی در حقوق بشر در دفاع از آن، چه در جامعه خویش و چه در جامعه بینالمللی؛ ۸. توانایی در نظم پذیری جمعی و بهرهگیری از نگرش علمی از باورهای فرهنگی جامعه خود و جوامع دیگر».(۱)

در واقع، زمینههای اصلی و شکلدهنده تربیت یا آموزش شهروندی، شامل سنت تاریخی، موقعیت جغرافیایی، ساختار اجتماعی و سیاسی، نظام اقتصادی و گرایش های نوین جهانی است. در هر جامعه ای به دلیل اینکه

۱- احمد آقازاده، اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگیهای این گونه آموزشها در کشور ژاپن، ص ۴۹.

ص: ۱۷۴

کثرت گرایی، چندفرهنگی، میراث و تنوع فرهنگی و نژادی، تساهل، انسجام اجتماعی، حقوق جمعی و فردی و مسئولیت های شغلی و حرفه ای، عـدالت اجتمـاعی، هویت ملی و آزادی طلبی وجود دارد. در واقع، فرآینـد تربیت شـهروندی و آموزش آن را بـا چالش اساسی روبه رو کرده است.

آموزشـهای شـهروندی که بر پـایه اهـداف و مقاصـد در نظر گرفته می شود، در هر جامعهای شامل این اهـداف کلی است: آموزش درباره شـهروندی، آموزش از طریق شـهروندی و آموزش به منظور شهروندی. آموزش درباره شهروندی به عنوان واقعیتی تربیتی بر پایه آماده کردن دانش آموزان و افراد از نظر دانش کافی و درک تاریخ ملی و ساختارهای زنـدگی سیاسـی و مدنی متمرکز است. آموزش از طریق شـهروندی در حوزه فرآینـد تربیتی، نیازمنـد یـادگیری دانشـآموزان و افراد از طریق انجـام فعـالیت های کاملاً فعال تجربه های مشارکتی در مـدرسه یا جامعه محلی و فراتر از آن است. این یادگیری، عصـر دانش را تقویت میکنـد. آموزش به منظور تربیت شـهروندی، دانش آموزان را به یک سری ابزارهای مناسب شامل دانش و درک مهارتها و نگرشها، ارزشها و گرایشها، مجهز میکند و آنها را قادر میسازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در نقشـها و مسـئولیت هایی که در زندگی بزرگ سالی با آن روبه رو می شوند، داشته باشند. این رویه آموزش شهروندی را با کل تجربه آموزش دانشآموزان پیوند می دهد.(۱)

۷. آموزش شهروندی از بعد سیاسی

۷. آموزش شهروندی از بعد سیاسی

آمـوزش شـهروندی در ارتبـاط بـا جامعهپـذیری سیاسـی اسـت. بر اسـاس ایـن آموزشـها، شـهروندان گرایش هـا، نگرشـها، دانش و معیارهای سیاسی شان

۱- احمد آقازاده، اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگیهای این گونه آموزشها در کشور ژاپن، ص ۵۰.

ص: ۱۷۵

را به نسلهای بعدی انتقال می دهند یا با هم تعامل دارند. در واقع، این آموزش ها جهتگیریهایی را از جنبه سیاسی برای شهروندان ایجاد می کند: «۱. جهتگیری شناختی؛ یعنی آگاهی شهروند از نظام سیاسی و باور به این نظام و نقشهای آن، ۲. جهتگیری عاطفی یا احساسات شهروندان نسبت به نظام سیاسی، ۳. جهتگیری ارزیابی که مربوط به برداشتها و قضاوتهای شهروندان نسبت به موضوعات سیاسی را مورد بررسی قرار میدهد».(۱)

در هر جامعهای، هدف از آموزش شهروند سیاسی، پرورش سیاسی، شکل دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان به اقتضای قالب های اجتماعی و سیاسی است. به عبارت دیگر، پرورش سیاسی از راه آموزش شهروندی فراگردی است که شخص از طریق آن، جهتگیری سیاسی اساسی خود را در محیط جامعه کسب میکند. در واقع آموزش شهروندی سیاسی و پرورش آن؛ یعنی جذب و درونی کردن هنجارها و ارزشهای نظام سیاسی جامعه است. شهروند سیاسی از راه آموزش های لازم، با مسئولیتهای خود آگاهی ملی و وفاق سیاسی آشنا می شود. آموزش شهروندی از نگاه سیاسی دارای چنین کارکردهایی است: «۱. جامعهپذیری سیاسی شهروندان و آشناسازی با فرهنگ سیاسی، ۲. گزینش جذب و آموزش رهبران و کارگزاران سیاسی، ۳. ایجاد یگانگی سیاسی در جامعه، ۴. ایجاد زمینه برای تشکیل سازمانهایی که در جامعه نقشهای سیاسی ایفا میکنند».(۲)

۱- جامعهشناسی آموزش و پرورش، ص ۲۸۶.

۲- جامعهشناسی آموزش و پرورش، ص ۱۰۸.

ص: ۱۷۶

۸. آموزش شهروندی در بعد فرهنگی

۸. آموزش شهروندی در بعد فرهنگی

آموزش شـهروندی با ارتقای فرهنگ شـهروندی ارتباط مسقیمی دارد. این مؤلفه (ارتقاء فرهنگ شهروندی) در جهت دادن به رفتار شهروندان و کیفیت مشارکت آنان در امور جامعه، به عنوان یکی از الزامات اساسـی سرمایه اجتماعی و شاخص های توسعه یافتگی فرهنگی، نقش اثرگذاری دارد. در واقع، آموزش شـهروندی به عنوان واقعیتی فرهنگی، همراه با عناصـر کلیدی آن، همواره در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان که به اسـتقرار فرهنگ می انجامد، نقش برجسـته ای می تواند داشـته باشد. امروزه این آموزش ها در تعیین جایگاه فرد در جریان توسعه یافتگی در بستر جهانی شدن از ضرورت های دست یابی تلقی می شود.

آموزش شـهروندی، نوعی آمیختگی و رابطه تنگاتنگی با اخلاق و روابط اخلاقی دارد. این عنصـر از شهروندی، افزون بر زمینه های سیاسـی، بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و شرایط یگانگی و هم بستگی اجتماعی و اخلاق مدنی ناظر است. این مؤلفه آموزشی با مشوق هایی همچون احساس برادری، هم نوعی، تعهد و مسئولیت پذیری همراه است. آموزش های شهروندی در جنبه فرهنگی به اخلاـق شـهروندی اشـاره می کنـد. در واقع، بایـد به آموزه هـایی حقوقی پرداخت که شـهروندان در یـک شـهر نسبت به نهادهـای اجتمـاعی، شـهروندان بایـد اجرا نماینـد. آموزش شـهروندی از جنبه فرهنگی، شامل «آموزش مجموعه ای از هنجارها و ارزش هایی است که انعطاف پذیری بسیاری دارند و این امر ناشی از وجود تفاوت ها و تنوعات فرهنگی می باشد که در جامعه شکل می گیرد. از نظر ترنر، آموزش فرهنگ شهروندی با مشارکت فرهنگی افراد جامعه ارتباط دارد و باید شهروندان در امور مربوط به فرهنگ

ص: ۱۷۷

عمومی جامعه آموزش ببینند و خود را مسئول بدانند و در گسترش آن مشارکت نمایند».(۱)

مفاهیم کلیدی که باید در حوزه فرهنگ آموزش شهروندی به آن توجه بسیاری کرد، شامل «مسئولیت پذیری شهری، قانون مند بودن شهروندان و هنجارپذیری الگوهای شهرنشینی» است. در واقع، این مفاهیم فرهنگی را می توان از آغاز دوره کودکی، درونی کرد. اگر به این مؤلفه های آموزش توجه نشود، هر جامعه ای با هزینه های بسیاری روبه رو خواهد شد و ناچاریم کنترل اجتماعی را دائم بر شهروندان افزایش دهیم که این مسئله پی آمدهای فرهنگی و اجتماعی بسیاری دارد.

۹. کارکرد آموزشی رسانه ها

۹. کارکرد آموزشی رسانه ها

«آموزش»، یکی از کارکردهای اصلی و حرفهای رسانههای ارتباط جمعی است. رسانه ابزار انتقال پیام است و این، خواسته یا ناخواسته، نیازمند ارائه اطلاعات و آموزشهایی است که مخاطب میتواند آن را بپذیرد یا رد کند.

باید بحثهای مربوط به نقش آموزشی رسانهها را در دغدغهها و نگرانیهایی جست که پس از فراگستری تلویزیون در جوامع مختلف بشری، نسبت به تأثیرات منفی محصولات رسانه در زمینههای خشونت، سکس و از خودبیگانگی فرهنگی، به ویژه روی گروههای سنی خاص، از جمله کودکان، نوجوانان و جوانان پدید آمد. در نتیجه، با اجرای

۱- محمدحسن شربتیان، تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راه کارهایی برای گسترش آن، ص ۱۲۳.

ص: ۱۷۸

صدها طرح تحقیقاتی در کشورهای گوناگون جهان، هرچند اجماعی در زمینه وجود و عدم وجود، میزان و نحوه اثرگذاری غیرمستقیم رسانهها بر مخاطبان در میان اندیشمندان حاصل نشد، نوعی خودآگاهی جمعی نسبت به بهره مندی آموزشی از عموم رسانهها، به ویژه تلویزیون پدیدار شد که مبنای مطالعات، نظریهپردازیها و اقدامات دیگری در توسعه رسانههای آموزشی به شمار میرود.

امروزه آموزش به عنوان نهادی اجتماعی، در رابطهای تنگاتنگ با نهاد ارتباط جمعی، رسانهها را در سرفصل برنامههای توسعه آموزشی جوامع قرار داده است. پس از جنگ جهانی دوم، تلویزیون با تکیه بر توانمندی های منحصر به فرد خود، کارکردهای تازه ای را در عرصه آموزش بر عهده گرفت و به عنوان رسانه ای آموزشی، جایگاه ویژهای برای خود تعریف کرد.

هنگامی که از کارکردها و نقش رسانهها سخن به میان میآید، آموزش را از محورهای اصلی آن به شمار میآورند. برای نخستین بار، «هارولد لاسول»، محقق امریکایی، در مقالهای که در سال ۱۹۸۴ نوشت، سه نقش اساسی نظارت بر محیط (نقش خبری)، ایجاد و توسعه هم بستگیهای اجتماعی (نقش تشریحی) و انتقال میراث فرهنگی (نقش آموزشی) را برای وسایل ارتباط جمعی در نظر گرفت. چند سال بعد، «چارلز رایت»، نقش اجتماعی دیگری را درباره ایجاد سرگرمی (نقش تفریحی)، به نقشهای پیشین افزود. امروزه نیز از همین دیدگاه استفاده میشود. از جمله «مک براید»، در گزارش کمیسیون بینالمللی مطالعه مسائل ارتباطی بر آن تأکید میکند. در این گزارش که به سفارش سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد

ص: ۱۷۹

(یونسکو) و با همکاری صاحبنظران و دستاندرکاران مسائل ارتباطی دنیا تهیه شده، کوشش شده است پس از همه مسائل مربوط به ارتباطات و تجزیه و تحلیل و طبقهبندی لازم، اصول اساسی طرح و تنظیم سیاستهای ارتباطی ملی و نیز همکاری بینالمللی در عرصه ارتباطات تعیین شود.

کارویژههای اصلی ارتباط را میتوان به این ترتیب تعریف کرد:

اطلاعات: گردآوری، ذخیره، پرورش و انتشار اخبار، حقایق و عقاید لازم برای رسیدن به درکی آگاهانه از وضعیت فرد، جامعه و شرایط ملی و بینالمللی و اتخاذ تصمیمات مناسب بر اساس آن.

اجتماعی کردن: فراهم آوردن یک پشتوانه همگانی فکری برای عموم مردم برای هم بستگی و آگاهی اجتماعی تا به این ترتیب افراد به طور فعال در زندگی عمومی مشارکت داشته باشند.

انگیزش: پیشبرد هدفهای کوتاهمدت و بلندمدت اجتماعی و نیز آرزوهای فردی، به منظور تحریک فعالیتهای فردی و جمعی در جهت اهداف عمومی.

گفت وگو: ارائه اطلاعات موجود به منظور روشن شدن مسائل عمومی و آسان کردن توافق همگانی و نیز تقویت توجه عمومی به مسائل محلی، ملی و بینالمللی.

آموزش و پرورش: انتقال دانش برای تکامل معنوی بیشتر، منش سازی و کسب مهارتها طی سالهای زندگی.

پیشرفت فرهنگی: انتشار کارهای فرهنگی و هنری، حفظ میراث فرهنگی و گسترش افقهای فردی از طریق بیدار کردن قوه ابتکار و تحریک آفرینش و نیازهای زیباییشناختی.

ص: ۱۸۰

تفریحات: اشاعه و ترویج نمایش، ادبیات، ورزش و نظایر اینها برای سرگرمی و تفریح فردی و جمعی.

انسجامدهی: قرار دادن پیامهای گوناگون در دسترس افراد، گروهها و ملتها، برای کمک به شناخت و درک دیدگاهها و آرزوهای مشترک یکدیگر.

۱۰. رسانه ملی و آموزش شهروندی

۱۰. رسانه ملی و آموزش شهروندی

اگر از منظر تاریخی، شهر دارای سه شکل زمانمند شهر سنتی، شهر مدرن و شهر پستمدرن باشد، رسانهها را میتوان به سه شکل رسانه های سنتی، مانند منبر، کتابهای خطی، و جارچیها، رسانههای مدرن، مانند رسانههای توده ای: چاپ و رسانههای الکترونیک مانند رادیو و تلویزیون، و رسانههای چند بعدی، مانند اینترنت، که دارای ویژگی های تعاملی و ترکیبی هستند و به لحاظ ابزاری بیشترین کاهش محدودیتها را برای مخاطب فراهم کردهاند، تقسیمبندی کرد. در این میان رسانهها چه نقشی میتوانند در آموزش شهروندی داشته باشند؟

در این ساختار، مفهوم «شهروند فعال» به عنوان مفهومی برای تقویت اتصال شهروندان با مسائل مختلف مطرح میشود. در این میان، بخش اعظمی از رسانههای جدید سعی در نهادینه کردن رفتارها و کنشهای مدنی برای شهروندان دارند. آموزش شهروندی درصدد انتقال دانشها، مهارتها و ارزشهایی است که از میان آنها، شهروندان به شکل فعالی در اداره امور خود مشارکت میکنند. خانواده، مدرسه، اجتماع ملی و فراملی، در آموزش این مسائل می کوشند، ولی مهمترین ویژگی آموزش شهروندی فعال، این است

ص: ۱۸۱

که افراد به شکلی نقادانه با مسائل گوناگون خود روبه رو شوند و در برخورد با مسائل روزمره زندگی شان (در تمام سطوح) نقشی فعالانه داشته باشند.

در این مفهوم از شهروندی، برای شکلگیری ارتباط کارا برای شهروندان (در هر دو سطح افقی و عمودی) رسانهها ابزاری مهم فراهم میکنند تا آنان به نوعی «احساس تعلق» به جامعه خود دست یابند. برای رسیدن به این هدف باید در رسانهها، آموزش شهروندی را در سه جنبه اصلی، تحقق بخشید:

۱. جنبه شناختی (اطلاعات)؛

۲. جنبه عاطفی (ایجاد احساس و عواطف)؛

۳. جنبه عمل گرایانه.

زمانی آموزش هر مفهوم میتواند کارآیی لازم داشته باشد و به اهداف خود دست یابد که این سه ویژگی را توأمان، سرلوحه برنامه های خود قرار دهد، اما رسانه و به ویژه رسانه ملی، چگونه میتواند آموزش شهروندی را در این سه سطح انجام دهد؟ بر این اساس، باید رسانهها فرهنگ مدارا و هم زیستی، احساس هم دلی با مسائل مختلف جامعه، احساس تعلق و شکل گیری نگاه تأملی و انتقادی نسبت به جامعه، تقویت اعتماد به نفس فردی و جمعی، فرهنگ درست بهر ه مندی از امکانات و ابزارهای شهری و افزایش آگاهیهای سیاسی و اجتماعی و تاریخی را در میان شهروندان، نهادینه کنند. ظرفیت فرهنگ رسانهای برای انتقال دیدگاهها و تصاویر از طریق زمان و فضا، به شکلگیری فرهنگ شهروندی یاری میرساند و چنین تحول و توسعهای در یک جامعه، آگاهی افراد را تقویت

ص: ۱۸۲

می کند و شکلی از شهروندی را ارائه میدهد که دیگر از طریق دولت ملت ایجاد نشده است.

شهروندی ناشی از این فرآیند، شهروندی ایستا نیست، بلکه شهروندی پویاست و در آن افزون بر خدمات عمومی، جنبشهای اجتماعی، حوادث، سبکهای زندگی، تولیدات مصرفی، ایدههای مذهبی، خطرها، مخاطرات و عقاید اخلاقی، همه برای رؤیت در یک فرهنگ رسانهای مبارزه میکنند.

رسانه ملی با ایجاد زمینه گفت وگو و ترویج مسئولیتپذیری در مسائل گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، سیاست شهروندی فرهنگی را گسترش میدهد؛ زیرا عموماً رسانههای ارتباط جمعی شکلی از فرهنگ را به نمایش میگذارند که به طور نمادین، افقهای عمودی و سرمایهگذاری را تشکیل میدهند و در روند سیاستگذاری نقش مهمی دارند.

رسانهها و سیستمهای ملی پخش، با تقویت گفت وگو در حد فاصل عموم مردم و مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، به ارائه الگوهای مناسب مشارکت شهروندی کمک کنند و سبب توسعه شهروندی شوند. بنابراین، نیاز داریم به توانایی و ظرفیت رسانهها در تغییر اطلاعات از طریق زمان و فضا اعتقاد داشته باشیم. آنچه تامسون، «صمیمیت از راه دور» مینامد. رابطه مخاطب با حوادث رسانهای و مانند آن، با ارتباط مخاطب با حوادث، متفاوت است. رابطه یکطرفه صمیمیت، به بررسی و موشکافی حوادث رسانهای از طرف مخاطب بستگی دارد. با توجه به ارتباط گسترده با عموم مردم جامعه شهری ایران، رسانههای ملی باید «با به کارگیری زبان مردمپسند مصرف، حس ارتباط جاری با یک موضوع

ص: ۱۸۳

را گسترش دهند» و اجتماعی همپوشان را در محدوده ای ملی شکل دهند و آن اجتماع را تقویت کنند.

از نظر تاریخی، پیام اصلی رادیو و تلویزیون ملی، بهره مندی از زبان و سبک زندگی روزمره است. این رسانهها، از لحاظ فرهنگی، نهادهای اصلی تعیینکننده در جامعه امروزی هستند. به باور کاستلز، تلویزیون، چارچوب، زبان و نوع مبادله نمادین در جامعه امروز را تعیین و تعریف میکند. مرکزیت جایگاه ارتباطات مدرن در فرهنگ جامعه معاصر، به گونهای است که رسانههای جدید، سازنده و حامل فرهنگ تودهای و «فرهنگ مجازیت واقعی» هستند که آن را با خود به همراه آوردهاند.

در مقابل این رسانهها، باید نقش تلویزیون را به عنوان رسانه ای خانگی درک کنیم. روگر سیلورستون، استدلال کرده است که تلویزیون، همانند دیگر رسانهها، در چارچوب محدودیتها بین خانه و عموم، خصوصی و جمعی و صمیمی و روابط اجتماعی، دورتر عمل میکند و مانند دیگر رسانهها نظیر رادیو، در چارچوب بافت و زمینه اجتماعی و فرهنگی به نقشآفرینی می پردازد و در پی ارائه الگویی خاص از مسائل مختلف است. همچنین تلویزیون ملی میتواند چشمانداز اخلاقی مشترک و انسجامی اخلاقی و دلسوزانه ایجاد کند. البته در این مورد دیدگاههای گوناگونی وجود دارد. کیت تستر استدلال میکند تلویزیون نمیتواند در عمل نوعی همبستگی اخلاقی ایجاد کند، اما میتواند منبعی فرهنگی برای افرادی باشد که زمینهای نسبت به جهش (تغییر ناگهانی) اخلاقی دارند.

امروزه نمیتوان از در برگیری نمادین فرهنگ رسانهای در جامعه فرار

ص: ۱۸۴

کرد؛ زیرا رسانهها دنیاهای احتمالی برای ایجاد تجربه برای ما را چند برابر میکنند و واکنشهای جمعی و فردی را نسبت به مسائل مختلف شکل می دهند. به عبارت دیگر، اگر فرهنگهای رسانهای، دنیای احتمالی ما را از تجربه تنوع میبخشند، اما نیازمند توجه به روشهای مختلف و ترکیبی هستیم که موارد مختلف مورد تفسیر قرار گیرند و این موضوع ما را به ایده «پیوستگی» از مولگان میکشاند که در آن نیازمند مطالعه چرخههای مختلط اطلاعاتی هستیم که عموماً نظم نوین رسانهای ارائه میکند.

در چنین وضعیتی، ظرفیت شهروندان در انتخاب سطوح تعامل خویش تقویت میشود. بنابراین، رسانههای ملی باید به اشکال گفت وگومحورتری از ارتباطات در مسائل جامعه برگردند و در عین نمایش این مسائل در برنامه های مختلف، به پیوستگی ارتباط بین جامعه و شهروندی ادامه دهند و با گسترش شهروندی فرهنگی، فرهنگسازی را در این زمینه نهادینه کنند تا میثاق شهروندی در شهر شکل بگیرد و زمینه شکلگیری الگوی بهینه و مطلوب حکم رانی خوب فراهم شود.

۱۱. رویکردهای رسانهای آموزش شهروندی در رسانه ملی

در اینجا از رویکردهای رسانه ای برای حکمرانی خوب جامعه بهره می بریم. برای حصول بهتر این فرآیند و تعیین مراحل شکل گیری رفتار مطلوب و بهینه فرهنگی، رویکردهای برجسته سازی، چارچوب بندی در مراحل اول نسبت به دیگر رویکردهای ارتباطات در این زمینه اثر گذارتر عمل می کنند. نظریه برجسته سازی بیشتر درباره تلویزیون (که دارای مخاطبان فراوان است و تأثیر زیادی بر آنان دارد)، مطرح شده است.

ص: ۱۸۵

گیل، برجسته سازی را از شیوه های تصمیم گیری رسانه های جمعی تر این باره می داند که چه اطلاعات و موضوعاتی برای مطرح و بحث شدن در جامعه، اهمیت بیشتری دارند. به نظر او برجسته سازی، فرآیندی است که طی آن رسانه های جمعی اهمیت نسبی موضوعات مختلف را به مخاطب انتقال می دهند. هر چه رسانه ها به موضوع یا رویداد اهمیت بیشتری بدهند، مخاطبان اهمیت بیشتری برای آن در نظر می گیرند. در واقع، عبارت معروف رسانه ها به مردم نمی گویند به چه بیندیشند، ولی به آنها می گویند درباره چه بیندیشند، جوهره این نظریه را به دست می دهد. (۱)

بنابراین، از منظر نظریه برجسته سازی، کارکرد اصلی رسانه ها این نیست که به مردم چگونه فکر کردن را نشان دهند، بلکه رسانه ها تعیین کننده این امر هستند که مردم به چه چیزی فکر کنند. آنها با در اختیار قرار دادن عناوینی خاصی در اختیار مخاطب، انتخاب و تفکر او را به سمت ویژه ای هدایت می کنند. این الگو از قدرت رسانه ها را می توان صورت بندی مک کامبز و شاو (۱۹۷۲) دانست. تمیز و شاو مدعی هستند که مردم از رسانه ها دو چیز را یاد می گیرند: نخست، اطلاعات واقعی است و دوم اینکه رسانه ها اهمیت و برجستگی موضوع را به آنها ارائه می دهند. اگر موضوع یا رویدادی، پوشش گسترده ای داشته باشد، از این راه به مخاطبان گفته می شود که این موضوع یا رویداد مهم ترین مسئله است و اگر پوشش رسانه ای کمی داشته باشد یا اصلاً پوشش رسانه ای نداشته باشد، بی اهمیت بودن

۱- ورنر سورین, کاربرد نظریه های ارتباطات, ترجمه علیرضا دهقان, ص۱۴۸

ص: ۱۸۶

موضوع را نشان می دهد. سپس اگر رسانه ما نتوانند موفق شوند که به ما بگویند چگونه فکر کنیم، در ارائه این مسئله که درباره چه چیزی فکر کنیم، موفق هستند.(۱) تسونئو اوگاوا(۲)، برجسته سازی را به دو دسته کمی و کیفی تقسیم میکنـد. وی می گوید: دو نوع کاربرد برجسته سازی وجود دارد، یکی مبتنی است بر کمیت اطلاعات پیرامون موضوع مورد نظر این کاربرد برجسته سازی به گزارش با شیوه تندنویسی مربوط می شود که خود مبتنی بر داده های عینی انتشار یافته از سوی وزارتخانه ها و سازمان های زیربط است. نوع دوم، کاربرد برجسته سازی، به کیفیت پیش بینی سیاسی مربوط می شود، نه به کل میزان اطلاعات. نوع اول، کاربرد برجسته سازی اتمی و نوع دوم، کاربرد برجسته سازی کیفی خوانده می شود.(۳) به بیان دیگر، برجستگی یک موضوع یا مسئله در رسانه های جمعی، اهمیت آن را در بین مخاطب تحت تاثیر قرار می دهد. مک کوئیل(۴) به این رویکرد در چهار محور توجه می تند:

- بحث عمومی با مساحت مهم بیان میشود:

- برجستکی از ترکیب افکار عمومی و گزاره سیاسی ناشی می شود.

- اخبار و اطلاعات رسانه های جمعی، محتوا و اولویت موضوعات را متعکس می کند.

۱- McCombs. Maxwell Shaw. Donald L. (۱۹۷۲). The Agenda — setting Function of the Media: p.۶۶.

۲- تسونئو اوگاوا, کاربرد تنظیم و برجسته سازی خبر, ترجمه: زهره بیدختی, ص ۹۹

۳- تسونئو اوگاوا, کاربرد تنظیم و برجسته سازی خبر, ترجمه: زهره بیدختی, ص ۹۹

۴- مک کوئیل, دنیس, درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی, ترجمه پرویز اجمالی, ص ۲۱۶

ص: ۱۸۷

این بازنمود موضوعات در رسانه های جمعی، بر محتوای موضوع و برجستگی نسبی در افکار عمومی، تأثیر مستقلی به جا می گذارد. فرآیندهای برجسته سازی، رقابتی تکوینی در میان حامیان موضوع، برای جلب توجه متخصصان رسانه ای، عموم و نخبگان سیاسی هستند، اما مفهوم برجسته سازی از آغاز از این مسیر شکل نگرفته بود. نظم مورد انتظار شاخص های جهان واقعی، اولویت رسانه، اولویت عموم و اولویت سیاست با میزان اعتبار هر یک از این روابط مورد انتظار.(۱) محتوای رسانه، روابط بین واقعیت و گزینش وقایع از سوی رسانه ها و تأثیر آن بر ادراک عموم را مقایسه می کند. تحقیق برجسته سازی ثابت کرده است که اشکال ذهنی مردم، به ویژه کسانی که با واقعیت ارتباط مستقیمی ندارند از طریق رسانه ها جهت داده می شود و این فرآیند برای همگان، به یک اندازه و یک شیوه رخ نمیدهد. بنابراین، برای اینکه ارائه الگوهای مناسب برای شهروندان، اهمیت خاصی داشته باشد، باید اطلاعات مورد نیاز در اختیار مخاطب قرار گیرد و مخاطب باطیف مختلفی از اطلاعات مورد مسائل شهری مواجه شود و الگوها و جهان بینی خاصی را پذیرا باشد. تا زمانی که مخاطب با اطلاعاتی در این زمینه رو به رو نشده است، انتظار هیچ نوع تغییر و تحولی را نمی توان داشت، اما ارائه صرفا اطلاعات و برجسته سازی در مسائل شهروندی دیدگاه خاصی را در میان شهروندان ایجاد نمیکند. باید رسانه چارچوبهای تفسیری از مسائل شهروندی به همراه برجسته سازی ارائه کند و این امر ما را به سمت نظریه چارچوب بندی می کشاند.

۱- جیمز دیبرینگ و اورت راجرز، مبانی برجسته سازی رسانه ها، ترجمه: مهدی رشکیانی و علی اصغر کیا. ص۱۳.

ص: ۱۸۸

بنیادی ترین بحث درباره چارچوب بندی این است که رسانه ها به سادگی فراهم آورنده اطلاعاتی از رویدادها و موضوعات خاصی نیستند، بلکه فراهم آورنده دیدگاه های خاصی برای ما هستند. این امر، رویدادها و موضوع ها را در زمینه های خاصی قرار می دهد و مخاطبان را تشویق می کند، موضوع را از راه هایی خاص ادراک کنند. بنابراین، رسانه ها فقط انتخاب کننده رویدادهای تحت پوشش نیستند، بلکه چارچوب های تفسیری را به همراه پوشش رسانه ای ارائه می کنند که موضوع مدنظر در این چارچوب فهمیده می شود. چارچوب ها الگوهای شناختی پایدار و مستحکم شناختی، تفسیری و طرز ارائه متن رسانه ای هستند که از راه گزینش، تاکید و کنار گذاشتن مسائل از سوی دست اندرکاران نمادهای سازمان دهنده گفتمان (چه کلامی و چه بصری) به شکل منظمی به مخاطبان ارائه می شوند. در اینجا رسانه ها قدرت خاصی دارند و آن عبارت از توانایی تفسیر رویدادها و موضوعات است. چارچوب های رسانه ای، مسائل را تعریف، مشکلات را تعیین و مشکلات را ایجاد می کنند، قضاوتی اخلاقی درباره آن ارائه میدهند و در نهایت، راه حل ها را عرضه می کنند.(۱)

بنابراین، رسانه ها از قدرت و ظرفیت ارائه موضوعات و مسائل در چارچوبی معین و خاصی برخوردارند. رویکرد رابرت آنتمن(۲) از نظر روش شناسی، الگویی نظام مند در چارچوب بندی است. او معتقد است پنج جنبه برای متن رسانه ای وجود دارد که در مطالعه و بررسی

۱- Entman R. M. Framing Toward clarification of affactured paradigm. p. ۵۲.

۲- Enman, R.M. Framing US coverage of intemational news. Contrasts in namatives of the KALand Iran airincidents. pp. ۶–۲۷.

ص: ۱۸۹

چارچوب های رسانه ای بایـد به آن توجه شود. لزوماً هر پنـج جنبه، در هر متن رسانهای دیـده نمیشود و اهمیت مساوی با یکـدیگر ندارند، اما در کنار هم جارجبی را برای بررسـی جارجرب بندی از طریق رسانه ها فراهم می کنند. این موارد عبارتند از: – تصـمیم گیری درباره اهمیت موضوع: اندازه و فضاهای اختصاص داده شده به موضوع و درجه برجسـتگی و اهمیتی که رسانه برای آن قافل می شود، اولین معیار است. اهمیت خبر یا گزارش خبری، با توجه به جایگاه آن در صفحه نخست روزنامه و تلویزیون یا قرار گرفتن در لیـد مطلب خبری یـک برنتن، مشـخص میشود. بیان یا اظهارنظر قطعی درباره عقیـده رسانه در شـکلی نامتناسب با رویـداد، نشان دهنده سهل انگاری در کار رسانه است.

– عـاملیت: این معیـار بـا توجه به بهره منـدی ویژه رسـانه از واژههـا و تصـاویر برمی گردد که نشـان می دهـد، یـک گزارش کجا و چگونه باید گزارش شود.

– تطابق یا همسانی: این معیار به بهره مندی و ویژه رسانه از واژه ها و تصاویری برمی گردد که تطابق و همسانی با رویداد مورد نظر را به شکل بسیار مستقیم باعث می شوند یا از این نوع هم سانی ممانعت می کنند.

– طبقه بنـدی: این معیار نشان دهنـده راه و روشـی است که رسانه از راه آن، رویـدادها و موضوعات را برچسب میزنـد. طبقه بنـدی های مختلف ما را تعقیب می کنند که به موضوع در اشکالی بسیار متفاوت نگاه کنیم.

– تعمیم دادن: نشان دهنده درجه و میزان تعمیم رسانه ای از یک رویکرد

ص: ۱۹۰

یا موضوع در متن خبری است که آن را در قالب نظامی–سیاسی تعریف می کند.

۱۲. مشکلات و چالش های اصلی در آموزش رسانه ای در تلویزیون

۱۲. مشکلات و چالش های اصلی در آموزش رسانه ای در تلویزیون

آموزش رسانه نیز همچون خود رسانه با تغییر محورهای توجه و بازسازی تأکیـدها، مراحل تکامل و گذار را می پیماید. وقتی برخی مشـکلات بیان می شود، باید فراگردهای جهانیسازی و تمرکز و خطرات بالقوه آنها برای دموکراسی و آزادی بیان و مطبوعات را با هوشـیاری زیر نظر داشت. بایـد کیفیت محتوای رسانهـای با دیـدی انتقادی ارزیابی شود. به دست آوردن مهارتهای بازیابی دانش و جهتگیری برای جلوگیری از مشارکت نابرابر نیز لازم است. به علاوه مدرسان رسانه باید خود را با این وضعیت ها تطبیق دهند:

رشد سریع صنایع رسانهای به سرعت متحول شونده، که جوانان در آن رشد میکنند و شکلگیری قالبهای جدید؛

نقش تغییریابنده مدارس، به عنوان تنها عرضه کنندگان اطلاعات و دانش و نیز تغییر نقش معلمان؛

تغییر و گاه ساده شدن وضعیت آموزش رسانه، به دلیل کاربست چندرسانهای؛

به تدریـج، گسترش حوزه آموزش رسـانه، به ویژه در قـالب آموزش غیر رسـمی و مادام العمر اهمیت مییابـد. آموزش رسانهای باید بزرگسالان امروز و سالمنـدان فردا را هـدف قرار دهـد و تضـمین کند که هیچ یک از گروه های اجتماعی را از فعالیتهایشان محروم نخواهد کرد؛

ص: ۱۹۱

همکاری با متخصصان رسانه و مشارکت آنان در آموزش رسانه و تماس با صنایع رسانهای.

پدیـد آوردن راههای جدیـد برقراری ارتباط و ادای وظایف آموزشـی رسانه، از راه آموزش معمولی، آموزش از راه دور، و مشاوره از راه دور؛

همکاری بیشتر میان سازمانهای معلمان، مدرسان و والدین؛

ارزیابی و تحقیق درباره فعالیتهای آموزشی رسانه از راه پژوهش در آموزش و پژوهش میانرشتهای و کار توسعهای؛

روابط عمومی بسیار قوی، نشان دادن اهداف آموزشی رسانه، بهترین الگوهای عملی و پروژههای آزمایشی؛

رویکرد خوشبینانهتر به رسانه، بدون از دست دادن گرایش انتقادی؛ زیرا رسانه و محصولات آن میتوانند زندگی ما را در حوزههای گوناگون غنی سازند؛

اتخاذ سیاستهای حمایتکننده از آموزش رسانه در حوزههای مختلف هر کشور اهمیتی حیاتی دارد.

۱۳. رسانه های شهروندی

اشاره

۱۳. رسانه های شهروندی

با ظهور فن آوری ها و ابزار جدیـد ارتباطی، حوزه عمل رسانههای شـهروندی، گستردهتر و بیش از هر زمان دیگر بر عنصـر زمان و مکان چیره شـده است. همگرایی رسانهای کمک کرده تا گونههای مختلفی از رسانهها در بستر اینترنت کنار یکـدیگر قرار گیرنـد. جـامعه مـا سـرشار از بـار اطلاعاتی سـنگینی است و ابزارهای رسانهای ماننـد تلویزیون، رادیو، اینترنت، تبلیغات، پست الکترونیک و تلفن همراه، همگی بر این سنگینی میافزایند. از سوی دیگر، شکل زندگی در عصر حاضر به ویژه در

ص: ۱۹۲

جوامع شهری، ناگزیر همراه با پذیرش حقوق شهروندی، آموزشهای شهروندی و انبوهی از کارهای الزام آور روزمره است.

عبارت «رسانههای شهروندی» نخستین بار به وسیله کلمنکیا رودریگز در اثری به نام مدیا اسکیپ: مطالعه بینالمللی رسانههای شهروندی در سال ۲۰۰۱ به کار رفت. دانش نامه بینالمللی ارتباطات برای اشاره به رسانههایی که شهروندان در آن نقش دارند، عبارت «رسانههای شهروندی» را به کار برده است. بر اساس تعریف دانش نامه بینالمللی ارتباطات، رسانههای شهروندی عبارتی است که در مقالههای علمی ارتباطات و رسانه، برای ارجاع به رسانههای الکترونیکی مانند رادیو و تلویزیون و فن آوریهای ارتباطی و اطلاعاتی نظیر پیام کوتاه، تلفن همراه و اینترنت، استفاده میشود که در این رسانهها به وسیله شهروندان و گروههایی که به دنبال تأمین اطلاعات و ارتباطات خودشان هستند، کنترل و استفاده میشوند. این عبارت به عنوان واژه ای علمی به خانواده بزرگی از مفاهیم تعلق دارد؛ مفاهیمی نظیر رسانههای جماعتی، رسانههای مشارکتی و رسانههای رادیکال. همه این واژهها کم و بیش بر واقعیت مشابهی که از رسانههای تحت کنترل شهروندان و گروهها تعلق دارند، اما هر کدام از آنها در چارچوب مفهومی متفاوتی ظهور یافتهاند.

الف) تغییر جایگاه از مخاطب به تولیدکننده

الف) تغییر جایگاه از مخاطب به تولیدکننده

مهمترین بحث در زمینه رسانههای شهروندی، تغییر جایگاه از مخاطب به تولیدکننده است؛ شهروندانی که به چرخه تولید و توزیع خبر وارد شدهاند، روز به روز بیشتر مورد توجه قرار میگیرند. امروزه ما شاهد

ص: ۱۹۳

هستیم روزنامه های بزرگ و خبرگزاریها برای پوشش اخبار در حوزه های گوناگون، دست به دامن شهروندانی شدهاند که مشارکت در فرآیند تولید خبر را به عنوان نقشی جدید پذیرفتهاند. در این تغییر جایگاه، توسعه رسانه ها در آموزشهای شهروندان قرار میگیرد. توسعه رسانه به گونهای است که صداهای جدیدی به گوش میرسد؛ صداهایی که فقط محدود به کسانی نیست که دوست دارند سخنرانی عمومی انجام دهند، بلکه حتی کسانی که میخواهند آنچه را بدان میاندیشند، بگویند و این فرصت را داشته باشند تا حرفشان به وسیله دیگران، هرچند شماری اندک شنیده شود. همواره شهروندان در مقام کارگزاران اخلاق، راههای جدیدی برای بیان شهروندی خود مییابند. بر این اساس، فرد و جامعه در تعامل دوگانه به سر میبرند. به سخنی دیگر، کارگزاری فردی و کردارهای اجتماعی به طور متقابل و مضاعفی به هم وابستهاند. فرد از راه اعمال حقوق و تعهدات، وضعیت ضروری شهروندی را بازتولید میکند. با ایجاد چنین وضعیتی باید امیدوار بود که بتوان دغدغه معاصر بودن خود را به صورت مشارکت در ساختار جامعهای که خواهان آن هستیم، نشان دهیم. از این نظر ضرورت آمادهسازی نوجوانان، جوانان و بزرگان برای مشارکت در نوعی زندگی مدنی، با توجه به تغییرهای پرشتاب، که در همه جنبه های فکری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فن آوری ایجاد شده، بیش از پیش احساس میشود.

ب) رابطه میان رسانه های شهروندی و آموزش شهروندی

ب) رابطه میان رسانه های شهروندی و آموزش شهروندی

رسانههای شهروندی، رسانههایی هستند که به وسیله افراد و گروههای گوناگون ایجاد شده و هدف آنها فراهم کردن اطلاعاتی است که

ص: ۱۹۴

شهروندان را قادر می سازد تا شهروندی خویش را با ارتقای جمعی و مشارکت، اعمال کنند. شهروند کسی است که شهروندی یا عضویت خویش را در جامعه، نه تنها با مصرف اطلاعات یا بیان عقاید خود به عنوان مصرفکننده نشان می دهد، بلکه با بهره مندی از آن اطلاعات، به طور فعالانه در گفتمان عمومی مشارکت میکند. مقایسه رسانههای شهروندی با رسانههای جریان اصلی نشان میدهد که هر دو رسانه در شرایط مختلف و با ویژگیهای متفاوتی عمل میکنند.

تشویق شهروندان به پذیرش و انجام مسئولیتهای مدنی و مشارکت در امور سیاسی، چالش مهم پیش روی ساختارهای سیاسی در جوامع در حال توسعه است. جهانی شدن و جامعه اطلاعاتی در این فرآیند بسیار اثرگذار بوده است. شهروندی رابطهای است و بیش از اینکه سطح عمودی داشته باشد، وجه افقی دارد و به تعامل و ارتباط با سایرین و مسئولیت افراد نسبت به هم بازمیگردد. این رسانهها امکان مشارکت شهروندان در تولید و پخش محتوا را افزایش داده و از سوی دیگر، دریافت محتوا را نیز خودگزین کرده اند.(۱) رسانههای شهروندی میتواند با افزایش نقش مردم، نظارت شهروندان را تا ایجاد مشارکت آنها در مسائل شهری و حل آنها توسعه دهند.(۲) شهر با شهروندان معنا می یابد و در این میان، رسانهها در آموزش شهروندان نقش مؤثری دارند. آموزش فرهنگ شهروندی و ارتقای دانش و اطلاعات شهروندان، یکی از مهمترین بخش های جامعه پذیری است.

۱- هادی خانیکی و پدرام الوندی، رسانههای شهروندی و حوزه عمومی جای گزین (مطالعه موردی پنج سایت فعال روزنامه نگاری شهروندی در ایران)، صص ۱۳۹ ۱۸۸.

۲- هادی خانیکی و پدرام الوندی، رسانههای شهروندی و حوزه عمومی جای گزین (مطالعه موردی پنج سایت فعال روزنامه نگاری شهروندی در ایران)، صص ۱۳۹ ۱۸۸.

ص: ۱۹۵

در این زمینه، تأمین یکی از بهترین حقوق شـهروندی؛ یعنی حق دسترسـی آزاد به اطلاعات قانونی، به عنوان قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، با ۲۴ ماده و ۷ تبصره، در تاریخ ۶/۱۱/۱۳۸۷ به تصویب مجلس شورای اسـلامی رسید و در تاریخ ۳۱/۰۵/۱۳۸۸، مجمع تشـخیص مصـلحت نظام، با الحاق یک تبصره ماده (۱۰) آن را به تصویب نهـایی رسانـد. بر اسـاس این قانون، هر ایرانی حق دسترسـی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشـد. از راه انتشار و اعلان عمومی و رسانههای همگانی، از جمله صـدا و سـیما، مطبوعـات به معنـای عـام کلمه و فضـای مجـازی از راه سـایت هـای خبری، برای اطلاعرسانی کامل و ارتباط با مردم رسالت مهمی در جهت تـدوین برنامههای سازمان دهی شـده بر دوش خود میکشـند. آموزش شـهروندی، نحوه ایجاد انگیزش برای پـذیرش نقش شـهروند و توجه به منافع جمعی است. شـهروندی در سـطوح متنوعی عمل میکنـد. جنبه های شـهروندی را میتوان در جنبه ای کلی نشان داد.

شهرونـدی، از یک سو واجـد جنبه های سیاسـی و ساختاری است و از سوی دیگر، جنبه های عاطفی را دربرمیگیرد که با فرهنگ و هویتهـای فرد ارتبـاط دارد. در کمترین سـطح آن، شـهروندان بایـد نسـبت به مسـئولیتها، حقوق و هویتهـای متفـاوت خود آگاهی و شناخت داشته باشند. کسب این شناخت، نیازمند آموزش حقوق انسانی و فراهم شدن محیطی برای یادگیری است که در آن، مجال جست وجو و تقویت احساسات و انتخابهای افراد فراهم باشد.(۱)

۱- محمدسعید ذکائی، اخلاق شهروندی: رابطه هویت جمعی و ارزش های دیگرخواهانه، ص ۲۳۸.

ص: ۱۹۶

ج) تأثیر فن آوری های جدید بر آموزش شهروندی

ج) تأثیر فن آوری های جدید بر آموزش شهروندی

اثر شگرف تکنولوژیهای جدید دیجیتالی این اساس است که هزینهها را کاهش میدهند و کاربردشان در سطح جامعه مدنی و دولت، هر روز گسترش مییابد. همین خصوصیت شهروندان را قادر می سازد تا به وسیله شیوههایی که پیش از این تصورش را هم نمیکردند و به کمک تکنیکهای دموکراتیک، با هم ارتباط برقرار کنند.

در قرن بیستم، رایانه ها به طور ناگهانی زندگی را تغییر دادند. امروزه ما به پیوندهای جهان گستر رایانه متکی هستیم که به ارتباطات ما به وسیله رادیو، تلویزیون و روزنامه سرعت بخشیده است. ایدهها در سراسر جهان با سرعت الکتریسیته به حرکت درمیآیند. این ایدهها، درست در گوشه و کناری که واقعیت مجازی از راه رسیده، پنهان شده است؛ جایی که ما قادر هستیم خود را در شبیهسازهای حسی غوطهور سازیم. شبیهسازهایی که نه تنها به جهان واقعی، مربوط، بلکه مربوط به هر جهان متصور شدهاند. در نظر گرفتن تکنولوژی، همچون ابزار، درست است، اما هر آنچه درست باشد، صرفاً نمیتواند حقیقت آن چیز را توصیف کند. «این گفته درست است که حتی تکنولوژی جدید هم وسیلهای است برای رسیدن به هدفی. به همین دلیل، تصور ابزاری از تکنولوژی شرط هرگونه تلاش برای برقراری نسبت صحیح انسان با تکنولوژی است.»(۱) با ظهور فن آوریهای مدرن ارتباطی و گستردگی و شمول اینترنت، جهان وارد دوره جدیدی شده است که با عنوانهای خاص ارتباطی، مانند «جامعه اطلاعاتی»، «جامعه شبکه ای»، «جامعه

۱- مارتین هایدگر و دیگران، فلسفه تکنولوژی، ترجمه: شاپور اعتماد، ص ۸۴.

ص: ۱۹۷

معرفتی»، «جامعه اطلاعاتی و ارتباطی» و «جامعه دانایی» از دورههای پیش از خود متمایز میشود. وجه تمایز جهان جدید را میتوان در این مورد خلاصه کرد که شهروندان عادی بدون آموزشهای حرفهای، به تنهایی یا با همکاری یکدیگر، توانسته اند محتوای رسانهای را بیافرینند و درباره آن، بحث یا صحت آن را بررسی کنند. البته دنیای رسانههای شخصی، محدود به تولید متن روی وب نیست و برخی از آنها به پست های تصویری عکس و فیلم از رویدادی شخصی یا عمومی یا تهیه فایل صوتی و قرار دادن آن روی وب نیز گرایش دارند. با ظهور ابزارهای دستی مانند تلفن همراه و همه کاره ها (دستگاه های کوچکی که مجموعهای از خدمات چندرسانهای را امکانپذیر میکنند)، حوزه عمل رسانههای شهروندی، گستردهتر شده و بیش از هر زمان دیگر، بر عنصر زمان و مکان چیره شده است. گسترش اینترنت موجب شده است که الگوهای جدید ارتباطاتی شکل بگیرند.

توسعه فضای مجازی و افزایش میزان دسترسی به رسانههای جدید، به شکلگیری فضای جدید گفت وگویی میان رسانهها و مخاطبان آنها منجر شده است. زندگی در جامعه اطلاعاتی، به گسترش آگاهیهای عمومی و وسعت حوزه کنشگری انجامیده است. شهروندان امروز در قالب کاربران رسانههای جدید به ابزارهای گوناگونی دسترسی دارند که به کمک آنها فعالیتهای اجتماعی و کنشهای فرهنگی و سیاسی را شکل میدهند و صورتهای گوناگونی از هویتهای مقاومت را برنامهریزی و سامان دهی میکنند. بهره مندی از این ابزارها، در طول دوره شکلگیری و تکامل آنها متفاوت بوده است، اما همواره رشد و توسعه و بهرهگیری از آنها با توجه به نیازهای جامعه شکل گرفته است.

ص: ۱۹۸

ص: ۱۹۹

منابع

اشاره

منابع

زیر فصل ها

الف) کتاب ها

ب) نشریات

ج) لاتین

الف) کتاب ها

الف) کتاب ها

آربلاستر، آنتونی، لیبرالیسم غرب؛ ظهور و سقوط، ترجمه: عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۷۷.

آشوری، داریوش، دانش نامه سیاسی. تهران، مروارید، ۱۳۷۳.

آصفی، محمدمهدی، ولایت الأمر، طهران، المجمع العالمی للتقریب بین مذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۶ ه .ق.

ابن ابی جمهور الاحصائی، عواللئالی (جلد ۱)، قم، بی نا، ۱۴۰۳، ه .ق.

ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ (جلد ۹)، [قاهره]: المنیریه، المکتبه التجاریه الکبری، ۱۳۴۸ه .ق.

ابن منظور، لسان العرب، ج ۵ ماده (رعی)، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ه .ق.

ارسطو، سیاست، ترجمه: حمید عنایت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.

استوار سنگری، کورش، حقوق تأمین اجتماعی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.

اسلام و حقوق بین الملل عمومی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، تهران، سمت، ۱۳۷۷.

ص: ۲۰۰

اعلامیه جهانی حقوق بشر، گردآورنده: هوشنگ ناصرزاده، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.

انوری، حسن، فرهنگ روز سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۳.

بارلت، جی. ام، «حقوق شهروندی»، ترجمه: جواد کارگزاری، حقوق اساسی، شماره ۲، ۱۳۸۳.

باهنر، ناصر، رسانهها و دین، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

بحارالانوار،

بخشی، علی آقا، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، ۱۳۸۳.

پاتر، دبلیو. جیمز، بازشناسی رسانههای جمعی با رویکرد سواد رسانه ای، ترجمه: امیر یزدیان، قم، انتشارات مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۱.

پللو، روبر، شهروند و دولت، ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

پیران، پرویز، برنامه جامع آگاهسازی همگانی: به سوی پایداری و شهروندمداری، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۴.

تمیمی آمدی، عبدالواحد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: لطیف راشدی و سعید راشدی، قم، پیام علمدار، ۱۳۸۸.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلد ۱)، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.

جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۳.

جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه (جلد ۸)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیستم، ۱۳۸۴.

جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، الطبعه السابعه، ۱۳۶۷ه .ق.

جورج جرداق، الامام علی صوت العدالت الانسانیه، المجمع العالمی لاهل البیت، بی جا، ۱۴۲۴ ه .ق.

ص: ۲۰۱

حر عاملی، محمد بن حسن، مستدرک الوسائل الشیعه، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۶ه .ق، ۱۳۸۴.

، وسایل الشیعه (جلد ۴)، (الجزء السابع عشر)، قم، آل البیت، الطبعه الثانیه، ۱۴۱۴ه .ق.

حیدری نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام ، شرح نراقی. قم، مهدی نراقی، ۱۳۸۵.

خلیلیان، خلیل، حقوق بین الملل اسلامی (جلد اول)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

دانلی، جک، نظریه های حقوق بشر؛ حقوق بشر (نظریه ها و رویه ها)، ترجمه: در شریفی طرازکوهی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

درک رسایل فی ولایت الفقیه، تحقیق: محمدکاظم الرحمان ستایش و مهدی مهریزی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۳.

دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، تهران، اوج علم، ۱۳۸۰.

دلشادتهرانی، مصطفی، حکومت حکمت؛ حکومت در نهجالبلاغه، تهران، رؤیا، ۱۳۷۹.

دهخدا، لغت نامه، تهران، شرکت چاپ ۱۲۸، ۱۳۴۶.

دیرینگ، جیمز؛ راجرز، اورت، مبانی برجسته سازی رسانهها، مترجمان: مهدی رشکیانی و علی اصغر کیا، تهران، سازمان معین ادارات، ۱۳۸۵.

ذکائی، محمدسعید، «اخلاق شهروندی: رابطه هویت جمعی و ارزش های دیگرخواهانه»، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۴، ۱۳۸۱.

راغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، بیروت دمشق، الدارالعلم و الدارالشامیه، ۱۴۱۶ه .ق.

رضایی پور، آرزو، حقوق شهروندی، تهران، نشر آریان، ۱۳۸۵.

زحیلی، وهبه، حق الحریه فی العالم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱.

سبحانی، جعفر، حکومت اسلامی، ترجمه و نگارش: داوود الهامی، قم، توحید، ۱۳۷۰.

ص: ۲۰۲

سجّادی، عبدالقیوم، مبانی تحزّب در اندیشه سیاسی اسلام. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

شارع پور، محمود، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، سمت، ۱۳۸۶.

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، (جلد ۱)، دار احیاء الکتب العربی، [بی جا]، ۱۳۷۸ه .ق.

شهید الاول، شرح لمعه، کتاب المتاجر، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ه .ق.

، شرح لمعه (جلد ۲)، داوری، ۱۴۱۰ه .ق.

شهید ثانی، مسالک الافهام، مؤسسه المعارف الاسلامی، الطبعه الاولی، ۱۴۱۵ه .ق.

، مسالک الافهام، مؤسسه معارف اسلامی، الطبعه الاولی، ۱۴۱۴ه .ق.

شیخ انصاری، کتاب المکاسب (جلد ۱)، قم، چاپ سوم، ۱۴۲۰ه .ق.

شیرازی، سید محمد، الفقه (جلد ۴۸)، الجهاد، بیروت، دارالعلوم، الطبعه الثانیه، ۱۴۰۹ه .ق.

، الفقه السیاسی، بیروت، دارالقرآن، بی تا.

طباطبایی موتمنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.

طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، [بی تا].

عبدالله البحرانی، العوالم الامام الحسین، قم، تحقیق مدرسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ۱۴۰۷ه .ق.

علاقه بند، علی، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، روان، ۱۳۷۵.

علویتبار، علی رضا، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران، سازمان شهرداریهای کشور، ۱۳۸۰.

فالکس، کیث، شهروندی، ترجمه: محمد تقی دل فروز، تهران، کویر، ۱۳۸۱.

ص: ۲۰۳

فردرو، محسن، امام علی علیه السلام ، فرهنگ عمومی و همبستگی اجتماعی، تهران، زهد، چاپ اول، ۱۳۸۰.

فرهنگ دانشگاهی، تهران، فرحان، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.

فرهنگ معاصر، فارسی به فارسی (یک جلدی)، نشر معاصر، چاپ سوم، ۱۳۸۳.

فرهنگی، علیاکبر، ارتباطات انسانی (جلد اول)، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۴.

قدردان قراملکی، محمدحسن، آزادی در فقه و حدود آن، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۸۲.

قراملکی، ا. فرامرز، اخلاق حرفه ای، تهران، مجنون، ۱۳۸۲.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ترجمه: عباس حاجیانی دشتی، قم: موعود اسلام، ۱۳۹۰.

گروهی از نویسندگان، حکومت علوی ساختار و شیوه های حکومت، قم، دبیرخانه شورای نگهبان رهبری، ۱۳۸۱.

گلدوزیان، مریم السادات، حق دارا بودن تابعیت به عنوان حق بشری و چگونگی اعمال آن در حقوق داخلی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.

گولد، جولیوس و ویلیام ل کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: مصطفی ازکیا و دیگران. تهران، مازیار، ۱۳۷۶.

گیدنز، آنتونی، مبانی جامعه شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران، نی، ۱۳۷۳.

مارتین هایدگر و دیگران، فلسفه تکنولوژی، ترجمه: شاپور اعتماد، مرکز، تهران، ۱۳۷۷.

المبارک، محمد، نظام الاسلام: الحکم و الدوله، تهران، رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیه، [بی تا]، به نقل از: جواد ورعی.

مجموعه استفتائات جدید.

محقق اردبیلی، مجمع الفائده (جلد ۷)، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعه الاولی، ۱۴۰۹ ه .ق.

ص: ۲۰۴

، مجمع البرهان و الفایده، مؤسسه النشر الاسلامی، (بی جا بی تا) الجزء الثالث عشر.

محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، تهران، مؤسسه کتاب سرای اعلمی، ۱۳۸۲.

محقق کرکی، جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ه .ق.

مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش ها و پاسخ ها، [جلد ۱ و ۲]، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.

، حقوق و سیاست در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ، ۱۳۷۷.

مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.

، جاذبه و دافعه امام علی علیه السلام ، قم، صدرا، چاپ نهم، ۱۳۸۶.

، مجموعه آثار (جلد ۱)، تهران، صدرا، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۸.

معین، محمد، فرهنگ فارسی (جلد ۲)، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پانزدهم، ۱۳۷۹.

مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، شرح جامع و تازه‌ای بر نهجالبلاغه (جلد ۲).

مککوایل، دنیس، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه: پرویز اجلالی، تهران، دفتر مطالعه و توسعه رسانه‌ها، چاپ دوم، ۱۳۸۵.

، مخاطب شناسی، ترجمه: مهدی منتظر قائم، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، ۱۳۸۵.

منتظری، حسین علی، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه الجزء الثالث، قم، دارالفکر، ۱۴۱۱ه . ق.

، رساله استفتائات، تهران، سایه، ۱۳۸۴.

موسویان، سیدابوالفضل، ماهیت حق، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۲.

ص: ۲۰۵

مهرپور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.

میانجی، احمد، مکاتیب الرسول (مجلد ۲)، طهران، مؤسسه دارالحدیث الثقافیه، ۱۴۱۹ه .ق.

نائینی، محمدحسین، تنبه الأمه و تنزیه المله، تحقیق و تصحیح: جواد ورعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام (جلد ۲۱)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، الطبعه السابعه ۱۳۶۲.

، جواهر کلام (جلد ۲۲)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۶۸.

نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسایل، مؤسسه آل البیت، الطبعه الثانیه ۱۴۰۸ه .ق.

نهجالبلاغه، ترجمه: فیضالاسلام، اصفهانی، علینقی، تهران، فقیه، ۱۳۷۵.

، خطب امام علی علیه السلام ، شرح: اللاستاذ محمد عبده، بیروت، دارالمعرفه، [بی تا].

نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه (جلد ۲)، المحمودی، محمدباقر، بیروت، دارالمتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۶م، ۱۳۵۵.

نیشابوری، للامام ابی الحسین مسلم بن الحجاج، الجامع الصحیح (المجلد السادس)، بیروت، دارالفکر.

ورعی، سید جواد، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان، ۱۳۸۱.

ویندال، سون و بنو سیگنایزر، و جین اولسون، کاربرد نظریههای ارتباطات: مقدمهای بر ارتباطات برنامهریزی شده، ترجمه: علی رضا دهقان، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانهها، ۱۳۷۶.

هارت، راجرز. ای، مشارکت کودکان و نوجوانان، از پذیرش صوری تا شهروند واقعی، ترجمه: فریده طاهری، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۰.

ص: ۲۰۶

ب) نشریات

ب) نشریات

آقازاده، احمـد. «اصول و قواعـد حاکم بر فرآینـد تربیت شـهروندی و بررسـی سـیر تحولات و ویژگی های این گونه آموزش ها در کشور ژاپن». فصل نامه نوآوری های آموزشی، سال پنجم، دوره پاییز، صص۱۱ ۴۴، شماره ۱۷، ۱۳۸۵، قابل دسترس در

اسـماعیلی، محسن، «تعامل دین و رسانه از دیدگاه حقوق»، فصل نامه پژوهشـی دانشگاه امام صادق علیه السلام ، بهار ۱۳۸۳، شماره ۲۱.

اوگاوا، تسونئو، «کاربرد تنظیم و برجسته سازی خبر»، ترجمه: زهره بیدختی، فصل نامه رسانه، ۱۳۸۰، شماره۲.

ببران، صدیقه، «سواد رسانهای در برخورد با خشونت رسانهای»، روزنامه ایران، چهارشنبه ۲۳ مهر، ۱۳۸۲، شماره ۲۶۰۹.

براون، جیمز ای، «رویکردهای سواد رسانهای»، ترجمه: پیروز ایزدی، فصل نامه رسانه، ۱۳۸۵، شماره ۶۸.

بصیریان جهرمی، حسین و رضا بصیریان جهرمی، «درآمدی به سواد رسانهای و تفکر انتقادی»، فصل نامه رسانه، ۱۳۸۵، شماره ۶۸.

پیران، پرویز، «به سوی نهادهای جامعه مدنی: طرح شهردار مدرسه»، تهران، معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری، ۱۳۷۳.

خـانیکی هـادی و پـدرام الونـدی، «رسانههای شـهروندی و حوزه عمومی جایگزین (مطالعه موردی پنـج سایت فعال روزنامه نگاری شهروندی در ایران)»، فصل نامه علوم اجتماعی، ۱۳۸۹، شماره ۵۱.

خطیب زنجانی، نازیلا، «آموزش شهروندی نیاز جامعه امروز»، روزنامه کیهان، ۱۳۸۶، قابل دسترس در:

..

سعیدی، پدرام، «نگرش شورا و شهرداری به آموزش شهروندی»، فصل نامه شهرداریها، سال پنجم، ۱۳۸۲، شماره ۵۱.

شربتیـان، محمـدحسن، «تـأملی بر مبـانی فرهنـگ شـهروندی و ارائه راه کارهـایی برای گسترش آن»، فصـل نـامه فرهنگی پژوهشـی فرهنگ

ص: ۲۰۷

خراسان جنوبی، سال دوم و سوم، دوره تابستان و پاییز، ۱۳۸۷، شماره ۸ و ۹.

شریعتی، روح الله، «حقوق اقلیت ها در حکومت نبوی». فصل نامه تخصصی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام ، سال نهم، ۱۳۸۵، شماره ۳۵.

شریف، محمد، «حقوق شهروندی و حقوق بشری»، مجله نامه، ۱۳۸۵، شماره ۵۳.

عربی فر، مهدیه، «مفهوم حقوق شهروندی در نهج البلاغه»، نشریه معرفت، شماره ۱۵۳، ۱۳۸۹.

قاسمی، طهمورث، «سواد رسانهای؛ رویکردی جدید به نظارت»، فصل نامه رسانه، ۱۳۸۵، شماره ۶۸.

لطف آبـادی، حسـین، «آموزش شـهروندی ملی و جهـانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشـی دانش آموزان»، فصل نامه نوآوری های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، قابل دسترس در: www.sid.ir

هویـدا نادری و رضا ناهیـد، «بررسـی سـطح رفتاری شـهروندی سازمانی کارکنان»، پژوهش نامه مـدیریت اجرایی، سال نهم، ۱۳۸۸، شماره ۱ (پیاپی۳۳)، قابل دسترس در www.sid.ir

ج) لاتین

ج) لاتین

Citizen, the Clumbia Encyclopedia, six edition, publisher: Columbia University Press, New york, P ۱۰۷۰۸

Entman, R. M. (۱۹۹۳). Framing: Toward clarification of a fractured paradigm. Journal of Communication, ۴۳(۴), ۵۱ ۵۸.

Entman, R.M. (۱۹۹۱). Framing U S coverage of international news: Contrasts in narratives of the KAL and Iran air incidents Journal of Communication: Volume ۴۱, Issue ۴, pp. ۶–۲۷.

Faulks, K. (۲۰۰۰). Citizenship. London: Routledge.

Flower. D. (۱۹۹۰). Democracy’s next generation. Educational Leadership, Vol,۴۸.

http://www.bbc.co.uk/persia/story۲۰۰۵

Lewis, Justin Jhally, Sut (۱۹۹۸). The Struggle over Media Literacy. Journal of

۱) ۴۸.Communication).

ص: ۲۰۸

.Marshall, T.H. (۱۹۶۴) Class, citizenship, and social development. New York: Doubloday

McCombs, Maxwell Shaw, Donald L.(۱۹۷۲) The Agenda setting Function of the Media. .Public Opinian Quarterly, Vol. ۳۶

.Miller, D. (۱۹۹۵) Citizenship and Pluralism. Political studies, vol.۴۳

Oldfield, A. (۱۹۹۰) citizenship and community: civic Republicationism and modern world. .London: Routledge

.Oldfield, A. (۱۹۹۰) citizenship: an unnatural Practice? Political Quarterly, vol.۶۱

Schlesinger, Philip (۱۹۹۱) Media, state and nations; political violence and collective .identities.London Sage Publications

.Silverstone, Roger,(۱۹۹۴) Television and Everyday Life. Routledge. London, New York

The demands of Citizenship. Edited by cotrioncs Mckinnon and lain Hampsher monk. CotinuuM. London, and New York, ۲۰۰۰

Turner, Bryan S. and Hamilton, Peter (۱۹۹۴). Citizenship: Critical Concepts, Routledge, .London, Volume ۲

United Nations development programme (۲۰۰۲). Human development report ۲۰۰۲. Oxford .university press

Alvaldo,M, Gutch, R, Wollent, T. (۱۹۸۷). Learning The Media: An. Introduction To Medai .Teaching. London: Macmillan Education

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲.ارتباط با مراکز هم سو
۳.پرهیز از موازی کاری
۴.صرفا ارائه محتوای علمی
۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان –خیابان عبدالرزاق – بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای – کوچه شهید محمد حسن توکلی –پلاک ۱۲۹/۳۴– طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹